

بهای مجله فقط 1 پوند

آمریکا 2 دلار

اروپا 1/5 یورو

زندگانه

ماه می - ژوئن

شماره پیاپی ۱۰۲۰-۱۰۱۹



نازنین افشین جم پرچم آزادی بر دوش



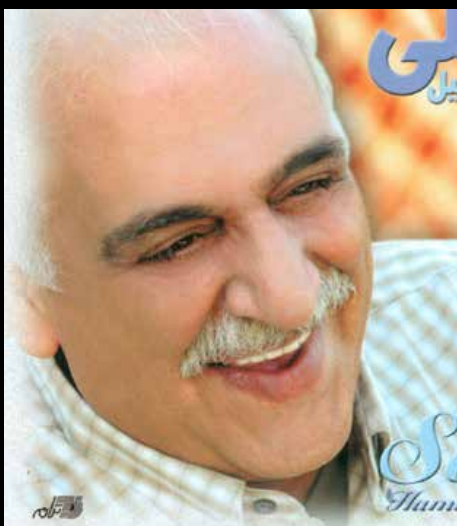
پس از ۳۰ سال یا روسری یا توسری



پروین سلیمانی مادر سینمای ایران به دنبال اتفاقی برای زندگی



اخراجی ها : چماق به دستی که فیلمساز شد



سلی، از جنس مسؤولیت



نیکی کریمی عروسک بزرگ کرده رژیم



آلن دلون ایران در شهر پاریس درگذشت

ورلد اکسپرس

پرواز به سراسر جهان



WORLD EXPRESS
VOYAGES ET TOURISME



با قیمت‌های ویژه پیش از سفر به هر نقطه جهان با ما تماس بگیرید

0140170125

رزرواسیون هتل‌های ۴ و ۵ ستاره با بلیط هواپیما در تمام اروپا

**10, Rue Godot de Mauroy
75009 Paris France**

Metro: Opera, Madeleine
Havre Caumartin



ماهان

نامی قابل اعتماد در تهیه و تولید مواد غذایی در خارج از کشور

شرکت ماهان با عرضه بهترین اجناس ایرانی اعم از سبزیجات خشک، ترشیجات، شیرینی های ایرانی، انواع آجیل و خشکبار، زعفران، مرباجات و هر هفته خرمای تازه، برنج با سماتی مهیار و پلوپز شهرزاد، بستنی و فالوده اصیل ایرانی و چای احمد، همچنین ارایه محصولات شرکت های یک ویک، سانا، مهیار در خدمت هموطنان عزیز است.

سوسیس و کالباس باب طبع ایرانیان



بستنی ، فالوده و دوغ گازدار سنتی

در تمامی اروپا شهره عام و خاص است

سفره خود را با محصولات ماهان رنگین کنید



MAHAN FOOD Ltd
21A, DRAGOR ROAD
LONDON NW10 6JN

Tel: 020 8963 0012

Fax: 020 8963 0090

THE BEST FOR YOUR TASTE

محصولات انجمن نگین سفره های ایرانی



انجمن
Anjoman

کنسروهای انجمن



محصولات غذایی انجمن تهیه کننده و عرضه کننده بهترین مواد غذایی ایرانی خشکبار، شیرینیجات تازه، خرما انجمن، محصول لات 1&1 غذاهای آماده انجمن، محصول لات ساناز، اروم آدا، آب میوه، چای دو غزال و زعفران انجمن طبق استانداردهای بین المللی ISO 9001

"Golden saffron is one of the biggest wholesaler and distributor of the best Iranian dried fruits, nuts and herbs, also specialising in Saffron with high quality standard"



ANJOMAN FOODS محصول لات غذایی انجمن

Trading as: GOLDEN SAFFRON LTD.
Unit 13,14 Artesian Close Brentfield Rd
LONDON NW10 8RW
TEL: 0208 4516616 FAX: 0208 4591216
www.anjomanfoods.com



KMC

شرکت مهندسين مشاور

آيا به فكر ساخت خانه اى جديد هستيد؟
آيا به فكر تغييرات ويا توسعه ساختمان خود هستيد؟
آيا به فكر تغيير كاربرى ملك فعلى خود ميپاشيد؟

**ما افتخار آن را داريم كه براى اولين بار بهترين سرويس ها را با نازلترين
قيمت به جامعه ايرانيان ارايه دهيم**

با ما تماس گرفته و از مشاوره رايگان ما بهره مند گرديد

PLANNING TO EXTEND ?

WE ARE SPECIALISTS IN:

Design, drawing and approvals for all kinds of building work and site supervising including:

- New houses/ Extension
- Loft conversions/ Alteration
- Change of use
- Commercial work

Ex-Building inspector over 20 years' experience
Architect Technologist

Tel: 0116 291 7375

Mob: 0788 6232199

دفتر وکالت الاینس

با وکلای با تجربه و کارآزموده در خدمت جامعه ایرانی

خانم میترا عادشی

آقای دکتر ناصر ادیبی

آقای شهریار مظاهری

متخصص در امور

مهاجرت و سرمایه گذاری

حل مشکلات مالک و مستاجر

مشکلات خانوادگی و وصیت نامه

80 WILLESDEN LANE, LONDON NW6 7TA

TEL: 020 7624 1414

FAX: 020 7624 5566

EMAIL: ALLIANCESOLICITORS@YAHOO.COM.UK

WEBSITE: WWW.ALLIANCE.GB.COM

PROSPER BUSINESS CENTRE

دفتر کار از هفته ای ۶۹ پوند

شامل:

BUSINESS RATE

برق - آب و تمیز کاری دفاتر

منشی برای دریافت پیغام های تلفنی و

انجام امور اداری

فتوکپی - فکس و دریافت و توزیع نامه ها

Tel: 02073280002

07939110764

ADDRESS: PROSPER HOUSE

146-154 KILLBURN HIGH RD NW6

CLOSE TO WEST HAMPSTEAD / MAIDA VALE

FOOD STAR

**با بیش از ۱۰ سابقه در تولید
واردات و پخش انواع شیرینیجات به
سوپر مارکتها ، رستورانها و مراکز ایرانی و عربی**



**پخش کننده انواع
شیرینیهای تازه پخت لندن
خشک و تر، زولبیا،
بامیه، رولت خامه ای و
کیک های تولد و عروسی**

**Irani Food Star
Unit B13
7-11 Minerva Road,
Park Royal, London,
NW10 6HJ**

Tel:020 8537 9019

Fax:020 8537 9020

Mob:07958 323 377

07830 071 015

**هم اکنون کلیه اجناس خود
را به صورت جزئی نیز به
هموطنان عزیز ارائه می دهد**

**سفارشات غذایی جهت
برگزاری جشنها و میهمانیهای
شما توسط آشپزهای درجه
یک ایرانی پذیرفته می شود**



IMPERIAL BUILDING CONTRACTORS

شرکت ساختمانی امپریال با سابقه ۲۰ ساله

به مدیریت مهندس سیاوش معمارزاده

**کلیه امور ساختمانی از طراحی تا اجرا - تعمیرات داخلی و خارجی
دکوراسیون و نقاشی - امور لوله کشی و برقکاری و نجاری
متخصص در امور نصب آشپزخانه و حمام - کاشیکاری و کفپوش**

مشاوره رایگان با قیمت های مناسب

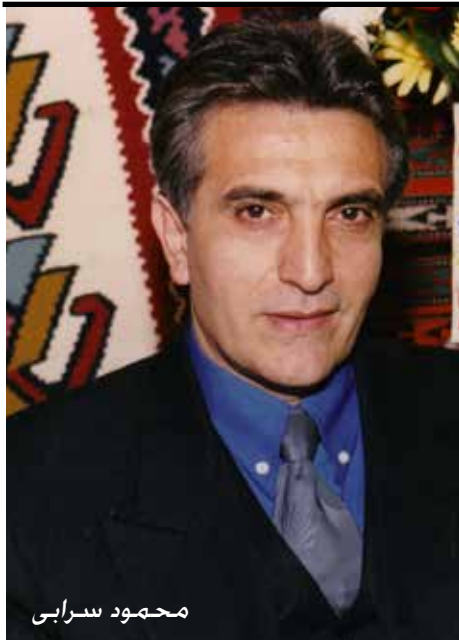
TEL/FAX: 08452 260 747 & 08452 260 757

MOBILE: 07775 803 338

www.imperialbuilders.co.uk

info@imperialbuilders.co.uk

حرمت قلم ، حریم انسانها



محمود سرابی

چون نوری زاده، اکبر گنجی، ابراهیم نبوی، مسعود بهنود، فرخ نگهدار، پیروز مجتهد زاده، خانبابا تهرانی و صدها چهره دیگر که سالهاست در نقش افرادی ظاهر شده اند که فروشنده مطاعی فاسد و شوم بوده اند در واقع اینان نه تنها جسم خود بلکه روح و روان خود را نیز در خدمت اهدافی قرار داده اند که فریب و گمراهی مردم بیگانه و ساده لوح را به همراه داشته است

اینان پایه های حکومتی را مستحکم کرده اند که در کارنامه اش اعدام متجاوز از دویست هزار ایرانی شریف را دارد. اینان معرکه گردانی هستند که مملکت و ملتی را به روز سیاه نشانده اند

اینان جیره خواران خمینی، خامنه ای، رفسنجانی و خاتمی بوده اند و با قلم هایشان در وصف و ثنای این جنایتکاران تاریخ بشریت قلم فرسایی کرده اند

آیا این قلم ها حرمت دارد؟ آیا این انسان نماها حریم انسانی دارند؟

آیا جملات و کلماتی مانند پفیوز، فاحشه، جاکش و اشغال بیانگر حتی یک درصد از واقعیت های وجودی اینان هست؟ اگر شما هنوز طرفدار و مدعی امثال اینان هستید وای بر شما و شوربخت ملتی که افکاری

بسیار مشکل است که توقعات جامعه آزاد و سالم را از چنین قلم به دستانی طلب کرد ولی آنچه بحث این شماره مجله رنگارنگ است حرمت قلم و حریم انسانهاست. چرا که سالهاست هموطنانی بر من خرده می گیرند که چرا در نوشته هایم به افرادی با کلمات و جملات به قول آنان زشت یا هتاک برخورد می کنم!

ابتدا باید هر کس بداند محترم انگاشتن افراد بستگی مستقیم به عملکرد و پرونده آن افراد دارد. مگر می توان کسی را که کلاهبرداری کرده و مدارک و اسنادش موجود است دانشمند محترم یا استاد عالیمقام خطاب کرد؟!

با زنی که حرفه اش تن فروشی است را چه باید نامید؟ بانوی نیکوکار؟ کلاهبردار اسمش کلاهبردار است و تن فروش فاحشه و هر عملکرد و رفتار و کرداری نامی صنفی در معرفی خود دارد

هر چند اعتقاد دارم در طبقه بندی عملکردها به کار بردن صفت های مشترک بی انصافی است یعنی یک زن فاحشه که جسم متعلق به خود را می فروشد با مرد و زنی که سرنوشت کشوری را می فروشد و در این معامله کثیف هر لحظه در آغوشی می رود هزاران بار فاحشه تر از آن زن تیره بخت است که شاید از ناچاری تن به چنین ذلتی داده است

زن فاحشه ادعای آگاهی رساندن به مردم را بعهد ندارد وظیفه و راهنمایی و روشنگری هم ندارد هر روز هم در خدمت اربابان پول و قدرت به رنگی در نمی آید.

استفاده از جملات و کلمات و صفت ها بخشی بسیار کوچک از ابعاد بزرگ تاثیرات هولناک و شوم کسانی است که باید مردم بدانند اینان کیستند! چه کرده اند؟ و کماکان می کنند

قدر مسلم پرونده سالها حضور افرادی

قلم به عنوان سمبل رسانه های نوشتاری معرفی می شود و قلم به دستان کسانی هستند که از صف مردمان عادی جدا می شوند و در جایگاه اجتماعی سیاسی فرهنگی، ادبی، هنری و قرار می گیرند و نقش نقادی، بررسی و پژوهش و آگاهی دادن به مردم عادی را بعهد می گیرند

در رسانه های نوشتاری و گفتاری و تصویری که عموماً کسانی به عنوان ژورنالیست یا روزنامه نگار مفسر و کارشناس در کلیه امور رایج در زندگی مردم معرفی می شوند در تمام جهان تعریفی واحد دارد

یعنی رسانه ها و دست اندرکاران این رسانه ها نقش «وجدان آگاه» جامعه خود هستند اینان به عنوان چشم و گوش و زبان مردم خود می باشند و تعهد و مسئولیت و وظیفه اخلاقی، ملی و میهنی و انسانی و حرفه ای دارند. که با مردم خود صادق باشند.

هر آنچه را به سود و مصلحت مردمان کشورشان می باشد منعکس کنند حتی اگر در این راه دچار مشکلات و گرفتاری های شخصی شوند و از سوی حکومت های دیکتاتور به محرومیت و تبعید و سیاهچال و مرگ محکوم شوند ولی از اصول خود عقب نمی نشینند

حرفه شریف و تاثیر گذار رسانه ای در جوامع سالم و متمدن امروز بشری حرف اول را می زند و این حرفه انسانهای دست اول و سالم می طلبد که حرمت قلم برایشان یک ارزش حیاتی باشد

در مورد ایرانیان که امروز به دو تکه تقسیم شده و بخشی در داخل و قسمتی به خارج از کشور آمده اند باعث شده اند این زندگی دوگانه تفاوت های بسیاری با یکدیگر و در کل با جهانیان داشته باشد

آنان که در ایران هستند و زیر چنگال بی رحم رژیم دیکتاتور ملایان زندگی می کنند مسلماً بازی مرگ و زندگی را تجربه کرده اند و

تلفن جدید 020 7 60 44 266

P.O.Box 2821
LONDON NW2 1DS

Tel: 020 8731 9333

Fax: 020 8731 1992

Email: rangarang_London@hotmail.com

(زیر نظر شورای نویسندگان)

رنگارنگ هر ماه منتشر می شود



سرگیجه

دکتر احمد پناهنده

اسلامی کنار آمده بودند و دروناً پذیرفته بودند که هر گونه همکاری را انجام دهند به همین منظور زمینه سفر را از قبل آماده کرده بودند و خودشان داوطلب پیشنهاد همکاری شده بودند.

به عبارت دیگر به قول میلان کوندرا سرگیجه گرفته بودند و از ضعف خویشستن سرمست شده بودند و بر زمین افتادند و از زمین هم پائین تر رفتند.

هرچند این مورد از هزاران مواردی است که رو شده است و گرنه هستند افراد «نویسنده و شاعر و هنرمند و و» مثل آب عماله به دامان جمهوری اسلامی بر می گردند تا در اندرون مآخت برادران ایدئولوژیک فرو روند و وقتی که به فرنگ بر می گردند قلم ها را غلاف می کنند و به کار فرهنگی بی آزار روی می آورند که البته در خفا از دوستان نزدیک و دور گزارش می دهند

باور می کنید؟

اجازه بدهید برای روشن شدن این موضوع. موردی را گزارش کنم که به شکلی به این قلم مربوط می شود

فردی که با من سالها در یک تشکیلات سیاسی کار می کرد پس از جدایی از تشکیلات مزبور به یک زندگی عادی روی آورد اما پس از چند سال تصمیم می گیرد به ایران برود و می رود

وقتی که از ایران برگشت از او سؤال کردم که آیا مشکلاتی برایت ایجاد نکردند و یا از شما بازجویی نکردند؟

آن فرد در کمال قاطعیت پاسخ داد خیر. اصلاً نه سئوالی کردند و نه مشکلی برایت ایجاد کردند. اما من با شناختی که از جمهوری اسلامی در موارد گوناگون داشتم به حرف او اعتماد نکردم و در عین ارتباط ضعیف با او نهایت احتیاط را می کردم

چند روزی نگذشت که نامه ای همراه با کارت تبریک به مناسبت سال نو از وزارت اطلاعات برایت ارسال شد که ضمن دلجویی از من، تشویق کردند که به ایران برگردم وقتی که

همکاری گرفت و ایشان. در رادیو هم این همکاری را انجام دادند و می توان حدس زد حتی گزارشی هم از دیگر دوستان برای وزارت اطلاعات رد کرده اند. و گرنه لزومی ندارد ایشان در رادیویی که بودجه اش بوسیله نهادهای در آمریکا تأمین می شود و مقرش در پراگ است به مآشات با جمهوری اسلامی بپردازد کدام مآشات؟

همین مآشات که ایشان خیلی راحت به ایران می روند. بنابراین آیا این فرد می تواند ادعا داشته باشد که مخالف جمهوری اسلامی است؟

حالا چرا این بار در بوق و کرنا دمیدند و ایشان را آنتنی تر کردند. باید در چهارچوب وضعیت فعلی جمهوری اسلامی جزیه خلیل کرد

بر همگان روشن شده است که جمهوری اسلامی در بحران به دنیا آمده است در بحران زندگی می کند و عاقبت در فوران این بحرانها می میرد

به همین دلیل است که ملوانهای انگلیسی را به گروگان می گیرند و های و هوی دیوانه وار جلوی سفارت انگلیس راه می اندازند

به همین دلیل است که یکی شهروند آمریکایی را به گروگان می گیرند

این سرو صدا پیرامون این خاتم خبرنگار را که نه گاز می گیرد و نه لگد می زند. بایستی در چهارچوب این بحران آفرینی، خلیل کرد

کدام قول همکاری؟

مگر تا دیروز همکاری نمی کردند که امروز داد و هوار راه انداخته اند که پیشنهاداتی به ایشان شده است؟

اصلاً احتیاج نبود که جمهوری اسلامی به ایشان پیشنهاد بدهد. ایشان از زمانی که تصمیم گرفته بودند به ایران تحت حاکمیت آخوندها سفر کنند در درون خود با جمهوری

میلان کوندرا می گوید «سرگیجه عبارت است از گیجی یا میل غلبه ناپذیر به افتادن در جای دیگر می گوید «سرگیجه همان سرمست شدن از ضعف خویشستن است. آدمی به ضعف خویش آگاهی دارد و نمی خواهد در برابرش مقاومت ورزد. بلکه خود را به آن تسلیم می کند. آدمی خود را از ضعف خویشستن سرمست می کند. می خواهد هرچه ضعیف تر شود. می خواهد در وسط خیابان جلوی چشممان همگان درهم فرو ریزد. می خواهد بر زمین بیفتد و از زمین هم پائین تر برود

این قول را از میلان کوندرا آوردم تا سرمستی رفقای چپ در گیومه و خواهران و برادران راست بی پرنسیب را از ضعف خویشستن بهتر نشان دهم

در خبرها آمده است که خاتم خبرنگاری برای دیدار وابستگانش که به ایران سفر کرده بود در فرودگاه تهران دستگیر شده است و از ایشان خواسته شده است که با وزارت اطلاعات همکاری کند اما ایشان این درخواست را رد کردند

اما وقتی که به پیرامون این خبر و یا گزارش رجوع می کنیم می بینیم این خاتم برای سومین بار به ایران تحت حاکمیت همین جانورانی که حکم می رانند. تشریف می برند حال چرا این بار چنین سرو صدایی بلند شد؟ مگر آن دوبار وزارت اطلاعات نهمید ایشان کی هستند و یا از ایشان در آن دوبار گزارش نخواستند و یا پیشنهاد همکاری ندادند؟

با توجه به شناختی که از جمهوری اسلامی در دست است به سختی می توان پذیرفت که چنین درخواستی نکند و یا خیلی ساده از اینگونه سوژه ها بگذرد

آن دوبار هم جمهوری اسلامی از ایشان قول

DOMESTIC COMPANY (Central Construction)

کارهای ساختمانی خود را از آغاز تا پایان به ما بسپارید و مطمئن باشید ضرر نخواهید کرد

Extention
Electric
Plumbing
Plastring



تعمیرات داخلی و خارجی
دکوراسیون و نقاشی
امور لوله کشی ، برق کاری ، نجاری
نصب آشپزخانه و حمام
کاشی کاری و کف پوش

18 Grove End Road, London NW8

Tel: 020 7286 1053

تازه این فرد مورد بحث نه به دار بوده و هست و نه به بار، یعنی خالی از ذهن است. اصولاً همه آنهاييکه از آن تشکيلات که من با آنها کار می کردم خالی از ذهن هستند مگر اینکه از قبل اندوخته ای داشته باشند و یا پس از آن بیاندوزند

حال این مورد را با آن خانم خبرنگار مقایسه کنید و موقعیت او را در نظر بگیرید. آیا گزاره است که بگویم این خانم از ضعف خویشتنش سرمست شده و سر گیجه گرفته و می خواهد از زمین پائین تر برود و رفت؟

وقتی که از آن دوست ایران رفته مان که نه بدار است و نه به بار، چنین تعهدی می گیرند که گزارش روزانه بدهد آیا باور کردنی است طی دو سفر به ایران با این خانم خبرنگار با آن موقعیت کاری نداشته باشند؟

کافی است در این باره به رادیو دویچه وله و نشراتی که در آن کار می کنند اندیشه کنید. تمامی نشرات آنجا دچار سرگیجه هستند و به ایران رفت و آمد می کنند

سؤال این است که آیا این افراد می توانند گزارشی مخالف جمهوری اسلامی از رادیو پخش کنند

آیا به شکلی با جمهوری اسلامی همکاری نمی کنند؟

آیا گزارش از دوستان پیرامون به جمهوری اسلامی رد نمی کنند؟

جواب این سؤالات در آینده روشن می شود در پایان مایل هستم که بنویسم منظور از این نوشته افراد عادی جامعه نیست که به ایران رفت و آمد می کنند بلکه منظور فقط شامل

وقتی که از او سؤال کردم که آیا از من و یا دوستان دیگر هم سؤال کردند او اینبار در معذوریت قرار گرفت و گفت

یکبار در شهر آستانه اشرفیه در عروسی برادر زاده ام بودم که گفتند یک ماشین سپاه آمده جلوی در و فلانی را می خواهد. من ترسیدم اما چاره نداشتم و یک روسری و یک مانتو برداشتم و از خانواده ام خواستم نگران نباشید الان برمی گردم. وقتی که از در

خانه بیرون رفتم چند نفر مرا به داخل ماشین هدایت کردند و سپس آلبومی از عکس افراد گوناگون را باز کردند و افرادی که من با آنها رفت و آمد خانوادگی داشتم را به من نشان دادند که از جمله عکس تو بود. اول خواستم بگویم نه نمی شناسم اما فکر کردم آنها همه چیز را می دانند پس بهتر است که بگویم آری ایشان را می شناسم. همینکه خواستم قدری راجع به تو صحبت کنم آنها گفتند ما می دانیم ایشان درسشان را تمام کردند و در حال حاضر با آن تشکيلات قبلی کار نمی کند هدف از آوردن این نمونه فعال کردن ذهن مخاطبین این نوشته است که (سرگیجه)

گرفتن را خوب تشخیص دهیم. به عبارتی این دوست ایران رفته ام از همان زمان که تصمیم می گیرد به ایران برود. در درون خود با جمهوری اسلامی سازش می کند و دروناً می پذیرد هرگونه همکاری را با جمهوری اسلامی انجام دهد

در واقع با ضعف خویشتن سرمست می شود و می خواهد از زمینی که روی آن راه می رود پائین تر برود

این ماجرا را برای آن دوست ایران رفته تعریف کردم. ابتدا جا خورد و بعد گفت آنها برای همه نامه می فرستند

اما من دوباره از او سؤال کردم آیا در ایران راجع به من و دوستان دیگر از تو سؤال کردند؟

ایشان باز همه چیز را انکار کردند. در همین اوضاع خانم یکی از دوستان تشکيلاتی سابقمان که به ایران سفر کرده بود از ایران برگشت. او گفت مدتی که در ایران بوده است چند بار به هتل لاله دعوت شده است و از سیر تا پياز از او خواستند که هرچه می داند بنویسد

او گفت هرچه در خاطر داشت و هر که را می شناخت نوشت و معرفی کرد اما آنها ول کن نبودند و هرشب و یا وقت و بی وقت در تبریز با من تماس می گرفتند و می گفتند بیا تهران تا چند سؤال را با تو روشن کنیم

وقتی که این گزارش را شنیدم به دوست ایران رفته ام گفتم آخرچطور می شود از یکی به این شکل سؤال و جواب کنند اما دیگری را آزاد بگذارند تازه تو در مدار تشکيلاتی از او مسئول تر بودی؟

ولی او همچنان همه چیز را انکار می کرد دو ماهی نگذشت که این بار با شوهرش به ایران رفت. وقتی که برگشت بدون اینکه از او سؤال کنم هم خانم و هم آقا پیشدستی کردند و گفتند به محض ورودمان به فرودگاه ما را یک سره به هتل لاله بردند تا ازما بازجویی کنند و بعد گزارش بنویسیم و ادامه دادند تا وقتی که در ایران بودند هر بار به دلایلی مزاحم ایشان می شدند

فرهنگسرای لندن

بزرگترین و مدرنترین مرکز فرهنگی ایران در بریتانیا

*انواع کتابهای چاپ داخل و خارج از کشور
*کاملترین مجموعه فیلمهای ایرانی اورژینال برای فروش واجاره

انواع سازهای ایرانی همراه کتابهای نت و فیلمهای آموزشی تار، سه تار، تبک
فرهنگسرای لندن وارد کننده و توزیع کننده: کاست، سی دی و فیلم از شرکتهای کلتکس، ترانه، آونگ، پارس ویدئو، چهره نما

فرهنگسرای لندن هیچ گونه نوار، سی دی و فیلمهای کپی عرضه نمی کند



مرکز پخش آئین نامه رانندگی و ترجمه فارسی راهنمای تست زندگی در بریتانیا

کارت های معتبر پذیرفته می شود

کاست ایران 1، کاست خارج 2، فیلمهای ویدئویی باز 1، سی دی های باز 3، کلیه فیلمهای ویدئویی آکبند 3*

1261 Finchley Road Temple Fortune London NW11 0AD

www.farhangsara.co.uk

Tel: 020 8455 55 50

Fax: 020 8201 8506

قنادی و خشکبار بهار و سوپر مارکت زمان

بازارچه ای در قلب کنزینگتون



آجیل، تازه ترین سبزیجات و میوه های ایرانی
گوشت و مرغ حلال

ویدیو کلاب زمان بهترین کاست ، سی دی و ویدیوهای ایرانی را با تخفیف ویژه
دراختیار شما قرار می دهد.



Tel: 020 7603 8909
347Kensington High St. W8

حجاب بهانه ای برای فریب افکار

حکومت زور و تزویر تنها راه ماندگاری رادرسرکوب و منکوب کردن مردم می داند و برای رسیدن به اهداف پلید و بی شرمانه خود رذیلانه ترین راه را انتخاب کرده است. آنها تمام حوزه های خصوصی و عمومی را به تسخیر و نوکران حلقه به گوش و فریب خورده درآورده اند و به اسم اسلام سعی در توجیه اعمال حیوانی خویش دارند. معتقدم طرح مبارزه بابت حجابی پاشنه ی آشیل حاکمان فریب خواهد شد و ایران را سراسر برای منادیان دروغ جهنم می کند. امروز جهنمی که حکومت اسلامی برای مردم به وجود آورده است آنها رادرخود می سوزاند



و ایرانی نو از خاکستر ایران امروز به پا می شود. ققنوس ایران به سوختن رسیده! ولی خاکسترهای آن نوید تولدی دیگر و فردایی آزاد ورها را می دهد



6 DENA MARKET دننا سوپر POLSKI SKLEP
OFF LICENCE FOOD & GROCERY

سوپر دنا



FREE DELIVERY

سوپر دنا کلیه مایحتاج یک خانواده ایرانی را زیر یک سقف گرد آوری نموده است

SUPER DENA

Tel: 020 85 66 93 60

13 Ashbourne Parade ,(On Hanger Lane Roundabout) London , NW 10

بنیامین محبوب ترین خواننده موسیقی پاپ ایران



بنیامین که این روزها جزو محبوب ترین های موسیقی پاپ ایران است در مصاحبه ای مفصل شرکت کرده است

سوال: بیوگرافیت را می گویی؟

بنیامین: بنیامین بهادری متولد ۱۸ شهریور سال ۱۳۶۱ دانشجوی ادبیات فارسی رودهن بچه آخر خانواده و دوست صمیمی فرید و در آخر مجرد

سوال: می خواهیم از مطرح شدن پدیده ای به نام بنیامین صحبت کنیم فکر می کنیم از حدود ماه های آبان یا اذر سال پیش بود که آهنگ خاطره ها سر زبان افتاد ماجرایش چه بود؟ ما تو را در عالم موسیقی می شناختیم، اما ماجرای خواندن از کجا شروع شد؟

بنیامین: من کار ترانه را از سن نوجوانی انجام می دادم و بعد وارد ملودی سازی و آهنگ شدم ما داشتیم با فرید احمدی و چند نفر از دوستان در مورد کاری همفکری می کردیم ، حدود دو سال روی قسمت های مختلف این کار از شعر گرفته تا ملودی و تنظیم وقت گذاشتیم. می دانه چقدر این کار موفق شده ولی به هر حال همین سبک به ذهنمان رسید و داشتیم کار را برای چند خواننده محسن رجب پور ، غلام علمشاهی و دیگر دوستان تست می کردم که کار از همین مرحله لو رفت تا آن موقع اصلا قرار نبود من بخوانم پنج شش خواننده که خودت بهتر می شناسیشان کاندیدای خواندن این ترانه ها بودند. در این مرحله من مثل تمام آهنگسازان و روشنی که در تمام دنیای موسیقی معمول است روی کار به صورت اتود خواندم و همین کار لو رفت. اولین بار یکی از دوستانم این کار را شنید و وقتی به من خبر داد به آقای رجب پور زنگ زدم باورم نمی شد ولی آقای علمشاهی هم تایید کرد باورم شد. تازه آن موقع به من پیشنهاد شد که تو بهتر از بقیه خوانده ای و بیا خودت بخوان

سوال: الان دیگر به خوانندگی به صورت حرفه ای نگاه می کنی؟

بنیامین: نه واقعا دوست ندارم الان همه تعجب می کنند وقتی می گویم از خواندن خوشم نمی آید ولی واقعا من از شهرت و توی چشم مردم بودن و نفر اول یک مجموعه بودن خوشم نمی آید احساس می کنم اینطوری محدود می شوم این زندگی را دوست ندارم دلم نمی خواهد روی بلیورد ها و زیر ذره بین باشم دوست دارم قدرت مانورم را پشت پرده حفظ کنم

سوال: پس دیگه تو را به عنوان خواننده نخواهیم دید؟

بنیامین: فعلا هیچی معلوم نیست

سوال: حالا یک بحث مالی هم وسط می آید قطعا تو آدم پولسازی هستی و شرکت ها هم رهایت نخواهند کرد

بنیامین: من یک کار کودک انجام دادم که پرفروش ترین کار تمام تاریخ

کارهای کودک شد. آنجا از نظر مالی برایم عالی بود با شرکت سروش کار کردم و هر دو راضی بودیم . از این قبیل کارها باز هم دارم و فکر نمی کنم از نظر مالی هم ضرری بکنم فقط که نباید از راه خواندن پول ساخت

ضمنا من نگاهم به موسیقی خیلی مادی و اسکناسی نیست ترجیح می دهم با کسانی کار کنم که آنها هم مثل خودم فکر کنند البته قبول دارم که اثری و موزیک پاپی هنری است که گیشه داشته باشد و پول می تواند نشانه موفقیت باشد ولی همه چیز نیست مطمئن باشیید اگر هم دوباره بخوانم باز دلیل مالی نداشته و به خاطر پول کار نمی کنم

سوال: بحث خیلی فنی شد! این چند وقته تغییری حس کرده ای؟ در خیابان شناخته می شوی؟

بنیامین: من زیاد بیرون نمی روم می دانی که همیشه خانه ام. سلام و علیک و اظهار لطف برای همه خوشایند است و منم بدم نمی آید اما اگر آنقدر مشهور بشوی که از کار بیفتی و دیگر نتوانی مثل آدم های عادی در خیابان رفت و آمد کنی و تازه با یک حرکت باعث رنجش دیگران هم بشوی آن وقت خیلی بد است

سوال: وضع بازار موسیقی الان ناامید کننده است حالا آلبوم تو در همین شرایط پر فروش شده فکر می کنی چرا؟

بنیامین: به نظر من داشتن کلیپ نه مثبت است نه منفی ، مهم شنیدن کار است. در خانه و ماشین مردم از موزیک پاپ می خواهند چیزی بشنوند فرق نمی کند که کلیپ باشد یا تیتراژ سریال یا بی کلام. ساعتی باید با موزیک پر شود و اگر کار خوب باشد نیازی به عوامل دیگر پیدا نمی کند. البته تبلیغ عالی است ولی کافی نیست. کلیپ همه موسیقی نیست. مردم دوست دارند چیزی را که دلشان می خواهد بشنوند دیدن زیاد مهم نیست

سوال: کدام کار را بیشتر دوست داری؟

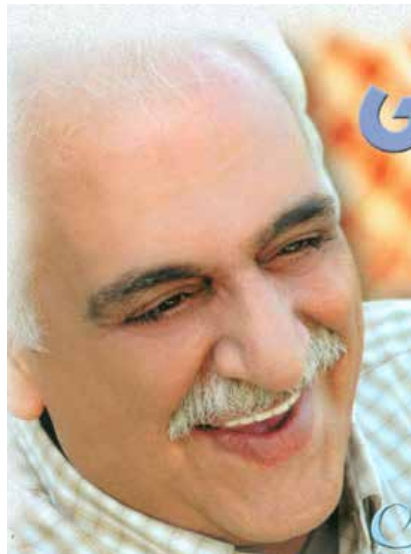


سلی هنوز هنرمند مانده است

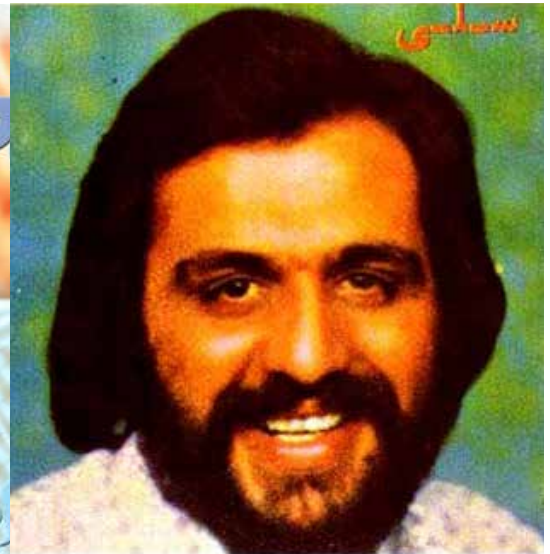
مری آپیک هنرمند آینه تعهد و مسئولیت جامعه است

مری آپیک هنرپیشه سرشناس و مطرح سینما و تئاتر در مصاحبه ای حرفهایی زد که نشان داد یک هنرمند واقعی و هنرمند نماهای تقلبی چقدر با هم تفاوت دارند

زمانی که مری آپیک در سینمای ایران مطرح بود و عنوان بهترین هنرپیشه زن را از فستیوالهای جهانی کسب می کرد شهره آغداشلوها در حسرت و آرزوی یک پلان بازی در هر فیلمی بودند



امروز



دیروز

سلی هنرمندی که قبل از انقلاب با اجرای ترانه هایی با سبک خاص خودش طرفداران بیشماری یافته بود با وقوع انقلاب در ایران کمتر خبری از او بود تا اینکه در یک برنامه تلویزیونی طپش حضور یافت و با امیر قاسمی به گفتگو نشست و بر خلاف مصاحبه های همیشگی شریک هنری جمهوری اسلامی امیر قاسمی : این بار سلی بعنوان یک هنرمند درد کشیده و متأثر از بدبختی های کشورش حرف زد و در برابر رنگ و وارنگ شدن امیر قاسمی سلی از جنایت و کشتار حکومت ملایان گفت که درود بر شرف و معرفت چنین کسانی که نان را به نرخ روز نشخوار نمی کنند



اگر راه شش پیراز بـ رای تو دوره

سوپر شیراز در قلب ادمونتون راهبران زدیک کرده

سوپر شیراز با مجموعه کاملی از

بهترین مایحتاج خانواده های ایرانی در

شمال لندن در منطقه ادمونتون

در خدمت شماست

SHIRAZ MARKET

IRANIAN & CONTINENTAL FOOD & VEG & OFF LICENCE

TEL: 020 8805 9841

270 HERTFORD ROAD , EDMONTON N9



در همین لندن قیمت بلیط یک کنسرت به نزدیک ۵۰ پوند رسیده است یعنی حدود ۸۵ یورو و یا به عبارتی ۱۰۰ دلار آن هم برنامه هایی که هیچگونه ارزش هنری ندارد

در این زمینه از شماره آینده گزارشی از چند کشور اروپایی را تقدیم خوانندگان مجله رنگارنگ خواهیم کرد که از کنسرتها با هنرمندان و برنامه گذاران چه انتظار و توقعی وجود دارد و مردم چه نقشی در این برنامه ها

و هدف شبی است که به هر حال بگذرد و گروهی زیر یک سقف جمع شوند پولی بپردازند : مشروبی بخورند و در نهایت هم دعوایی براه بيفتد تا برنامه کنسرت کامل شود

این روزهاست که جای خالی کسانی مانند آریس و منوچهر وثوق در لندن خالیست یا در کشورهایی چون آلمان مریم پروین و مجید حسنی کسانی که با اینکه به دفعات ضررهای مالی هنگفت کردند ولی برایشان کیفیت برنامه ها و آسایش و لذت مردم در اولویت بود ولی امروز قطاری در اروپا راه می افتد مشتی هنرمند با آن همراه می شوند در هر شهری توقفی کوتاه دارند با قیمتها و نرخ هایی



عجیب و غریب و گروهی ایرانی هم تنها بخاطر ساعاتی وقت گذراندن با هدفهایی مختلف به دیدن این گونه برنامه ها می روند که به ظاهر دل تنهایی شان شاد شود

مری آپیک که سالهاست بعنوان زوج هنری پرویز صیاد با وی همکاری دارد در باره نقش یک هنرمند در جامعه چنین می گوید

هنرمند آئینه تعهد و مسئولیت در جامعه است هنرمند با مرز بندیها و عکس العملهای مختلف در رابطه با مسائل اجتماعی زندگی خود می تواند نقشی تاثیر گذار در جامعه داشته باشد وقتی در کشور من نصف جمعیت ایران که زنان هستند و از حق و حقوق قانونی شهروندی محروم می باشند یا در زندانهای ایران مانند اوین آنان را شکنجه و آزار و اعدام و سنگسار می کنند من نیز وظیفه دارم صدای معترض آنان باشم

قابل توجه شهره آغداشلو که می گوید اگر جمهوری اسلامی اجازه دهد من لچک هم !سر می کنم تا در فیلمهای آنان بازی کنم؟

کنسرتها و

عید هم گذشت و هیاهو و جنجالهای کنسرتها نوروزی هم تمام شد اضافه شدن دبی هم به جمع شهرهای هنری ایرانیان در غربت هم از آن حکایتهای هزار قصه است

آنچه چند سالی است به نام کنسرت در شهرهای اروپا و سایر کشورهای دیگر برگزار می شود فاقد کیفیت هنری و تنها جنبه اقتصادی برای برنامه گذاران و هنرمندان دارد

سوپر تهران

جدیدترین و شادترین
کاست ، سی دی و
ویدیوها با قیمتهایی
استثنایی فقط در
سوپر تهران

شما می توانید
شیرینیجات،
بستنی ، فا لوده ایرانی
خشکبار، ترشیجات و
دیگر محصولات ایرانی
را از ما تهیه فرمائید.

565 , Finchley Road , London NW3

Tel: 020 7435 3622

Fax: 020 7431 9595



اخراجی ها

فیلمی از سر کرده چماق داران اسلامی

اخراجی ها : فیلمی که حزب الهی ها هم به روغن سوزی افتاده اند

اخراجی ها: ماهیت کفیف و درونی حزب الهی !هایی که حالا رهبرانیشان فیلسماز شده اند تبلیغات وزارت اطلاعات و رسانه های خارج از کشور فیلم مبتذلی را به خورد هموطنان سطحی نگر می دهد

فیلم اخراجی ها ساخته مسعود ده نمکی چهره مزدور و چماق به دست حکومت ملایان که طی ۲۸ سال گذشته او با حمایت حکومت آخوندی هر اجتماعی را به نام لباس مشکی ها به هم ریخته اند و با چاقو و پنجه بوکس و چماق به جان زنان و مردان ایرانی افتاده اند فیلم های یورش اینان به ملت اسیر ایران در حوادث دانشگاه: اجتماعات هنری و فرهنگی و هزاران نمونه دیگر موجود است

این ارادل و اوباش با پرونده سازی های تقلبی که قهرمانان جنگ ۸ ساله بوده اند وامثال ده



یک شب به همه ارزشها و تخصصهای این هنر فاخته می خواند

مسعود ده نمکی و دار و دسته چماق دارانش با کارت سبزی در آن مملکت آزاد هستند هرغلطی دلشان می خواهد انجام دهند : چه پسران و دختران جوانی که هزاران امید و آرزو به زندگی داشتند و به وسیله همین ده نمکی ها مجروح و معلول شدند فقط به جرم آزادیخواهی : حالا همین لات بی پدر و مادر میشود فیلمساز !برجسته تاریخ سینمای ایرانی

باید تاسف به حال ملتی خورد که در دام چنین پفیوزها و حقوق بگیران خارج از کشور نشین اسیر هستند تا هر روز به نوعی آنان را رنگ کنند و سرکار بگذارند یک روز با مارمولک: یک روز با ازدواج به سبک ایرانی : یک روز با اخراجی ها و بهانه هم این است که این فیلم ضد رژیم است

اخراجی ها نمایانگر تهوع آور زندگی واقعی کسانی است که نام حزب الهی متظاهر به خود نهاده اند و امروز همانها سردار: فرمانده و رهبر ملتی شده اند تا آنها را به روز سیاه بن شانند

پیام اقبالی

نمکی ها مثل سگ هم دروغ می گویند حالا به خاطر آن روزها : سالهاست از ملت ایران ارث پدر نداشته شان را طلبکار هستند به جای اینکه یقه حکومتگران و آقازاده ها را بگیرند پاچه ملت بی دفاع را گرفته اند اخراجی ها از دست پخت های وزارت اطلاعات است که چند سالی است زیر پوشش چنین فیلمهایی مبتذل و تنها با تبلیغات گسترده و هماهنگ با پادوهای خارج از کشور نمایشی عوامفریبانه به راه انداخته اند تا با گنجاندن چند دیالوگ به ظاهر طعنه دار ویراژ دهند که این فیلم ضد رژیم است ! جل الخالق

حضور هنرپیشگانی که به دستور وزارت اطلاعات مجبور شده اند با کارگردانی کار کنند که حتی در عمرش ۵ تا فیلم سینمایی هم ندیده است حالا چطور یک شب به می آید و فیلمی می سازد که تاریخ سینمای ایران را می شکند؟ یعنی دانش و علم و هنر هفتم جهان کشک است؟

کارگردانانی که عمری تلاش کرده اند و به تحصیل در این رشته پرداخته اند و تخصص علمی به دست آورده اند مرخص هستند : یک لات و ازگل بچه حزب الهی چرک: پاچه ورمالیده

قابل توجه ایرانیان و سایر ملتها که از وکلا و دفاتر حقوقی شکایت دارند

چنانچه شما هم از دفاتر حقوقی و وکلای ایرانی و سایر ملیتهای دیگر شکایتی دارید و مدعی هستید که حق و حقوق قانونی تان پایمال شده می توانید با ما تماس بگیرید و ما بدون هیچگونه هزینه ای پرونده شما را تشکیل و آن را پیگیری خواهیم نمود و در صورت اثبات ادعای شما برایتان خسارت دریافت خواهیم کرد

دکتر شیدا اورکی

020 8893 9050

0778 212 0120

CASIA

(COMPLAINTS AGENTS SOLICITORS ACTION TOO INDEPENDENT ADJUDICATION)

SARACASIA@HOTMAIL.CO.UK



همه روزه انواع شیرینیجات خشک و تر در قنادی رضا طبخ و به مشتریان عرضه می شود



کلیه مایحتاج خود را مانند همیشه با بهترین کیفیت و قیمت
از سوپر قنادی رضاتهییه فرمایید

نامی که می شناسید و در عرض ۲۵ سال به آن اطمینان دارید

345 High Street Kensington London W9

Tel: 020 - 7603 0924

۷ نوع دستگاه جدید لیزر و IPL
برای زیبایی پوست شما

کلینیک زیبایی

دکتر عباس شیرافکن، دکتر ویلیامز و دکتر لورن و بیوتراپیستهای با

- ۱- لیزر برای از بین بردن مو: صورت 55 £، زیر بغل 40 £، چانه 30 £، بالای لب 20 £، بیکنی 45 £، پا 140 £، پشت و با سینه و شکم آقایان 95 £، پشت گردن 30 £، گونه ها 30
 - ۲- تزریق بتاکس در ناحیه پیشانی و اطراف چشم، اطراف دهان و کنار بینی برای از بین بردن چروک از 195 £ به بالا. بزرگ کردن لب 250
 - ۳- از بین بردن مویرگهای قرمز 35 £، لایه برداری پوست صورت 35 £، جوان کردن پوست
 - ۴- تمیز کردن صورت از 16 الی 50 کلیه درمانهای زیبایی الکترولیز 5 £، Waxing 18 £، Full legs
 - ۵- لایه برداری پوست صورت ۳۵ پوند
 - ۶- Contact Lens, Freshlook، رنگی برای ایرانیان ۱۰ پوند
 - ۷- جدیدترین مدلهای آرایش و رنگ مو انواع کوتاه کردن مو و آرایش عروس پوت آپ
- کلیه درمانها طبق خواسته شما توسط متخصصین خاتم و یا آقا در اطاق خصوصی انجام می گیرد

(Free Consultation)

مشاوره رایگان توسط دکتر عباس شیرافکن

همه روزه از ساعت ۷-۴ بعد از ظهر و شنبه ها تمام روز در کلینیک Lemoge واقع در Kilburn

LEMOGE CLINIC

Beauty Treatments, Botox, Laser/IPL+Filler
Tanning & Slimming Treatments
Dermatological

191 Kilburn High Road
London NW6 7HY (near Bingo)
020 73720044 – 020 73724433
Mon-Fri 9:30 – 7
Sat 9-6 / Sun 10-5:30

QUEENS PARK CLINIC

BEAUTY & SLIMMING Treatments
Hair Dressing & Tanning
LASER / IPL & BOTOX
Guinot & Dermatological
47 Salsbury Road NW6 6NJ
(Opposite Queens Park Station)
020 79120920- 020 76043124
Mon-Fri 9:30 – 7
Sat 9-6 / Sun 10-5:30



Beauty Clinic

222 West End Lane
West Hampstead NW6 1UU

020 74359703

ضمناً ما به کادر زیبایی و مو نیازمندیم

SHIEK IMAM

شفادهنده برجسته افریقایی

با بیش از ۲۰ سال تجربه در احضار روح

**مشاور و حلال مشکلات ازدواج، کار
بدشاهی های زندگی، کابوسهای
شبهانه، اعتیاد، نازایی، آرزوهای دست
نیافتنی، و مشکلات جنسی**

**به زبان های انگلیسی، فرانسه
، اسپانیایی و عربی**

**020 8548 4999
07985 691385**

98 HENDERSON ROAD
LONDON E7 8EF

با تعیین وقت قبلی

PARVIZ & CO

**حمل و نقل آسان با آرامش خیال را
به شما عرضه می کند**



شرکت حمل و نقل پروژه با کادری ورزیده جهت

چاپچاپی وسایل منزل و دفاتر کار شما در

سراسر انگلستان با قیمت های استثنایی

07859812916

02084553425

محیط زیست در این باره گفت: صنایع پتروشیمی از جیوه به عنوان کاتالیزور استفاده می کنند و در آلاینده هایی که به رودخانه و دریا ریخته می شود. این جیوه وجود دارد و ماهیان نیز از آن استفاده می کنند. به همین علت وجود عنصر جیوه در آبزیان بخصوص ماهی تأیید می شود

وی افزود: در سفری که با رئیس سازمان حفاظت محیط زیست به ماهشهر داشتیم. رئیس شبکه بهداشت این شهر آمارهای عجیبی از تولد کودکان ناقص الخلقه از جمله تولد ۲۷۰ تا ۳۷۰ کودک بدون سر در مدت ۶ ماه ارائه داد

همچنین رئیس شبکه بهداشت ماهشهر از عقیم شدن شماری از مردان ماهشهری خبر داد که علت عمده آن احتمالاً وجود آلاینده های پتروشیمی در آب های خلیج فارس بوده است

در تاریخ اول اسفندماه ۱۳۸۵ روزنامه ایران در گزارشی با عنوان «میناماتای ایران» به آلودگی آب و خاک اشاره کرده بود. در آن گزارش آورده شده بود که وجود جیوه در آب های ایران خطرناک است و می تواند ضربات جبران ناپذیری را به زیست انسانی وارد آورد

مدیرکل دفتر بررسی آب و خاک سازمان حفاظت محیط زیست در این باره گفت: نمی توان وجود جیوه را در آب هایی که آلاینده پتروشیمی به آن ریخته می شود. تکذیب کرد. حتی عنصر جیوه در ماهیان وجود دارد اگر جیوه وارد بدن شود. امکان فلج شدن افراد بزرگسال نیز وجود دارد

ایرانی ها در هالیوود

شاعر می فرماید «هنر نزد ایرانیان است و بس» و در این زمینه تبصره و ماده واحده ای ذکر نمی کند. می توان تبحر ایرانیان را به تمام هنرهای



هفتگانه تسری داد! از آن جا هم که هالیوود پایتخت هنر (یا صنعت) سینما است. پس می توان انتظار داشت که سر و کله ایرانیان موفق سال در هالیوود و آن حوالی (مثلاً بورلی هیلز) هم پیدا شود اما گل سرسبد ستارگان ایرانی هالیوود در

تلاش های این بانوی ایرانی تبار موجب جلب حمایت احزاب کارگر و محافظه کار و همچنین شخصیت هایی مانند «پرنس چارلز» ولیعهد انگلیس از مراکز نگهداری وی از جوانان شده است

خانم باتمانقلیچ می گوید. برای اداره فعالیتهای خیریه خود روزانه ۱۲ ساعت در هر هفته روز هفته کار می کند و از ۱۱ سال پیش که فعالیتهای موسسات خیریه خود را آغاز کرده. تاکنون به تعطیلات نرفته است

حجاب در مدارس انگلیس



دولت بریتانیا امروز کرد مدارس انگلیسی حق دارند از ورود دانش آموزان با پوشش اسلامی مانع کنند و اگر معلمان تشخیص دهند که پوشش اسلامی امنیت، سلامت و قدرت یادگیری دانش آموزان را تحت تأثیر قرار می دهد. از پوشیدن روسری یا حجاب اسلامی منع شوند

بر پایه دستورالعمل جدید دولت بریتانیا که در ماه های آینده نهایی می شود. معلمان حق خواهند داشت به دانش آموزان اجازه دهند که در کلاس درس. حجاب اسلامی داشته باشند یا خیر

تولد نوزادان ناقص الخلقه از جمله



صدها نوزاد بدون سر در ماهشهر

انتشار خبر تولد نوزادان ناقص الخلقه در حاشیه خلیج فارس مخصوصاً در بندر پتروشیمی ماهشهر واکنش برخی مسئولان رژیم را در پی داشت معاون محیط زیست دریایی سازمان حفاظت

بانوی نیکوکار ایرانی زن برگزیده سال انگلیس شد



یک بانوی نیکوکار ایرانی تبار مقیم لندن. به عنوان زن برگزیده سال ۲۰۰۶ توسط خوانندگان هفته نامه «نیواسیتیزمن» در انگلیس انتخاب شد

کامیلا باتمانقلیچ که در محافل خیریه انگلیس با لقب «فرشته پکام» شناخته شده. و مسئول یک موسسه خیریه و امدادسانی برای کمک به کودکان و نوجوانان نیازمند و بدون سرپرست در جنوب لندن است پکام منطقه ای فقیرنشین در جنوب پایتخت انگلیس است که دفتر فعالیتهای این بانوی ایرانی در آن قرار دارد

خانم باتمانقلیچ که مدتی پیش نیز به عنوان زن برگزیده سال ۲۰۰۶ در انگلیس انتخاب شده بود. ۴۳ سال پیش در یک خانواده ثروتمند در تهران از پدری ایرانی و مادری بلژیکی به دنیا آمد و از ۱۲ سالگی در انگلیس زندگی می کند وی که در رشته های هنرهای نمایشی. فلسفه و روان شناسی تحصیل کرده. بنیانگذار دو موسسه خیریه به نام «جایی برای بودن» و «کمپانی بچه ها» است که مسئولیت کمک به نگهداری ۱۱ هزار کودک و نوجوان نیازمند در سراسر انگلیس را برعهده دارد و سالانه به ۲۵ هزار نفر دیگر مشورت می دهد

خدماتی که موسسه های وی به کودکان نیازمند ارایه می کنند. مشاوره روانی. کمکهای عملی. حمایت های عاطفی و ارایه انواع خدمات برای بهداشت. زندگی و آموزش بهتر آنان را شامل می شود

کامیلا علاوه بر صرف دارایی خود برای امور خیریه. موفق به جمع آوری ۲۰ میلیون پوند کمک مردمی برای گسترش فعالیتهای خیریه شده است

وی به دلیل تلاش های موفقیت آمیز خود در کمک به کودکان بی سرپرست مدتی پیش مبلغ سه میلیون پوند نیز از دولت انگلیس برای پیشبرد پروژه های خود دریافت کرد

نباشند و سری توی سرها در نیاورند نمونه‌اش. «جیمی دلشاد» که شهردار بورلی هیلز است آقای دلشاد از سال ۱۹۵۹ ساکن آمریکا است



جیمی بر اساس ادعای خودش، بالاترین مقام ایرانی-آمریکایی در ایالات متحده است که با رای مستقیم مردم انتخاب شده است البته آقای دلشاد برای انتخاب به این سمت به رای ایرانی‌های ساکن این ناحیه از لس‌آنجلس مدیون است

نازنین افشار جم: هر چه در باره این شیر دختر ایرانی نوشته شود کم است. در روزهایی که ذره‌ای شرافت انسانی و حس وطنپرستی و همدردی با مردم در بند ایران حکم کیمیا را دارد نازنین افشار جم دختر شایسته جهان و از چهره‌های مطرح دنیای مد و موزیک بجای تنها به خودش اندیشیدن به فکر هموطنانش روزگار می‌گذراند

او با صدها سفر به سراسر جهان و



کنفرانسها و تظاهرات مختلف پرچم مبارزه با رژیم قرون وسطایی آخوندی حاکم بر ملت ایران را بر دوش می‌کشد تا تف و سیلی بر صورت بی‌دردها و بی‌هویتی‌هایی باشد که نام مقدس ایرانی را به حراج گذارده‌اند درود بر شرف و معرفت چنین شیر زنانی که داغ وطن و درد هموطن دارند شیرین دهقان» دیگر ایرانی موفق سال است

نام اشاره کرد. جلیلی اکنون مشغول بازی در سومین قسمت از فیلم «دزدان دریایی کارائیب»



است. کسی چه می‌داند. شاید سرنوشت‌مان این گونه باشد که سال بعد امید جلیلی به عنوان اولین ایرانی جایزه اسکار را در دستانش بگیرد و به هم‌وطنانش «سلام» کند

صیاد نمایشگاه‌های بین‌المللی

لقب جهانی صیاد نمایشگاه‌های جواهرات از سوی معتبرترین نشریه جواهرات جهانی به عباس مظفریان چهره شناخته شده و صاحب نام تعلق گرفت

جواهر فروشی مظفریان در طی سالیان اخیر در اکثر نمایشگاه‌های بزرگ جهانی حضوری چشمگیر و موفق داشته است این موفقیت بزرگ را به آقای عباس مظفریان و خانواده اش تبریک می‌گوییم



علم، سیاست

هر چند شاعر می‌فرماید «هنر نزد ایرانیان است و بس». اما این دلیل نمی‌شود که هم‌وطنان ما در دیگر عرصه‌ها چون علم و سیاست موفق

سال گذشته «کامی عسگر». صداگذار ایرانی فیلم «آپوکالیپتو» ساخته «مل گیبسون» بود که تا پای نامزدی اسکار هم پیش آمد. ولی دستش از اسکار کوتاه ماند پدر کامی عسگر پیش از انقلاب مدیریت دو سینمای «شهر فرنگ» و «تخت‌طاووس» و همچنین «استودیو مرکزی» را که محل اصلی دوبله فیلم‌های خارجی بوده، بر عهده داشته و به همین خاطر کامی از همان دوران کودکی با سینما و پشت صحنه آن آشنایی داشته است

کامی پس از چهار سال تحصیل در یک دبیرستان شبانه‌روزی در انگلستان. در سال ۱۹۸۰ به همراه خانواده‌اش به آمریکا مهاجرت می‌کند و کم‌کم به صداگذاری علاقمند می‌شود و از سال ۱۹۸۹ فعالیت حرفه‌ای خود را نخست در تلویزیون و بعد در سینما شروع می‌کند. از جمله فیلم‌ها و سریال‌های مشهوری که



کامی عسگر با آن‌ها همکاری داشته است می‌توان به: سریال‌های «گارد ساحلی» (همان بی‌واج خودمان)، «پزشک دهکده» و فیلم‌های (Hostel)، «مصائب مسیح»، «مسافرخانه آپوکالیپتو» و «مرد عنکبوتی ۳» اشاره کرد امید جلیلی» کم‌دین انگلیسی که البته در هالیوود بیشتر نقش‌های جدی بازی می‌کند هم سال‌ب‌ب‌دی را پشت سر گذاشت. جلیلی سابقه بازی در نقش‌های فرعی فیلم‌های مهمی چون: گلدیاتور، مومبایی، کاپیتان اسکای و دنیای فردا و ناتینگ هیل را در سابقه خود دارد

او در یکی- دو سال اخیر نقش دوم‌های مهمی را هم در سینمای آمریکا بازی کرده است که از جمله آن‌ها می‌توان به نقش «پابلو پیکاسو» در فیلم «مودیلیانی» و نیز نقش «لوپو»، دوست و مشاور «کازانووا» در فیلمی به همین

آلن دلون ایران در شهر پاریس پرواز کرد



جگر و کلیه جدیدی به او پیوند شد. همراه آن روزهای خوش و شادی برای او و خانواده اش به ارمغان آورد ولی گویی قلب بیمار و زخمی او دیگر دوام نیاورد و پس از چهل سال مبارزه در شامگاه یکشنبه ۱۸ مارچ در بیمارستانی در مرکز پاریس با زندگی وداع گفت و در واقع آلن دلون ایران در شهر آلن دلون واقعی درگذشت

فریبرز را بعنوان برادری دوست داشتنی از دست دادیم و فقدانش را به خانواده محترم متقیان تسلیت می گوئیم و آرزوی سلامت برای سایر

ضربه وحشتناک عذاب کشید چهل سال با مرگ دست و پنجه نرم کرد ازدواج کرد و ثمره اش دو فرزند برومند پسر است که اکنون در امریکا زندگی می کنند فریبرز به کمک خانواده اش بخصوص برادرهایش پس از سالها این شانس را به دست آورد که علت بیماری کهنه اش شناخته شود و در پاریس مورد معالجه قرار بگیرد



آلن دلون ایران می دانستند بارها به او پیشنهاد بازی در فیلمهای سینمایی در ایران شد ولی او نا آرام و حادثه جو و کنترل نشدنی بود. مورد توجه بسیاری از زنان سرشناس و متمول زمان خود بود در حادثه ای تلخ ضربه ای چاقو در قلبش نشست فریبرز بیش از چهل سال از این

فریبرز «حسین متقیان» را جوانان سالهای ۱۳۵۰-۱۳۶۰ در تهران به خوبی می شناختند. جوانی استثنایی که در رشته های ورزشی فوتبال و والیبال استعداد عجیبی داشت و حتی می توانست در اندازه های تیم های ملی آن زمان بازی کند. قد و قامتی موزون و چهره ای زیبا و جذاب داشت بنوعی که او را

خدمات ارزی و بازرگانی

راوندی

RAVANDI TRADE & FINANCE CO. Ltd

نامی مطمئن و آشنا

دفتر مرکزی لندن:

Tel: 020 - 7499 5455

Fax: 020 - 7629 2974

**Oxford Street, 24 North Audley St
London W1K 6WD**

Under New Licence No. 12113380

e-mail: jravandi@btconnect.com

دوبی:

Tel: (9714) - 22 72 765

Fax: (9714) - 22 77 920

email: ravandi@emirates.net.ae

در میان تفکرات و مراسم وابسته به نوروز جشن سال نوی ایرانیان. بیش از همه گردش سیزده بدر به دلیل اعتقاد داشتن یا نداشتن به نحوسست عدد سیزده با خرافات و روایات عجیب و غریب درآمیخته است. با این حال گروهی از پژوهشگران پناه بردن مردم به دشت و دمن را بعد از دوازده روز دید و بازدیدهای نوروزی پایه این باور باستانی دیده اند که می پنداشت: «عمر جهان و کائنات پس از دوازده هزار سال به سر می آید.» در پژوهش های زنده یاد بهرام فره وشی آمده است: «در اساطیر ایرانی عمر جهان دوازده هزار سال است و عدد دوازده از بروج دوازده گانه گرفته شده است و پس از این دوازده هزار سال دوره جهان بسته می شود. و انسانهایی که در جهان هستی وظیفه آنها جنگ در برابر اهریمن است. پس از این دوازده هزار سال بر اهریمن پیروزی نهایی می یابند و با ظهور سوشیانت (معادل امام زمان در دین زرتشت) آخرین نیروی اهریمن از میان می رود و جنگ اورمزد. بر ضد اهریمن با پیروزی پایان می گیرد»

مهرداد بهار. دانشمند دیگر آگاه به آئین ها و اساطیر ایرانی هم معتقد بود: «توجیه اساطیری سال دوازده ماهه براساس عمر دوازده هزار ساله هستی. بهترین توجیهی به نظر می رسد که در چارچوب اعتقادات کهن می گنجید.» بدین ترتیب به گفته او «جشن های دوازده روزه آغاز سال نیز با این سال دوازده ماهه و دوره دوازده هزار ساله عمر جهان مربوط است. انسان آنچه را در این دوازده روز پیش می آمد. سرنوشت (آن) سال خود می انگاشت» و کاشتن دانه های مختلف هم بر این اساس بود که «هر دانه ای در طی این دوازده روز بهتر رشد می کرد. آن دانه را برای کاشت آن سال بکار می بردند و نیز گمان می داشتند اگر روزهای نوروزی در اندوه بگذرد همه سال به «اندوه خواهد گذشت»

در کتاب «آئین ها و مراسم سنتی زرتشتیان» تالیف کورش نیکنام هم آمده است که: «در ایران باستان پس از برگزاری مراسم نوروزی و هنگامی که سبزه از زمین می رویید و گندم و حبوبات سبز می شد. در روز سیزدهم که به ایزد باران تعلق داشت. مردم به دشت و صحرا و کنار جویبارها می رفتند و به شادی و پایکوبی می پرداختند و آرزوی بارش باران می کردند

در دوره ما گردش و گردهمایی های سیزده بدر در هوای آزاد - غالبا بدون توجه به ریشه های آئینی آن - بیشتر با انگیزه های دوگانه انجام می شود. اول رفع نقار و نحوسست منسوب به عدد سیزده و شروع سالی پرشگون و عاری از چشم زخم و بعد گرفتن انرژی از طبیعت برای آغاز فعالیت و برگشت دوباره به کار همیشگی

و اما در آینده پیش بینی مخلص بر آن است که از تمامی مراسم آئینی وابسته به نوروز ایرانیان جز خویل سال نو. به گشت و گذار

روز موعود هر دو وارد بانک شدند. «کلاید» هوای در ورودی را داشت و «بانی» رفت جلوی گیشه و اسلحه را گرفت توی صورت کارمند مربوطه

- دست ها بالا... و همه درازکش روی زمین حاضران فوراً به دستور عمل کردند. جز کارمندی که تا آمد جم بخورد یا چیزی بگوید با ضربه چاقو «بانی چادری» یا همان ناصر آقای خودمان نقش زمین شد. با این حرکت حساب دست مابقی حاضران هم آمد

بانی و کلاید» ایران به سرعت همه موجودی بانک را در کیسه هایی که با خود داشتند ریختند و زند به چاک همه موجودی بانک - وقتی در خانه شمردند - از ۷۰ میلیون تومان تجاوز نمی کرد رقمی حدود هفتاد و پنج هزار دلار که حتی برای راه انداختن یک دکان کوچک نانوائی هم کافی نبود

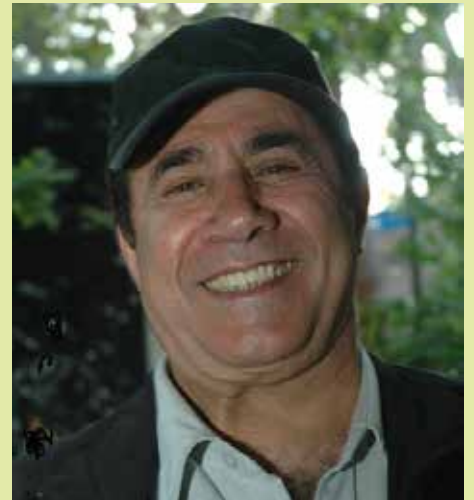
ناصر دوباره برگشت سرکار! جلوی تنور داغ همه اش فکر می کرد ما بی گذار به آب زدیم! پولها را در چاه نگهداری می کنند! ما باید به خود چاه دستبرد می زدیم! متولی را باید با خودمان می بردیم ته چاه. تا یا پولها را خویل بدهد یا با دستها و دهان بسته تا ظهور حضرت ته چاه باقی بماند در همین فکر و خیالات بود که ماموران وارد دکان نانوائی شدند و بهش دست بند زدند. ناصر متوجه شد تکنولوژی پیشرفته ردیابی و دوربین های حساس در همه جا کار گذاشته شده مسجد جمکران را هم دست کم گرفته بوده است

در خانه ناصر ماموران شصت میلیون تومان از مبلغ سرقت رفته را کشف کردند. ده میلیون تومان دیگر را وقتی سراغش را گرفتند. ناصر گفت به عنوان پیش قسط دادمش به کلاید ناصر. نانوائی سی و یکساله. فعلاً تا پایان محاکمه و دریافت حکم قطعی در نانوائی زندان مشغول کار است. چون وقت بیشتری برای فکر کردن به دست آورده دارد جوانب قضیه دستبرد به چاه جمکران را بیشتر می سنجد. فکرش این است» اگر ته چاه هم پولی به دست نیامد چی؟ و اگر متوالی گروگان گرفته شده گفت پولها را در این چاه نمی ریزند بلکه در چاههای ویلی می ریزند که انگار ته ندارد و هرگز پر نمی شود. آن وقت به کجا باید دستبرد زد؟

در حال حاضر. ناصر جز این که به کار نانوائی اش در «قم» برگردد یا اقلاً ویدیوی «بانی

سیزده

و کلاید» را با یک دستگاه پخش ویدیو در اختیارش بگذارند. آرزوی دست به نقد دیگری ندارد



بانی و کلاید در قم

ناصر. سی و یکساله. شغل نانوا. ساکن شهر قم. ساعات بیکاری و محدود روزهای تعطیلی که داشت در حوالی بازار و مسجد جمکران می گذرانید. تفریحش تماشای جماعت روز افزونی بود که با آرزوهای بی پایان و دردهای بی درمانشان می آمدند تا هر چه اندوخته اند خرج کنند و با جیب خالی برگردند. ناصر پیش خود حساب می کرد پول هایی که این جماعت خرج می کنند یا به متولیان مسجد جمکران می پردازند کجا می رود؟ در چاه که ریخته نمی شود! بنابر این از ترس سارقان احتمالی هم شده باید پیش از انتقال آن به جاهایی که قرار است. در بانک ویژه ای که در جوار مسجد ساخته اند به حساب های حضرت یا نمایندگان ایشان واریز کنند. اما فکر حمله به بانک هرگز به خاطرش خطور نکرد تا ویدیوی فیلم «بانی و کلاید» را دید. دیدن این فیلم باعث شد کمی بیشتر به حال و روز خود و سرنوشت نانواهای دیگری که پیش از او که عمرشان را در برابر تنور گذراندند و از حرارت آن زودتر پیر و جزغاله شدند. بیاندیشد. هر بار که فیلم «بانی و کلاید» را می دید لزوم تغییر این سرنوشت از طریق حمله به بانک برایش بیشتر و بیشتر می شد. ولی برای انجام نقشه وجود یک زن یا دختر جوان لازم بود تا در کنار او نقش «بانی» را به عهده بگیرد و در سرقت از بانک یاری اش بدهد. بدی اش این بود چنین دختر جسوری در میان زنهایی که او در «قم» می شناخت پیدا نمی شد. در نتیجه تصمیم گرفت ایفای نقش «بانی» را با پوشیدن لباس زنانه و حجاب اسلامی خود عهده دار شود و نقش «کلاید» را به دوستی بسپارد که چون او اهل ماجراجویی بود و از ماندن و مردن در «قم» هم نفرت داشت

بالاخره نقشه حمله به بانک «جمکران» فراهم شد. با سلاح لازم که عبارت بود از یک کلت. یک چاقوی ضامن دار و یک چماق کلاید» - چون تیراندازی نمی دانست - چاقو را برداشت و ناصر کلت و چماق را که می توانست آنها را به خوبی زیر چادر مخفی کند

خبرهای سیزده بدری

خبرهای سیزده بدری در میان مطبوعات ریشه دیرین و کهن دارد

در تمام جهان چنین شیوه هایی سنتی متداول است که در ایران به آن دروغهای سیزده می گفتند که این خبرها جذابیتش در راست و دروغهایش نهفته است و تنها جنبه طنز و مزاح دارد هر چند همیشه گفته هر حرفی را باید در شوخی گفت که راستش آشکارتر شود

به هر حال خفه نوروزی است هر چند با تاخیر ولی برگ ناقابل از افرادی قابل است بعنوان شوخی از ما بپذیرید



حضورش در ایران و پرونده فعالیت‌های دیروز و امروزش ثابت می‌نماید که پروفیسور پیروز مجتهدزاده انسانی باشرف، باوجدان، وطنپرست، متدین و چشم و دل سیر از مادیات و یک مبارز واقعی در راه کشورش می‌باشد

احمد سام مسئول (اسبق) روزنامه اطلاعات رژیم اسلامی در لندن

وی با توجه به اینکه سالها عهده دار مسئولیت ویتترین مطبوعاتی رژیم در خارج از کشور بوده ولی هرگز وابستگی و سرسپردگی خاص به



رژیم ملایان نداشته و تنها بعنوان یک انسان حرفه ای به شغل روزنامه نگاری اشتغال داشته که به نقل از یکی از هنرمندان زن لندن نشین، ایشان بسیار انسان خوبی هستند چون هم کراوات می زند و هم پسرشان بسیار خوب تنبک می نوازند و این دلایل نشان می دهد که آقای سام با رژیم محترم آخوندی هیچگونه وصلت و پیوندی ندارد

زیرا ایشان باتفاق خانواده محترم در کلیه برنامه های عمومی و مجالس خصوصی ایرانیان فراری و ضد انقلاب حضور می یابند و با تمام وجود از این گروه در رفته از خانه پدری نرد دوستی می بازند
احمد سام هرگز از طریق روزنامه اطلاعات

جمله:ایشان هرگز در تظاهرات و میتینگ های ضد رژیم ملایان شرکت نداشته است و هیچ زمانی با دیگر همفکران خود دستهایشان را نبریده اند و هم خون نشده اند که تا سرنگونی رژیم آخوندی به مبارزه شان ادامه دهند
وی آخرین نفری نبوده که قبل از ترور توکلی و



پسرش در لندن از آنان دیدار کرده است او بدون هیچگونه ارتباطات و روابطی خاص بناگاه سر از تلویویونها و مطبوعات رژیم درنیاورده! و بی کوچکترین هدفی سخنگوی رژیم اسلامی در مقابله با امریکا و اروپا نشده در حالی که اکثریت استادان برجسته ایران خانه نشین شده اند. پیروز مجتهدزاده کسی که خواهان سرنگونی رژیم اسلامی بوده است بعنوان استاد در کلاسهای دانشکده های ایران فعالانه تدریس می کند و تمامی این مراحل اتفاقی و بدون ارتباطات خاص از جنس بوده است

او بدون کوچکترین چشمداشت مالی و کمترین توقع از حاکمان ایران در برنامه های تلویویونهای انگلیسی حاضر می شود و با پاره نمودن خشتک نازنین خود از اهداف رژیم آخوندی دفاع می نماید
وی با در نظر گرفتن تخصصش که در امور جغرافیای خاور میانه است ولی بیشتر علاقه مند است در پستی: بلندیهای جغرافیای سیاسی رژیم فعالیت کند



علیرضا نوری زاده بالاخره موفق شد در دادگاهی از خود اعاده حیثیت کند و با ارائه مدارک مستند ثابت نماید که:مردی که در اینترنت با خانی در ایران معاشرت می کند او نیست

هرگز طی این ۲۹ سال گذاشته هزار رنگ عوض نکرده است و در مدح و ثنای خمینی، شاه، مجاهدین خلق، بنی صدر، بختیار، خامنه ای، یاسر عرفات، صدام حسین، رفسنجانی و خانی هزاران نطق و مطلب نگفته و ننوشته است

او ثابت کرد هرگز دیداری با سعید امامی واجبی خور معروف نداشته است
نوری زاده ثابت کرد هرگز پایش به هیچ قمارخانه «کازینو» باز نشده است
او ثابت کرد کینه ورزی او با مجاهدین بخاطر خشنودی و اجرای دستورات رژیم اسلامی نبوده است

وقت دادگاه با اینکه بسیار طولانی هم بود قضات موفق نشدند حتی یک دهم پرونده ایشان را رسیدگی کنند و باقی پرونده به دادگاهی ملی به پس از آزادی ایران موکول شد

پروفیسور پیروز مجتهد زاده عنوان مبارز سیاسی را حفظ کرد

پیروز مجتهد زاده کارشناس امور جغرافیایی خاور میانه با ارائه مستنداتی توانست نکاتی مبهم را در پرونده خود روشن نماید که از

کانون توحید دفتر نمایندگی دانش پروران حکومت اسلامی جولان می دهند و شاید هم در مراسمی بزرگداشت نام سی ساله عبدالکریم سروش را به افتخار بازنشستگی نایل فرمودند و جهت دوران سی سال آینده نام: پروفیسور جک زیروکش را برگزیده اند کهمبارک باشد انشاالله



جشنی باشکوه برپاست مراسم اعطای دکترای به استاد مسعود بهنود

گروهی از زنان برجسته تاریخ معاصر ایران قصد دارند جهت لوندی و طننازی با مبارز بزرگ کنفرانس برلین استاد مسعود بهنود مشاور و یار و قار سردار سازندگی هاشمی رفسنجانی و بلبل بی بی سی و ناشر کتاب ۴ زن مراسمی در ایام عشق و آب بازی بهاری در لندن بر پا سازند و به سپاس زحمات و خدمات سی ساله جناب مسعود خان بهنود که همه گاه زیر سایه بانوان پر نفوذ رشد و پیشرفت کرده اند و حتی تز دکترای خود را هم به نام «چهار زن» به مراجع ذیصلاح تقدیم نموده اند به درجه دکترای پاچه ورمالیدگی مفتخر می شوند تا به پاس سالها «بده و بکن بازی» و گذر از هفت خوان مدرک خواهی بی مدرک همه راه را بروند در این مراسم فرخنده هنرمند عزیز خاتم الهه



حاج و فرج دباغ فقیرانه وصلت کرده بودند دل به حسرت و آرزو نشسته استاد امروز با نام پرآوازه و جدید و انقلابی دکتر عبدالکریم سروش با وصلت جدید شاد : شاد شده و حتی ترک وطن کرده و در سرزمین کفار کنگر خورده و لنگر انداخته است حسین حاج فرج دباغ ملقب به عبدالکریم سروش با پشتوانه پر افتخار تعطیلی دانشگاههای ایران با طرح اسلامی «انقلاب فرهنگی» چنان تیشه ای به ریشه چند نسل از جوانان ایرانی زد که الحق برازنده دریافت فرزند خلف خمینی است استاد حاج فرج دباغببخشید استاد عبدالکریم سروش این روزها با نعلین به پا و تسبیح به دست در مکانهایی چون

رژیم اسلامی قلمی و قدمی در جهت حفظ منافع این رژیم برنداشتن است که حتی با چاپ آگهی مجانی کنسرتها و نمایش های هنرمندان ضد انقلاب پایه های رژیم اسلامی را هم لرزاندند اند آقای احمد سام از جمله انسانهایی آزاده و با اصل و نسب هستند که هرگز لقمه ای حرام از گلویشان پائین نرفته است و همه گاه موقع عبادات در مجمع اسلامی و کانون توحید، کراوات خود را در منزل آویزان کرده و در مراسم ختنه سوران ضد انقلاب از آنان بهره گرفته است

پدر اندیشه نوین اسلامی عنوان دکتر

عبدالکریم سروش

در مراسمی که با حضور بنده و پسرخاله عقب مانده فکری اینجانب در منزل یکی از اساتید برجسته ترک تحصیل کرده دوران انقلاب برگزار شد. جمعا به این نتیجه رسیدیم که زحمات درخشان و تلاشهای شگفت انگیز استاد عبدالکریم سروش در جا انداختن و سفت کردن پایه های این رژیم به مراتب قوی تر و تاثیر گذارتر از شیخ صادق خلخالی ها بوده و هرگز امثال خلخالی ها با ادعا و افتخاری که می کرده اند و به اعداد اعدامهای خود می نازیدند به گرد پای استاد سروش در تار و مار کردن چند نسل از دانشگاهیان نمی رسند

لقب پدر اندیشه نوین جمهوری اسلامی برازنده این شخصیت روحانی :دانشگاهی است که به دلیل چنین تلاشهایی اینارگرانه و خستگی های مفرط از سالها بی وقفه پراکندن اهالی تفکر از اماکن علمی :ایشان مجبور شدند جدید فراش کنند و زوجه ای ترگل : ورگل تر به حرمسرای خویش بیاورند تا دستی بر سر و روی مبارزشان به ناز و طننازی کشیده میشود و دورانی که در محنت و گمنامی با نام حسین

مجله رنگارنگ متعلق به شماست

با خرید مجله رنگارنگ

با مشترک شدن مجله رنگارنگ

و با دادن آگهی های مشاغل خود به مجله از آن حمایت کنید

از سراسر اروپا 00442076044266

از انگلستان 02076044266

پرده های شاد ساعاتی را سپری سازند گروهی از ایرانیان که برای دیدن این برنامه به سالن شهرداری مهر اسمیت رفته بودند از دم در برگشته بودند زیرا با دیدن چهره های کریمه سفارتی های جمهوری اسلامی از دیدن برنامه منصرف شدند و خستگی در تن برنامه گذار و هنرمندان بجای ماند

سفارت رژیم، کنسرت گذار شده و بساط رقاصی راه می اندازد

در ایام نوروزی کنسرت گذاران برنامه های هنری با رقیبی جدید روبرو شدند جیره خواران سفارتی به سفارش اربابان خود با برپایی مراسم زیر پوشش نوروز با آوردن خواننده و رقاص از تهران بساط لهو و لعب بر پا ساختند تا به ریش خود و معتقداتشان بخندند و رودیه مجانی؛ غذا مجانی؛ تقویم : میوه؛ و دستمال کاغذی مجانی خواننده مکتبی و رقاص عقیدتی هم مجالس آرا بودند و مشتتی هم ایرانی خوشگذران و مفت خور پا منبری این کنسرت مذهبی سفارتی

مجموعه مطالب در شهر خبرهایی است شامل همه شهرهایی می شود که ایرانیان در سراسر اروپا ساکنان آن هستند درج و انعکاس این خبرها که زیر پوست شهر جریان دارد در واقع خبرهایی است که ظاهرا به نوعی پوشش داده شده است و در تمام دنیا و در حرفه روزنامه نگاری این وظیفه رسانه هاست که جریانات پشت پرده را برای مردم بازگو کند و آنان را آگاه سازد مجله رنگارنگ هم در راستای همین وظیفه حرفه ای و ملی با کمک همه ایرانیان مسئول سعی دارد در هر شماره خبرهایی از این دست را برای شما گلچین کند و شما را در جریان قرار دهد

بازی عوض شد و این شبکه تلویزیونی که پولش هم پرداخت شده بود به یکی از پادوهای شناخته شده در لندن واگذار شد که مدتی هم آهنگ و ترانه پخش می کرد و با آرم یک تکه الماس دلبری می کرد ولی گویا این جریان هم به پاشوره خورد و فعلا لنگ در هواست

هنرمندان وطنی سنگ روی یخ شدند
گروهی از هنرمندان داخل کشور شب عیدی به لندن آمدند تا دل هموطنان غربت نشین خود را شاد کنند و با اجرای نمایشها و میان

تلویزیون متعلق به کربوبی تبدیل به برنامه هایی بزن و برقصد شده و سر را رفت

آخوند کربوبی که پس از شکست ظاهری انتخاباتی ریاست جمهوری ساختگی در فکر راه اندازی یک شبکه تلویزیونی بود با کمک بهروز افخمی مشاور هنری دستگاه وزارت اطلاعات رژیم بودند مقدمات کار هم تهیه شد و لندن قرار بود مرکز این شبکه باشد افرادی مانند هدیه تهرانی؛ مسعود بهنود؛ بچه نودری هم در این شبکه باشند ولی گویا جریان

نامه هنرمندان و نویسندگان و شاعران سرشناس

حرکت بسیار سود جسته اند ما نویسندگان، هنرمندان و فعالین سیاسی ایرانی به این وسیله از شما میخواهیم که بیش از این با نگهداشتن نام سازمان مجاهدین خلق ایران در لیست گروههای تروریستی، سیاست سازشکاری با رژیم فاشیستی مذهبی آخوندها را ادامه ندهید و راه بندی برای سرنگونی رژیم ضد بشری به دست مردم ایران نباشید

آقای جورج دبلیو بوش رئیس جمهور امریکا
رونوشت به
خانم آنجلا مرکل صدر اعظم آلمان
آقای تونی بلر نخست وزیر انگلستان
آقای ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه

۷ مارس ۲۰۰۷

به دنبال حمله نیروهای امریکایی و هم پیمانانشان به عراق و سرنگونی رژیم صدام حسین، رژیم فاشیستی مذهبی آخوندی موقعیت را برای دستیابی به آرزوی دیرینه شان، یعنی اشغال عراق و برقراری یک جمهوری اسلامی از نوع ولایت فقیه در عراق، مناسب دیده و نیروهای تحت فرمانشان؛ شامل نیروی قدس سپاه پاسداران و مزدوران وزارت اطلاعات را به عراق روانه داشتند. امریکایی ها و اروپایی ها نیز با چشم پوشی بر این حرکت آخوندهای حاکم بر ایران زمینه را برای اشغال غیر رسمی عراق توسط آنها آماده کردند. در عین حال، مامشات امریکاییها و اروپاییها با آخوندهای حاکم بر ایران و دادن امتیازهای گوناگون به آنها، باعث شد که به فعالیتهای مخفیانه هسته ای برای دستیابی به بمب اتمی خود نیز ادامه داده و چشم خود را بر قراردادهای بین المللی در زمینه ممنوعیت ساخت سلاحهای کشتار جمعی ببندند. آنچنان که میدانید در حال حاضر رژیم «فاشیستی مذهبی» آخوندها چه در زمینه فعالیتهای هسته ای و چه دخالتهای «نظامی - تروریستی» در عراق و چه دخالتهای مختلف در لبنان و فلسطین، به تهدیدی برای صلح جهانی تبدیل شده است

در مقابل، امریکا و اروپا با چشم پوشی بر موارد مختلف نقض دهشتناک حقوق بشر در ایران و برای دلجویی از آخوندهای حاکم بر ایران و در مامشات با آن ها و همچنین به منظور حمایت از این رژیم برای ماندن و سرنگون نشدن، فشارهای زیادی بر اپوزیسیون دیرپا و ثابت قدم آخوندها؛ یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران آورده اند. در راستای همین سازشکاری با رژیم ضد ایرانی آخوندی بوده است که امریکا و بیشتر کشورهای اروپایی نام سازمان مجاهدین خلق را در لیست گروههای تروریستی جای داده اند. این نامگذاری بی معنی باعث بسیاری دست بستگی ها برای این اپوزیسیون شده و به همین دلیل آخوندها از این

- اسامی به ترتیب حروف الفباء
- ۱- علی آینه (شاعر)
- ۲- جواد اسدیان (شاعر)
- ۳- سعید اطلس (آهنگساز و ترانه سرا)
- ۴- رضا اولیاء (مجسمه ساز)
- ۵- دکتر زری اصفهانی (شاعر و نویسنده)
- ۶- شاپور باستانسیر (موسیقیدان و آهنگساز)
- ۷- علی بهروزیان (نویسنده و مترجم)
- ۸- حسین پویا (فیلمساز و نویسنده)
- ۹- جمشید پیمان (شاعر و نویسنده)
- ۱۰- صدرالدین تام (فیلمساز)
- ۱۱- هادی خرسندی (ناشر ماهنامه اصغراقا)
- ۱۲- دکتر اسماعیل خوئی (شاعر و محقق)
- ۱۳- ملیحه رهبری (نویسنده)
- ۱۴- فریدون ژورک (نویسنده و کارگردان)
- ۱۵- اردلان سرفراز (شاعر و ترانه سرا)
- ۱۶- محمد شمس (موسیقیدان و آهنگساز)
- ۱۷- پرویز صیاد (هنرپیشه و کارگردان)
- ۱۸- دکتر حمیدرضا طاهرزاده (موسیقی دان)
- ۱۹- منصورقدرخواه (کارگردان و نویسنده)
- ۲۰- ستار لقایی (نویسنده و روزنامه نگار)
- ۲۱- مرجان (هنرپیشه و خواننده)
- ۲۲- دکتر عبدالعلی معصومی (تاریخ نگار)
- ۲۳- اسماعیل وفا یغمایی (شاعر)

واقعیت این است که هنوز دشمن را نشناخته ایم



سلطنتی، مجاهدین خلق، جبهه ملی، چریک های فدایی اقلیت و کمونیستهای راه کارگری و همه و همه دستاوردهای تشکیل یک جامعه مترقی و آزاد در ایران است

در این روزهای حیاتی و تاریخ ساز کشورمان نباید اجازه داد مشتی اراذل و اوباش با ایجاد جو و شانتاژی با باعث تفرقه گروههای سیاسی مبارز شوند

وظیفه هر ایرانی آگاه و وطنپرست است که با احساسات و منطق ملی و میهنی طلسم نحس تفرقه و جدایی گروههای سیاسی را بشکند

ایران متعلق به همه ایرانیان است و هر کس یا سازمان و تشکیلاتی حق دارد در فردای ایران به اندازه کارنامه اش سهم ببرد

من بعنوان یک ایرانی تبعیدی و بی وطن دشمن خود را می شناسم

دشمن سرزمین ما آدمخواری هستند که از غارهای ماقبل تاریخ با علم و کوتل هایی ارجاعی و ضد بشری سر بدر آورده اند و کشور ما را بلعیده اند

دشمن من و ما، مجاهدین خلق، رضا پهلوی، چریک های فدایی اقلیت، کمونیستهای راه کارگری و آزادیخواهان ملی گرا نیستند

این مجموعه بضاعت اپوزیسیون ایران است اینان با هر مرام و عقیده و مسلک بیست و اندی سال است جنگ به چهره رژیم کشیده اند و صد البته هر یک با بضاعتی و کارنامه ای متفاوت

سازمان مجاهدین اعضایی دارد که از جان و مال و وقت خود دریغ ندارند. رضا پهلوی هوادارانی دارد که اکثریت آنها دستهای بگیر و طلبکارشان ارزشها و آرمانهای سیاسی رضا پهلوی را هم به حاشیه برده است. هوادارانی که حتی وقتی شاهزاده هم از آنان می خواهد که به میدان بیایند در خانه های گرم شان نشسته و تفسیرهای صد تا یک غاز می کنند زبانهایشان دراز و همت شان کوتاه

رضا پهلوی مردی که امروز باید با پشتوانه چند صد هزار نفری در صحنه پر قدرت حاضر باشد بناچار و از ناامیدی از چنین طرفدارانی سایه نشین به مصاحبه های رسانه ای روی آورده است

هر صدایی که علیه این رژیم باشد من همصدای او هستم بگذارید جیره خواران آخوندی، شلوارهای خشک دریده خود را بسریشان بکشند؛ بگذارید مشتی آدم ورشکسته؛ پاچه ورمالیده و علاف؛ مزخرف بیافند. اینان تفاله های دوران بی مصرفی هستند

کشور من چون دشتی فراخ و سینه سوخته و تشنه در انتظار آبی زلال و گوارا است و آبیاران این دشت فراخ کسانی هستند که می توانند با افتخار پرونده سالهای غربت نشینی را ارائه دهند

محمود سربانی

نشخوار می کنند و هنوز هم ول کن نیستند آزادی ایران با چند تا آدم ورشکسته و دماغ سربالا و عاشق رویاهای شبهای نشئه گی به دست نخواهد آمد

تن به سانسور رسوای رژیم ندهیم

مزدوران و حقوق بگیران رژیم، فضای مسموم سیاسی خارج از کشور را به وجود آورده اند وپروس ضد مجاهدین در خارج از کشور، طرح چند میلیارد دلاری رژیم و عوامل خودفروشی همچون نوری زاده ها، بهنودها، فرخ نگهدارها، مجتهدزاده ها و است

در دوران برهوتی که سازمانها و گروههای سیاسی از جمع کردن چند صد نفر عاجز هستند سازمان مجاهدین دهها هزار ایرانی را در هر گوشه جهان گرد هم می آورد

آنان که خواهان نابودی سازمان مجاهدین هستند یا ناگاهند یا هنوز در عقده های ۳۰ سال گذشته دست و پا می زنند و یا از مزدوران و حقوق بگیران رژیم هستند و یا اسیر تبلیغات ملایان شده اند

بروکسل در ۸ مارس شاهد حضور بیش از دهها هزار ایرانی مخالف رژیم ضد بشری ملایان بود فردای آزادی ایران نیازمند حضور همه تفکرات و عقاید سیاسی گوناگون است امروز باید تمرین فردا را کرد

ایران و ۷۰ میلیون ایرانی در حال نابودی است و ما مشتی ایرانی در سایه عافیت خوابیده در فکر «قلعه شاه» مال من است هستیم؟! کینه ها و عقده های تلنبار شده بی جهت سیاسی چنان چشمهایمان را کور ساخته که دیگر نمی توانیم سرنوشت حیاتی کشورمان را تشخیص دهیم

من و تو؛ امروز چکاره هستیم که بخواهیم تکلیف تعیین کنیم که در سرنوشت ایران چه کسانی حق رای دارند، مشروطه خواهان

من با کارنامه ۲۰ ساله مبارزه علیه رژیم و صدها نمونه افتخار آفرین در کارنامه ام، به شرف قلم و به نام مقدس ایران سوگند می خورم در زندگی هیچ چیز ارزشمند تر از آزادی کشورم نیست و برای رسیدن به این رویای طلایی با بضاعت اندک و مشتی ایرانی فرار کرده و سرگردان و بی هویت که هر یک نان پناهندگی می خورند و جولان در تهران می دهند هرگز و هرگز ایرانی آزادی را نخواهد دید این میدان مردان و زنانی از جنس فولاد آب دیده می خواهد

این میدان انسانهایی آزاده و تمام وقت را می طلبد دوران تظاهرات چند نفره سبزه بدری به سر آمده است سالی یک بار، دوبار، اگر هوا خوب باشد و حوصله مان کشید از خانه خارج شویم، ثمره اش فضای آلوده و بی هویت و لجن زار فعلی است

هر کس سر در گریبان زندگی شخصی خود برده است و مبارزه جیره بندی در دوران قحطی شده است

بنشینیم و آروغهای سیاسی بزنیم، متعلق به شکم های سیر و بی نیاز به آزادی فردای ایران است

وطن شیر زنان و شیر مردان روزه دار و گرسنه واقعی آزادی و دموکراسی می خواهد. کسانی که روزهایشان هفته، هفته هایشان ماه و ماه هایشان به سالها تبدیل شده است که بی وقفه و ناآرام بیست و چند سال است تلاشگران واقعی میدان مبارزه هستند

من باید خیلی بی انصاف یا حتی بی وجدان باشم که در سایه عافیت لمیده باشم و چوب لای چرخ کسانی بگذارم که کابوس واقعی این رژیم ضد ایرانی هستند

شعار تظاهرات را در آوردم، شایعه ساختن، در خانه لیدن و وزوز کشیدن متعلق به کسانی است که ۲۸ سال است این مزخرفات را

آشنایی بیشتر با کمپانی گلدن فون

حرفهای ۲ مدیر جوان و موفق کمپانی گلدن فون

مسعود جمال الدین و اردوان پارسا



حتی سرویسی را به مشتریان خود ارائه می دهیم که آنان را در منازل یا دفاتر کارشان ملاقات می کنیم و با ارایه نمونه های موبایل، سیستمهای گوناگون و نرخهای متفاوت سرویس های درخواستشان را در اختیارشان قرار می دهیم

جمال الدین: به دلیل اینکه هر روزه در بازار پر رقابت تلفنهای دستی شاهد پیشنهادهای متنوع از سوی شرکت های سرویس دهنده هستیم، ما در کمپانی گلدن فون سعی می کنیم همه پیشنهادات این کمپانیهای معروف را بررسی کنیم و بهترینهای آنان را گلچین نمائیم و سپس به مشتریان خود ارائه دهیم چون یک مصرف کننده نه وقت دارد که همه پیشنهادات و سرویسها را پیگیری کند و نه می تواند راست و دروغ آن را پیدا کند. به همین دلیل ما این امور بسیار مهم را با صرفه جویی اقتصادی برایشان انجام می دهیم آنچه را در تبلیغات خود اعلام می کنیم بهترینها در بازار هستند

پارسا: برای مثال Cash back پولی است که کمپانی ها با شیوه هایی که دارند از پس دادن این پولها طفره می روند و با دادن اطلاعاتی غلط مشتریان را متقاعد می کنند ولی ما در کمپانی گلدن فون بر اساس تعهداتمان عمل می کنیم و در زمانهای تعیین شده پولهای مشتریان را به آنان می دهیم همچنین همیشه سعی داریم نرخ هایی را به مشتریان خود عرضه کنیم که به همراه بهترین خدمات و سرویسها باشد و بالاترین سود را به مشتریان ارائه دهد

جمال الدین: ما در کمپانی گلدن فون سرویسی به مشتریان خود می دهیم که هرگز در هیچ کجا نیست

راهنمایی و مشاوره مجانی به هموطنان خود عرضه می کنیم و هر گونه اطلاعات و راهنمایی که آنان بخواهند را در اختیارشان قرار می دهیم آگاهی و اطلاعات کافی در اختیارشان می گذاریم که ارزانترین، بهترین سرویس و با صرفه ترین را انتخاب نمایند به همین دلیل بسیاری از مشتریانمان با مشاورت و نظر خواهی ما تلفنهای خود را انتخاب می کنند

پارسا: آنچه در بازار امروز فروش تلفنهای موبایل بسیار مهم است گرفتن امتیازات زیادی است که در پایان یک سال قرار داد نصیب خریداران میشود که متأسفانه بسیاری از کمپانیها با شگردهای خاص خودشان از دادن این امتیازات به مشتریان خودداری می کنند و اکثر مشتریان هم چون نمی دانند مدعی نیستند ما در کمپانی گلدن فون تمام امتیازات یک ساله قرارداد مشتریان خود را به آنان عرضه می کنیم امتیازاتی مانند تلفنهای جدید مجانی؛ پائین آوردن نرخها؛ بالاترین سرویس ارتباطی؛ انواع هدایای تبلیغاتی و مجموعه ای که معمولاً در پایان قرار داد یک ساله که چنانچه قید شده باشد باید به مشتریان تحویل داد

چکیده ای از حرفهای مدیران جوان و موفق کمپانی گلدن فون بود که مسلماً خوانندگان مجله رنگارنگ که حتماً هر یک از مصرف کنندگان این نوع وسایل مخابراتی هستند از این پس از مشورت و راهنمایی کمپانی گلدن فون استفاده خواهند کرد

که در این حرفه فعال هستیم در بسیاری از کمپانیهای معروف کار کرده ام و تجربیات بسیاری اندوخته ام و از ۲ سال پیش با دوست بسیار خوم اردوان کمپانی گلدن فون را تاسیس کردیم اردوان پارسا: بیش از ۷ سال است که در حرفه فروش تلفنهای موبایل هستیم طی این مدت بدلیل علاقه و به خاطر کسب اطلاعات و تجربیات بیشتر تلاش فراوانی داشته ام که با آگاهی ها و دانش روز این پدیده جلو بروم که ثمره آن را دو سالی است در کمپانی گلدن فون در اختیار هموطنان خود قرار داده ایم

جمال الدین: کمپانی گلدن فون ثمره سالها تجربه اندوزی من و اردوان است که سعی کرده ایم در وهله اول صداقت و روراستی را به مشتریان خود عرضه کنیم و هرگز نخواسسته ایم بخاطر فروش بیشتر اطلاعات تبلیغاتی غلط به مردم بدهیم چون در این حرفه شگردهای تبلیغاتی فراوانی وجود دارد که کمپانیها می توانند به راحتی مشتریان خود را بفریبند و حتی ممکن است مشتریان هرگز هم متوجه کلاهکی که سرشان رفته نشوند. اما ما از روز اول هدف کارمان صداقت بوده و خوشبختانه تعداد مشتریان و روابط ما با آنان نشان می دهد که اعتماد و اطمینان میان ما و مشتریانمان برقرار شده است

پارسا: من در چند کمپانی قبلاً کار کرده ام شیوه و عملکرد آنان در برابر مشتریان جوابگویی مستقیم و پذیرش مسئولیت نیست ولی مشتریان ما در کمپانی گلدن فون همیشه از سرویسهای پاسخگویی به مشکلات خود بهره مند هستند چون همه ما ایرانی هستیم و در یک شرایط خاص زندگی می کنیم و مسلماً تفاوتهای عمده ای را در نظر می گیریم

به طور مثال بارها پیش آمده که هموطنانی که مکالمه انگلیسی شان خیلی خوب نیست به ما مراجعه می کنند ما وظیفه خود می دانیم تمام نکات فنی و قانونی را برایشان توضیح بدهیم و کاملاً آنان را آگاه سازیم

در زندگی انسانهای قرن بیست و یکم شاید به جرات بتوان گفت که تلفن دستی یا به اصطلاح موبایل فون بیشترین و بالاترین آمار استفاده بشری را داشته است

در عصر تکنولوژی مدرن جهانی که وسایل مخابراتی ارتباطی، حضوری باورنکردنی داشته است تلفن های دستی در صدر قرار دارد

برای مثال شما در هر خانواده ای شاهد مصرف دسته جمعی خانواده از تلویزیون مشترک، کامپیوتر مشترک و تلفن خانگی مشترک هستید که معمولاً تعداد هر یک از این وسایل هم یک عدد می باشد ولی به تعداد اعضای خانواده حداقل هر کس یک تلفن دستی دارد و چه بسا بعضی از افراد ۲ تا ۳ تلفن دستی دارند

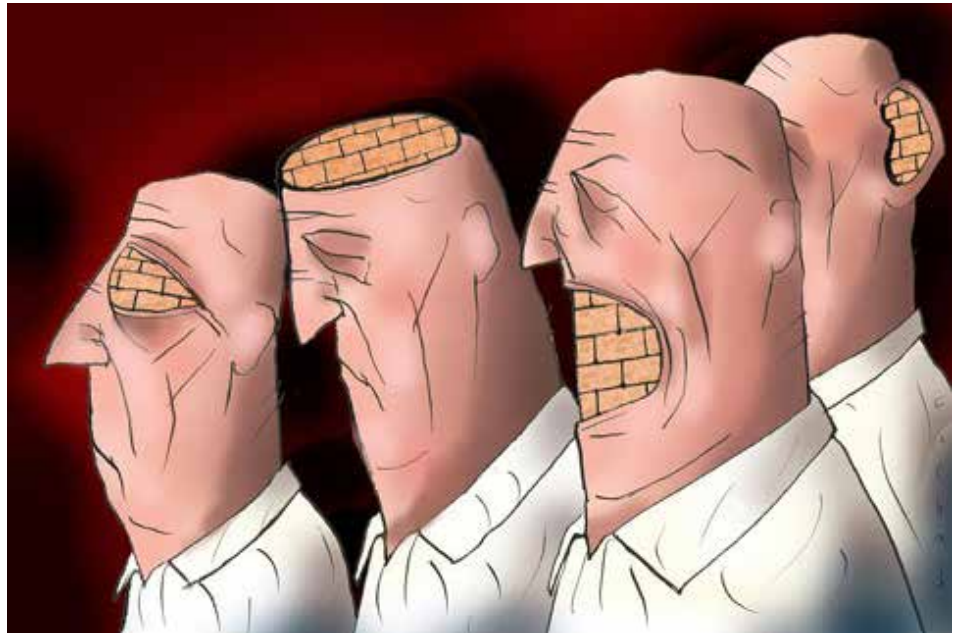
این استفاده عمومی در این حد شگفت انگیز نشان دهنده پیشرفت جهانی تکنولوژی خطوطی است که امروز جهانی کوچک را در یک جعبه جادویی به نام تلفن دستی در اختیار همگان قرار داده است و هر روز نیز این وسیله شماره یک در دنیا به ابتکارات و اختراعات تازه تری می رسد

در شرایط فعلی شما با داشتن یک تلفن دستی جدید می توانید در موبایلان اینترنت، تلویزیون، دستگاه آدرس یاب، ماشین حساب، ارسال پیام های نوشتاری و دهها سرویس دیگر را داشته باشید و به سهولت از آن استفاده کنید

در همین رابطه در این شماره تصمیم گرفتیم دیداری داشته باشیم با مدیران کمپانی گلدن فون که از چهره های شناخته شده و مورد اعتماد ایرانیان در این حرفه هستند و از آنان خواستیم که برای خوانندگان مجله رنگارنگ توضیحاتی در باره این پدیده شگفت انگیز جهانی بدهند مسعود جمال الدین و اردوان پارسا با خوشرویی و مهربانی پذیری این دعوت مجله رنگارنگ شدند که چکیده حرفهای آنان را با هم می خوانیم مسعود جمال الدین: من حدود ۱۲ سال است

مناجات غربت

دعای واجب ایرانیان فراری و دعای مستحب ایرانیان داخل



که مردمان جهان از آن استفاده می کنند و با علم و دانش و تکنولوژی بر مشکلات خود فائق می آیند . به ملت نجیب ایران شیوه انداختن سفره ام البنین و چهل و تن آموختی که جهانی را از این علوم حیران نمائیم

آفریدگارا! به خود می بالیم که رهبرانی داریم با خویشاوندی چهار هزار صد ساله با قوم عرب که به ما زبان شیرین عربی را آموخته اند که روزی هفده بار با تو حرف بزنیم بدون اینکه معنایش را بدانیم و اصلا هم نمی دانیم که تو هم زبان عربی میدانی یا نه؟

یزدانا! چگونه شکرت را به جای آوریم که به میلیونها ایرانی نعمت فرار از کشور عطا فرمودی و در غربت نیز برایمان مجمع اسلامی و کانون توحید : انجمن سخن و انجمن ایرانیان و آفریدی . که در این گوشه جهان هم با اهل بیت حکومت محشور شویم و دستمان در یک کاسه اسلامی - توحیدی باشد

پروردگارا! ثنا و سپاس تو را که به ملت ایران قهرمانان و مبارزینی برجسته عطا کردی که هر ملتی از نداشتن چنین انسانهایی به خود می بالند. اینان با آگاهی و تعهد و مسئولیت و نداشتن شرف و اخلاق و وجدان. ملتی را در جهان «ببو» معرفی کرده اند که این روزها به «جوادی» معروف گشته است

خداوند! چه نعمتی از این بالاتر که به ملتی فهمانده شده که اتم داشتن حق مسلم شان است اگر از نان. آبرو و آینده خبری نیست اتم برای جنگ پشه با حبشه موجود است

و در آخر اینکه سپاس تو را که به سرزمین بزرگ ایران انسانهایی ارزانی داشتی که فقط در سی سال گورستانها را به وسعت شهرها نمودند . زندانها را به تعداد مدارس افزودند ، اهالی مساجد و تکایا را به دانشگاهها بردند و استاد و رئیس کردند و دانش پژوهان را به زندان رهسپار نمودند و دختران و پسران را به خانه بخت سیاه

گری روان شده ایم و خوشحال می شویم که هر روز از گله مان تعدادی قربانی می شوند و ما با افتخار به جمکران می رویم و دعا در چاه می اندازیم

خداوند! منویم از تو که به ملت ایران نقابی ارزانی داشتی با چند چهره که در هر روز به رنگی در بیائیم و در هر منبری همانگونه برقصیم یا سینه بزنیم که اهل مجلس شادمان شوند

پروردگارا! سپاس تو را که انقلابی در کشور ما به پا کردی و رهبری عطا فرمودی که نمونه اش در عصر حجر هم دیده نشده بود و آمد ملتی را چنان سرنگون در بدنامی و بدبختی و فلاکت و بیماری کرد که در دنیا نمونه اش یافت نشده است و ما ملت قدر شناس و متمدن و آزاده به تروریست شدن جهانی خود افتخار می کنیم و با غرور سرمان را در صف های پناهندگی در کشورهای جهان بالا نگاه می داریم

خدایا! سپاس تو را که در عصر تمدن و تفکر و اندیشه و استفاده از عقل و شعور

خداوند! همه بندگان تو همیشه در گاهات التماس و دعا دارند ولی ما بنده گان ایرانی به تو خالق خود چندین سپاس و تشکر بدهکار هستیم و شکر گزاریم که حکومتی به ما عطا فرمودی که آخرین نمونه آن در زمان هابیل و قابیل در تاریخ آمده است و از این نعمت وامانده شاکر هستیم **خداوند!** از تو منون هستیم که رئیس جمهوری به ما ارزانی داشتی که نه تنها شکل هیچ انسانی نیست بلکه در میان حیوانات هم نمونه اش نادر است

پروردگارا! از تو سپاسگزاریم که ملتی آفریدی که در جهان نمونه و منحصر به فرد است ملتی که جان بر قدوم دشمن سرزمینش نثار می کند و هر کس هر چه بیشتر سرش کلاه بگذارد را بیشتر دوست می دارد. این ملت سیری دارد سرگردان که به دنبال کلاهی می گردد

آفریدگارا! از تو منون و سپاسگزار هستیم که ما را چون گله ای مطیع : قانع و فرمانبر آفریدی که به دنبال هر چوپان حيله

020 7100 8706 دفتر

020 8434 0563 فکس

07958 181 878 مسعود

07950 111 222 اردوان

goldenphone
Digital Communication

گلدن فون



T Mobile



Address: 1, Olympic Way , Wembley , Middlesex , HA9 0NP

**برای آگاهی از جدید ترین و بهترین
تعرفه ها و مدل های گوشی موبایل با
کارشناسان فارسی زبان ما تماس بگیرید
و یا به وب سایتهای ما مراجعه نمایید**

www.goldenphone.co.uk

www.goldenphone.co.uk

۱۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری جمهوری اسلامی برای راه اندازی طرح «هر خارجی که به ایران حمله کند مخالفان رژیم هم در کنار جمهوری اسلامی خواهند ایستاد»



جهانی است که هر کشوری به نوعی برای کندن تکه ای از آن با دیگری به رقابت پرداخته است

حضور حکومتی دیکتاتور؛ ضد ایرانی؛ بی فرهنگ و عقب مانده به نام جمهوری اسلامی بهترین وسیله برای رسیدن به اهداف کشورهای قدرتمند جهان است که هر روز به شکلی تازه و طرحی جدید بخش اعظم ثروتهای ملی ملت ایران را به تاراج ببرند و زیر پوششهای عقد قراردادهای ننگین با چنین رژیمی باج هایی با اعداد و ارقام نجومی دریافت نمایند و طی ۲۹ سال گذشته به هر شکلی همین رژیم را که هر روز شعار سقوطش در بوق و کرنا بوده حفظ کرده تا به منافع خود برسند

ابزار و امکانات حفظ چنین رژیمی را تکنولوژی پیشرفته امروز در قالب کانالهای ماهواره ای؛ سایتهای اینترنتی؛ رادیوهای مختلف و رسانه های نوشتاری با حضور مردان و زنانی ایرانی که در خدمت این اهداف هستند تامین نموده اند. پروسه تبلیغات ایرانیان خارج از کشور را باید به دوران دوره دوم حکومت رفسنجانی ارتباط داد که وزارت اطلاعات رژیم بسرکردگی فلاحیان و با طراحی سعید امامی و کیسه های ملو از پولهای حکومتی به سراغ چهره های خارج از کشور نشین آمدند تا با پیشنهادهای ناچیز

دوران کشور ماست زیرا حتی در ۲۵۰۰ سال گذشته هر حادثه تاریخی در محور جغرافیایی ایران تعیین میشد و نقش بازیگران و پادوهای سیاسی در داخل بود

ولی با نام انقلاب ۵۷ و حضور خمینی و گشودن راهی تازه به نام «فرار از کشور» و آشنایی به قوانین «پناهندگی» سیل میلیونها ایرانی به کشورهای جهان سرازیر گردید و گروهی از این فراریان زیر پوشش مخالف جمهوری اسلامی نقش تاریخی خود را که پادوهای حکومت و نوکران اجنبی بودند را بعهدہ گرفتند

در مراودات سیاسی و کشمکشهای اقتصادی جهان؛ رهبرانی نشسته اند که فقط و فقط به حفظ درآمد بیشتر و تامین نیازهای مالی کشور خود توجه دارند برای آنان شعارهای مالی انسانی؛ پلاکاردهای حقوق بشر و فقط بهانه هایی است جهت افکار فریبی مردمان. که بتوانند زیر این پوششهای فریبنده هدفهای خود را به ثمر برسانند

این گروه قدرت مدار امروز جهان که در صدر آن امریکا، روسیه، انگلیس، آلمان، فرانسه؛ ایتالیا، اسپانیا و قرار دارند در این بازی بی ترحم حتی به همراهان و رفقای خود نیز رحم نمی کنند و تنها به منافع کشور خود فکر می کنند و متاسفانه امروز کشورما؛ طعمه ای لذیذ و لقمه ای چرب و نرم در بشقاب چپاول

مجریان این طرح کسانی هستند که زیر پوششهای مختلف خود را به شکل مخالف رژیم بزرگ کرده اند امثال اکبر گنجی ها سازگارا، نوری زاده، فرخ نگهدار، مهرداد خوانساری، مسعود بهنود، مجتهد زاده و صفی طویل از چهره های خودفروش تلویزیون صدای امریکا و رادیو فردا بلندگوی دلالهای تجاری امریکا و پاتوق تئوریسین های مدافع خط اصطلاحات زمان خاکی شده اند باند کلینتون و گروه مشاوران اقتصادی او گردانندگان خط سازش و مامشات با رژیم اسلامی هستند و بخشی از مجلس سنای امریکا را رهبری می نمایند که مقابل دولت بوش مقاومت کنند

صدای امریکا طراح نمایش دموکراسی و آزادی در رسانه ای است که بوی وابستگی و هواداری حضور بخشی از پادوهای رژیم در این رسانه تهوع آور است

سیاست حفظ منافع در دستور کار همه قدرتمندان جهان سیاسی امروز است تامین بودجه های نجومی کشورهای اداره کننده جهان از راه کسب درآمد از کشورهای غیر مستقل که دارای حکومتهای ضد مردمی هستند تامین می گردد

شیوه اداره جهان امروز سبکی جدید یافته است و توسعه تکنولوژی و گسترش ارتباطات جهانی از راههای رسانه های نوشتاری، گفتاری و تصویری این قدرت تاثیر گذاری بر مردمان جهان را در اختیار ابر قدرتها قرار داده است که با استفاده از روانکاوی اجتماعی و روانشناسی تاریخی هر ملت چه نسخه ای برای آن سرزمین جویند و با سوء استفاده از عواطف و احساسات و هیجانات ملی و مذهبی و قومی هر سرزمینی کالاهای شوم تبلیغات خود را به وسیله پادوها و دلالهای هم زبان و هم میهن کشورهای مورد نظر بفروش برسانند

در مورد سرزمین ما ایران حداقل تاریخ صد ساله اخیر نشان داده است که همه گاه چپاولگران جهانی با کیسه های خالی آمده اند و ثروتهای ملی ما را به یغما برده اند همه گاه زیر پوششهای سیاستهای گوناگون و هر زمان به ترفندی مصیبت و بدبختی و فقر را در کاسه مردمان سرزمین ما بجای نهاده اند و همیشه امریر و زمینه ساز این دزدی جهانی غیر از گروهی از ایرانیان پادو و بی غیرت و وطن فروش کسان دیگری نبوده اند، که نمونه های فراوان آن را در دوره قاجار، دوره سرنگونی محمد رضا شاه که وابستگان دربارنشان دادند که همه مهره های از پیش خریده بودند

این ۲۹ سال اخیر که سیاهترین و ننگین ترین



جبهه عوام‌فریبانه
ملی رژیم قرار داده
اند

صورت مسئله
ظاهرش فریبنده
است که فرضا هر
کشور خارجی که
بخواهد به ایران
حمله کند همه
ایرانیان با هر عقیده
و مرام مقابل آن
خواهند ایستاد و
از کشور خود دفاع
خواهند کرد که قدر
مسلم این موضوع

در رابطه با هر کشوری در جهان و مردمانش
صدق می‌کند ولی در رابطه با ایران فقط
یک سپر دفاعی عوام‌فریبانه رژیم است که
به جهانیان نشان دهد که با وجود میلیونها
مخالف با این حکومت در نهایت همه آنان در
صورت تعارض هر کشوری در برابر آن با رژیم
خواهند بود؟

اما سوال این خواهد بود که تعریف دشمن
خارجی چیست؟

اگر دشمنی در ایران با بلدوزر و تراکتور حمله
به بناهای تاریخی تخت جمشید بنماید و
قصد تخریب آن را داشته باشد نامش چیست؟
اگر حکومتی به طور عمده مقبره کوروش را
به آب بیند و قصد تخریب آن را داشته باشد
نامش چیست؟

اگر حکومتی در ایران ۲۹ سال تلاش کند کلیه
مظاهر ملی و میهنی ایرانیان را زیر سوال برد
و نابود کند و به طور رسمی اعلام نماید نوروز
چهارشنبه سوری و سیزده بدر جشن مهرگان
و سایر مراسم تاریخی و ملی ایرانیان منسوخ
و بازمانده آتش پرستان و ضد دین است نامش
چیست؟

اگر حکومتی در طول ۲۹ سال بیش از دویست
هزار ایرانی را به جوخه اعدام بسپارد و به جرم
آزادیخواهی و وطنپرستی تیرباران شان نماید
نامش چیست؟

اگر حکومتی ۲۹ سال نیمی از جمعیت ایران
یعنی زنان را چون کنیز و برده به حساب بیاورد
و آنان را وادار به حجاب نماید از نظر قوانین
شرعی و اسلامی هیچگونه حق و حقوقی
مدنی برایشان قائل نگردد نامش چیست؟

اگر حکومتی ۲۹ سال مشتی ارادل و اوباش بی
سواد و شارلاتان را حاکم بر جان مال و ناموس
مردم نماید نامش چیست؟

اگر حکومتی ۲۹ سال ملتی را به زیر خط فقر
ببرد میلیونها ایرانی را به اعتیاد و فحشاء
بکشاند نامش چیست؟

اگر حکومتی سرمایه ملی ملتی را به شکلی
علنی و آشکار بعنوان باج به جیب دولتهای
خارجی سرازیر کند تا زیر سایه حمایت آنان
حکومت کند نامش چیست؟

افراد ارزان بسیاری را بخرند و در خدمت اهداف
عوام فریبی رژیم در بیاورند
طرح رژیم در آن دوران بنام «هشتاد و بیست
معروف شد یعنی که پادوهای رژیم در
خارج با مخالفت با حکومت ملایان ۸۰/۰ به
رژیم حمله می‌کردند که ظاهرشان حفظ
گردد و ۲۰/۰ را علیه اپوزیسیون مخالف رژیم
بکار می‌گرفتند تا تأثیرات عملکردشان بر
مردم کارساز باشد

برای مثال شخصی مانند نوری زاده با صغری
کبری چیدنهای مقدماتی و حمله های آبکی به
رژیم و افشاء گری های بی تأثیر در باره حکومت
در نهایت تیغ حملات خود را متوجه گروه های
سیاسی خارج از کشور بخصوص مجاهدین
می‌کرد تا زهر اصلی را به پیکر جامعه خارج
از کشور بریزد

دلیل اخراج او از تلویزیون و مجله رنگارنگ
لندن با مدارک و اسناد موجود است
تفرشی یکی از مهره های خود فروخته ای بود
که هشت سال پیش علنا خط رژیم را افشاء
کرد و آشکارا از افرادی مانند نوری زاده و چهره
های دیگری نام برد و در مصاحبه با تلویزیون
رنگارنگ لندن «مصاحبه در آرشیو تلویویون
رنگارنگ لندن موجود است» با ارائه طرح اجرا
شده رژیم عملا همه چیز را بر ملا کرد و جالب
اینکه هیچ یک از این افراد که اسامی شان
به وسیله تفرشی اعلام شد حتی تکذیب هم
نکردند!

و امروز که بیش از ۳۰ کانال ۲۴ ساعته
تصویری و صداها سایت اینترنتی و دهها کانال
رادیویی در جامعه ایرانیان وجود دارند که نقش
تأثیر گذار سودجویان جهانی در حفظ چنین
رژیمی صد چندان شده است

۹۰/۰ این رسانه ها با وقاحت و شرم آوری
تابلوی ننگین «مسیحی نیستیم» را به در
دکان خود آویخته اند

آنان با دریافت پولهایی از رژیم زیر پوشش
آگهی های جارتی از دبی و ایران تابلویی بی
هویت از ایرانیان را به نمایش گذارده اند که
ملت ایران تنها به فکر بزن و برقص و بی عاری
ظاهری است و جامعه ای بی درد و مشکل را
نشان می دهند

رژیم ملایان سال گذشته با تصویب بودجه ای
بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری عظیمی
را به روی طرحی آغاز کرد که هدف اصلی
آن نشان گرفتن احساسات ملی و میهنی
ایرانیانی است که همیشه به ظاهر قضایا
توجه دارند

و با این ترفند که چنانچه کشوری بخواهد
به ایران حمله کند هر ایرانی حتی با وجود
مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی در کنار
این رژیم خواهد ایستاد نمایشی مضحک را به
صحنه جهانی کشانده اند

جای تاسف که حتی چهره هایی سرشناس
از رهبران اپوزیسیون هم گول این بازی را خورده
اند و در این دام گرفتار شده اند و خود را در

و صداها نمونه از جنایت: کشتار و تجاوز به حقوق
ایرانیان از سوی کسانی که خود را وارثان
حکومت عربهای هزار و چهارصد سال پیش
می دانند و با لباسهایی عربی و ترویج فرهنگ
عربی به کشور ما حکومت می کنند نامش
چیست؟

دشمن خارجی ۲۹ سال است در ایران حکومت
می کند و سرنوشت میلیونها ایرانی را به
نابودی کشانده است

جنگ با عراق و ویرانی ایران و کشته و مجروح
شدن بیش از یک میلیون ایرانی ثمره حضور
چنین رژیمی آشوبگر است که آیا نامش می
تواند ایرانی باشد؟

رژیم ملایان با تکیه بر ثروت ملت ایران و به
خدمت گرفتن کسانی که در خارج از کشور
هستند چند لایه دفاعی به دور خود کشیده
است که در این لایه ها از حضور واسطه های
دولتهای خارجی گرفته تا دلایها و پادوهای
ایرانی همه در خدمت حفظ این رژیم هستند و
هر بار با جلوه دادن موضوعی تلاش دارند مردم
را به گمراهی بکشانند

موضوع این روزها طرح حمله امریکا به
ایران است که چون امریکا یک کشور خارجی
است پس وظیفه هر ایرانی است که مقابل
امریکا بایستد و با رژیم همراه و همزمز شود
تا با دشمن خارجی بجنگد! عجب که صدای
امریکا و رادیو فردا و رسانه زیر پوشش و کنترل
و حمایت مالی دولت امریکا هم در خدمت این
هدف قرار دارند و بلندگوی این هدف گمراه
کننده شده اند و حضور چهره هایی چون
اکبر گنجی : نوری زاده : سازگارا و مهرداد
خوانساری و مشتی از این قماش با همکاری
امثال چالنگی ها و ویرینی عوام‌فریبانه
در ترویج و گسترش این هدف شده است که
صد البته از حمایت و پشتیبانی بخشی از
دولتمردان گذشته و حال امریکا نیز برخوردار
هستند

مسلمایم بیکر و خانم مادلین البرایت و
آقای کلینتون منافع کمی از حفظ رژیم ملایان
نخواهند برد وگرنه بی دلیل مادلین البرایت و
جیمز بیکر و کلینتون مدافع سازش و گفتگو
با رژیم ملایان نمی شوند



علی پاکپور

صراف مجاز از سال ۱۳۳۲

برای مشاهده جدول برابری روزانه ارزهای

خارجی با ریال ایران همه روزه می توانید

به وب سایت ما مراجعه کنید

Ali Pakpour

FOREIGN EXCHANGE ESTABLISHED IN 1953

Tel: 0208 868 87 88

0207 584 23 23

Mobile : 07979 73 73 73

07979 61 61 61

Fax: 0208 866 73 73

0207 584 35 39

Email: info@alipakpour.com

www.alipakpour.com

شانا حاجی، نخستین بازیکن ایرانی در لیگ برتر اسکاتلند است



حاجی که تنها هجده سال دارد به تازگی با باشگاه هیبرنیا اسکاتلند قرارداد بسته است. شانا حاجی گفت: «از سن هفت سالگی فوتبال را در تهران شروع کردم و به مدرسه فوتبالی که از سوی حسن روشن اداره می شد، پیوستم. آقای روشن حاجیلو، قراب و غنی مربیانم بود. از مدرسه فوتبال روشن به استقلال پیوستم. باشگاه دیگری را در نظر نداشتیم. کلاسهای مربیگری روشن به استقلال ختم می شد اگر تمام رده های سنی را در نظر بگیرم جواد نکونام نخستین نماینده فوتبال ایرانی در لالیگا اسپانیا نیست، چرا که حاجی فصل ۲۰۰۶ / ۲۰۰۵ برای جوانان ساراگوسا بازی کرده است. او در این باره گفت: «یک سال برای ساراگوسا بازی کردم اما، در تیم جوانان بود نه بزرگسالان. آن زمان تنها هفده سال داشتم و در ترکیب اصلی بازی می کردم. تجربه گران بهایی به دست آوردم. پس از ساراگوسا پیشنهادی از باشگاه ترومسو نروژ داشتم؛ اما، نمی توانستم به آنها بپیوندم چرا که، بازار نقل و انتقالات بسته شده بود. البته ترومسو پیشنهادش را تا بازگشایی دوباره بازار نگاه داشت. اگرچه پس از بررسی آن تصمیم گرفتم تا به نروژ بروم و به باشگاه اروپایی نیرومندتری بروم. هیبرنیا یکی از قدیمی ترین باشگاه های جهان است باشگاهی برتر که به خوبی در لیگ حرفه ای جا افتاده است

شانا حاجی که در سمت راست خط میانی بازی می کند درباره ی آرزویش گفت: «دوست دارم ابتدا خودم رادر میدان ثابت کنم و در تیم جا بیافتم

حسن روشن: از فوتبال اروپا خیلی عقب هستیم



حسن روشن ستاره سابق فوتبال ایران در

مصاحبه ای عنوان کرد
فعلا بیکار هستیم اما خوشحالم که از این بیکاری استفاده می کنم و به پدر و مادر بیمارم می رسم. از نظر سوابق مربیگری من مربی پلیس دبی بودم و در سالهای ۹۰ تا ۹۲ به انگلستان اعزام شدم و شاید تنها کسی باشم که لیسانس مربیگری از کشور انگلستان را دارم

به اعتقاد من اصلا لیستی به ای اف سی از سوی باشگاه استقلال ارسال نشده و فعلا منتظر هستیم که مقصرها تعیین شوند

استقلال از این غافل است که دنیا قانون دارد. طبق اطلاعاتی که من دارم آقای نجف نژاد ۵ روز بعد از محرومیت استقلال مراجعه کرده و خواسته لیست را ارسال کند

ما از فوتبال اروپا خیلی عقب هستیم. اصلا رئیس فدراسیون نداریم. ریاست سازمان تیم های ملی نداریم. داریم ایرانی وار پیش می رویم اما به هیچ عنوان در سطح اروپا و فوتبال دنیا نیستیم

ریسی آن را کارگردانی کرده. مقاطع مختلف زندگی بازیکن مشهور از جمله اعتیاد او به مواد مخدر را در بر می گیرد. رسی می گوید: «می خواستم جنبه انسانی بازیکنی را به تصویر بکشم که از او به عنوان یکی از بهترین بازیکنان تاریخ فوتبال یاد می شود. هرچند آلوده مواد مخدر شد

دست خدا عبارتی بود که مارادونا در توضیح گل جنجالی خود به تیم ملی فوتبال انگلستان در مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی سال ۱۹۸۶ - که با ضربه دست حاصل شد - به کار برد. رسی که گل مارادونا به تیم انگلستان را یک «حرکت هنرمندانه» می داند. تصریح می کند: «البته که او کوکائین مصرف می کرد. اما عضوی از حکومت نبود. مارادونا نابغه ای بود که در تمام دوران زندگی به خودش لطمه زد مارادونا که به همراه پله برزیلی. از سوی فیفا به عنوان بهترین بازیکن قرن بیستم انتخاب شد. در طول دوران ورزشی خود در تیم های بوکا جونیورز، بارسلونا و ناپل بازی کرد. او به واسطه فوتبال به ثروتی انبوه دست یافت. اما پس از بازنشستگی در ۳۷ سالگی. در مقاطع مختلف با اتفاقات آزاردهنده روبرو شد. از جمله رسوایی های مربوط به زندگی زناشویی. اعتیاد به مواد مخدر و طفره رفتن از پرداخت مالیات

مارادونای ۴۷ ساله در قهرمانی آرژانتین در جام جهانی فوتبال سال ۱۹۸۶ و تیم ناپل در لیگ فوتبال باشگاه های ایتالیا در سال های ۱۹۸۷ و ۱۹۹۰ نقش بسزایی داشت. «دست خدا» در بیش از ۱۰۰ سالن در سرتاسر ایتالیا اکران شد. این فیلم در ماه مه در جشنواره فیلم کن

در ماده ۲۰۰ متر کرال پشت در میان ۵۵ شناگر در مکان چهل و پنجم قرار گرفت و محمد علیرضایی در ماده ۲۰۰ متر قورباغه در بین ۷۶ شناگر. شصتم شد

در پایان رقابتهای تیم آمریکا در صدر جدول توزیع مدالها ایستا و روسیه دوم و چین در رده سوم قرار گرفتند. بعد از این سه. تیمهای استرالیا. فرانسه. آلمان. کانادا و ایتالیا در رده های چهارم تا هشتم قرار دارند

مارادونا در ایتالیا به نمایش در آمد



یک فیلم زندگی نامه ای بر مبنای ظهور و سقوط دیگو مارادونا. افسانه فوتبال آرژانتین. از جمعه این هفته در سینماهای ایتالیا نمایش داده شد
این فیلم که «دست خدا» نام دارد و مارکو

کسب مدال طلای مسابقات جهانی شنا در ملبورن توسط لیلا وزیری شناگر ایرانی تبار آمریکایی



دوازدهمین دوره مسابقات شنای قهرمانی جهان که در ملبورن استرالیا در جریان بود با رکورد شکنی شناگران آمریکایی پیگیری شد در این رقابتها. لیلا وزیری شناگر ایرانی تبار آمریکایی موفق شد. بار دیگر در ماده ۵۰ متر کرال پشت با تکرار رکورد جهان که در اختیار خودش بود به مدال طلا دست یابد
همچنین شناگران ایرانی با رقیبان خود به رقابت پرداختند که در نهایت شاهین برادران

سوپر ساوالان

با مدیریت فریدون رایگانی

سوپر ساوالان بازارچه ای را زیر یک سقف برای شما تدارک دیده است

سوپر ساوالان کماکان بهترین های ویدئو کاست و سی دی را در کیفیت های عالی و قیمت های مناسب به شما عرضه می کند

سوپر ساوالان همه مایحتاج شما را از شیرینی آجیل و میوه های تازه سبزیجات مختلف را تدارک دیده است



عرضه بهترین و تازه ترین گوشت و مرغ با قیمت های مناسب. در سوپر ساوالان

**5&6, Queens Parade, Green Lane
London N8 0RD**

Tel: 020 8347 8822 ساعات کار ۸ صبح تا ۱۲ شب

کریستیانو رونالدو قرار داد خود را با منچستر بمدت پنج سال تمدید کرد



رونالدو ۲۲ ساله که در ماه اوت ۲۰۰۳ با عقد قراردادی از تیم اسپورتینگ لیسبون به منچستر پیوست، روز جمعه قرارداد خود را تا سال ۲۰۱۲ با این تیم تمدید کرد. مهاجم با تکنیک شیطانی سرخ که در هفته های گذشته شایعه جدایی اش از منچستر خبر ساز شده بود، بعد از عقد قرارداد جدیدش گفت: من با سر آلکس فرگوسن در مورد آینده ام صحبت کردم، همه می دانستند که من قصد ماندن داشتم. من در این باشگاه بسیار احساس خوشحالی می کنم و می خواهم فاج جام قهرمانی شوم و امیدوارم که در این فصل بتوانیم به آن دست یابیم. وی در این فصل ۱۸ گل و در کل ۴۵ گل برای تیمش به ثمر رسانده است.

همچنین آلکس فرگوسن سرمربی منچستر در این مورد گفت: این یک خبر عالی است و بر این نکته تاکید دارد که کریستیانو در اینجا احساس خوشحالی می کند و در باشگاه درستی بازی می کند. وی رابطه ای قوی با تیم، کارکنان و هواداران تیم دارد و همچنان به سمت تبدیل شدن

به یکی از بازیکنان بزرگ منچستر گام برمی دارد. فرگوسن در ادامه افزود: در اوایل فصل پس از برخورد وی با وین رونی هم تیمی خود در جریان دیدار پرتغال و انگلیس در مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی آلمان، آینده رونالدو نامطمئن به نظر می رسید، اما بعد از مدتی این مشکل حل شد.

رونالدینیو و خوزه مورینیو ثروتمندترین بازیکن و مربی فوتبال جهان



نشریه معروف فرانس فوتبال، رونالدینیو، بازیکن برزیلی تیم فوتبال بارسلونا اسپانیا و خوزه مورینیو سرمربی پرتغالی تیم چلسی انگلیس را بعنوان ثروتمندترین بازیکنان و مربیان فوتبال جهان انتخاب کرد. نشریه فرانس فوتبال که هر سال لیستی از پردرآمدترین بازیکنان فوتبال جهان را منتشر می کند در فهرست امسال خود این دو را بعنوان ثروتمندترین بازیکن و مربی فوتبال جهان معرفی کرد.

رونالدینیو با درآمد ۲۴ میلیون یورو که ۸/۵ میلیون آن بابت دستمزدش در باشگاه فوتبال بارسلونا است و باقی مربوط به پاداش ها و قراردادهای کلان تبلیغاتی او در سراسر دنیا می شود، در مکان نخست این فهرست است. این برای دومین سال پیاپی است که رونالدینیو از ستاره فوتبال انگلیس یعنی «دیوید بکام»

جلو می افتد. رونالدو که اکنون در آث میلان ایتالیا عضویت دارد سال قبل در رده سوم بود اما اکنون با ۵/۵ میلیون یورو در مکان پنجم قرار دارد. در میان مربیان نیز «خوزه مورینیو» همچنان اول است. پس از وی «آلکس فرگوسن» اسکاتلندی با ۶/۱ میلیون یورو قرار دارد و «فابیو کاپلو» که هر هفته در سمت مربیگری رئال مادرید «کاپلو» خوانده می شود، با ۸/۵ میلیون یورو سوم است.

این گزارش درآمد رونالدینیو را از دستمزدهای تیم بارسلونا و همچنین قراردادهای تبلیغاتی این بازیکن بیست و چهار میلیون یورو (حدود شانزده و نیم میلیون پوند) اعلام کرده است.

آلن بال بازیکن سابق تیم ملی



فوتبال انگلستان در گذشت

آلن بال بازیکن سابق تیم ملی فوتبال انگلستان، بر اثر حمله قلبی در سن ۶۱ سالگی در گذشت.

آلن که در زمان قهرمانی تیم انگلستان در مسابقات جام جهانی ۱۹۶۶ جوانترین عضو این تیم بود، زندگی حرفه ای ورزشی خود را از تیم «بلک پول» شروع کرد و همراه تیم های اورتون، آرسنال و ساوت همپتون درخشید و در ۷۲ بازی جهانی به عنوان بازیکن هافبک، تیم ملی انگلستان را همراهی کرد.

وی در سال ۲۰۰۰ میلادی موفق به دریافت عنوان سلطنتی از سوی ملکه انگلستان شده بود. بدنبال مرگ وی انجمن فوتبال انگلستان اعلام کرد که بازیکنان تیم ملی انگلستان در اولین حضور خود در استادیوم جدید ومبلی در برابر برزیل به یاد این بازیکن، بازوبند مشکی بر

سازمان انتشاراتی رنگارنگ

جهت تکمیل کادر اداری خود افراد زیر را به همکاری دعوت می نماید

بازاریاب خانم و آقا جهت فعالیت های تبلیغاتی مجله و تلویزیون - طراح تبلیغاتی جهت ساختن آگهی در کتاب راهنمای مشاغل ایرانیان در اروپا - تایپیست آشنا به تایپ زبان فارسی و لاتین

020 760 44 266

جهانی دوم است که مزرعه‌ای در شمال استرالیا به او به ارث می‌رسد و با گاوچرانی با بازی هیو جکمن پیمان می‌بندد تا از ملکش در برابر توطئه‌ای برای تصرف آن دفاع کند باز لورمن قبلاً در فیلم مولن‌روژ با کیدمن همکاری کرده بود

طلاق جنیفر لویز از مارک آنتونی



جنیفر لویز بیان داشت خبر شکست ازدواج سوم وی با مارک آنتونی صحت ندارد و این شایعه را دروغی تنفر برانگیز خواند. در مقاله ای که در مجله اوکی به چاپ رسیده بود خبر پایان این رابطه به علت محدودیت های زیادی که مارک آنتونی در جلوی پای جنیفر لویز میگذارد آمده بود.

یکی از دوستان نزدیک این زوج بیان داشت: مارک بسیار غیرتی است و اجازه نمیدهد جنیفر بدون حضور او در هیچ عکاسی حضور پیدا کند. او همواره جنیفر را در همه جا مشایعت میکند و چهار چشمی مراقب او است جنیفر منکر پایان زندگی مشترک خود شده و قصد دارد از مجله ای که این خبر را درج کرده به دادگاه شکایت کند

او در مصاحبه ای گفت: وکلاء ما در حال تدوین شکواییه ای در مورد این دروغ تنفر انگیز که تنها برای افزایش فروش مجلات ساخته شده هستند

رئیس جمهور فرانسه کلینت ایستوود را به جرگه لژیون افتخار وارد کرد

ژاک شیراک که کلینت ایستوود را نماینده

فیلم شیاطین و فرشتگان بر اساس کتابی از دن بران پردازد. هنکس برای قسمت اول کد داوینچی ۲۵ میلیون دلار دریافت کرد او قرار است در این اثر باز هم نقش رابرت لنگ دان را بازی کند. جیم کری در سال ۱۹۹۶ برای حضور در فیلم آدم توانمند ۳۹ میلیون دلار دریافت کرد اما حالا تام هنکس روی دست وی زده است

نیکول کیدمن بالاترین نشان استرالیا را گرفت



نیکول کیدمن هنرپیشه استرالیایی تبار هالیوود که برای بازی در یک فیلم جدید در این کشور به سر می‌برد. بالاترین نشان این کشور را دریافت کرد

فرماندار کل استرالیا، مایکل جفری نشان استرالیا را به خاطر فعالیت‌های کیدمن در عرصه سینما، و نقشش در ارتقای سلامت زنان و کودکان و پژوهش سرطان به او اهدا کرد The Companion of the Order نشان استرالیا بالاترین نشان افتخار در این کشور و معادل نشان شوالیه‌گری در انگلیس است علاوه بر کیدمن برندگان استرالیایی جایزه نوبل پزشکی ۲۰۰۵ بری مارشال و رابین وارن و مشاور عالی اقتصادی و وزیر خزانه‌داری استرالیا، کن هنری نیز در این مراسم این نشان را دریافت کردند

کیدمن که سفیر حسن نیت صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) هم هست در سال ۲۰۰۳ به خاطر فیلم «ساعات» جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن را دریافت کرد کیدمن مشغول بازی در فیلمی به نام «استرالیا» به کارگردانی باز لورمن در نقش یک اشرافزاده انگلیسی در دوره قبل از جنگ

دردسر ساز شدن ملانی بران برای ادی مورفی



بعد از این که ملانی بران ادی مورفی را پدر فرزند سه هفته ای خود خواند این هنرپیشه را مجبور کرد در قبال فرزندش متعهدانه برخورد کند

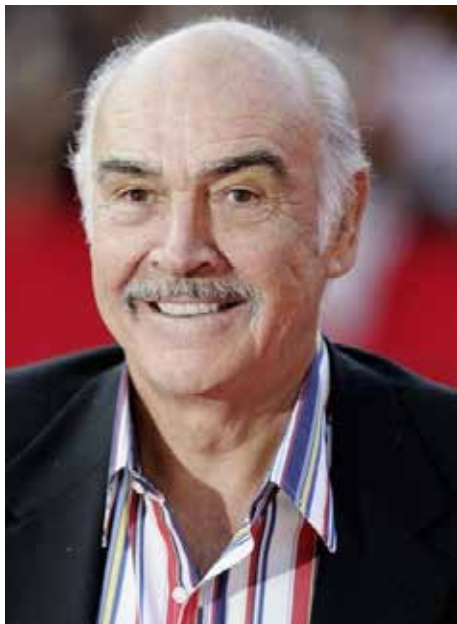
بران در آوریل دختر خود با نام آجل آپریس را ۵ ماه بعد از پایان دادن به رابطه ۶ ماهه خود با ادی مورفی در کالیفرنیا به دنیا آورد این خواننده مدعی است مورفی زمانی که او را رها کرد از بارداری وی مطلع بوده است او به مجله انگلیسی اوکی بیان داشت: ما درباره تشکیل خانواده و برگزاری مراسم ازدوایمان هم صحبت کرده بودیم و قصد داشتیم مشترکاً خانه ای خریداری کنیم بران مدعی است که مورفی خودش خواهان پدر شدن بوده و این بارداری بر اساس خواسته این هنرپیشه صورت گرفته است

بران افزود زمانی که بعد از دیدن مادرش در دسامبر گذشته به خانه بازگشت دریافت که مورفی این رابطه را یک طرفه پایان داده است او بیان داشت: زمانی که از هواپیما پیاده شدم خیلی از خبرنگاران و عکاسان در انتظارم بودند و من نمیدانستم که چه اتفاقی آنها را به فرودگاه کشانده است. من خبر جدایی خود از مورفی را از دهن آنها شنیدم

تام هنکس گران ترین هنرپیشه دنیا



تام هنکس بعد از امضا قرار داد حضور در ادامه فیلم « کد داوینچی » بیشترین دستمزد در تاریخ هالیوود را دریافت خواهد کرد کمپانی کلمبیا پیکچر توافق کرده بین ۲۹ تا ۴۹ میلیون دلار برای حضور این هنرپیشه در



ایستوود در پاسخ از دریافت این «افتخار خارق‌العاده» اظهار خوشحوشوقتی کرد و گفت: «من تازه از کارگردانی یک فیلم ژاپنی فارغ شده‌ام و آرزوی بزرگم این است که روزی یک فیلم فرانسوی بسازم و یک کارگردان فرانسوی شوم»
 ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۰۲ لژیون دونور را بنیاد گذاشت. این نشان کمک‌های نظامی، فرهنگی، علمی یا اجتماعی به فرانسه را از جمله از سوی افرادی که شهروند فرانسه نیستند، ارج می‌نهد

شون کانری به ایندیانا جونز ۴ می‌پیوندد؟

تهیه‌کنندگان فیلم «ایندیا جونز» در انتظار پاسخ شون کانری، ستاره ۰۰۷، هستند که آیا به عنوان پدر شخصیت اصلی دوباره در این فیلم ظاهر خواهد شد یا نه
 به گزارش خبرگزاری فرانسه به نقل از مجله ورایتی جرج لوکاس و استیون اسپیلبرگ به همراه هریسون فورد در نقش ایندیانا جونز، که کار را برای تهیه این فیلم آغاز کرده‌اند امیدوارند کانری ۷۱ ساله را از بازتولید برون آورند
 کانری که از سال ۲۰۰۳ در فیلمی بازی



«بهترین‌های هالیوود» نامید. به او عنوان شوالیه در لژیون افتخار برگزیده فرانسه را داد شیراک در مراسمی در کاخ الیزه گفت: «یقیناً فرانسه می‌خواهد به استعداد عظیم شما به عنوان یک بازیگر، به نبوغ شما به عنوان یک کارگردان و به مقام شما در سینمای جهان ارج بگذارد»
 او افزود: «شما پیچیدگی آمریکا را با همه نقاط قوت و ضعفش، با رویاهای مشتاقانه‌اش و پرسش‌های مضطربانه‌اش نشان می‌دهید»
 شیراک کارگردان آخرین فیلم «نامه‌هایی از آیوجیما» نامزد دریافت جایزه اسکار شده است. «سفیر استثنایی» فرهنگ آمریکایی به سراسر جهان دانست
 شیراک گفت: «کلینت ایستوود عزیز، در این سوی اقیانوس اطلس شما جسم بهترین‌های هالیوود هستید»

نکرده است گفته است که در صورتی که از فیلمنامه خوشش بیاید بازگشت به سینما را در مد نظر قرار خواهد داد
 هریسون فورد ۶۴ ساله در همان نقش باستان‌شناس جسور حضور خواهد داشت و به همراه اوشیا لایوف و کیت بلانشت نیز در فیلم بازی می‌کنند
 تهیه‌کنندگان داستان و حتی عنوان ایندیانا جونز ۴ را کاملاً سری نگهداشته‌اند. اما شرکت پارامونت می‌گوید قصد دارد فیلم را

امروزه در جهان دنیای مد حرف اول را می‌زند

شما هم شانس خود را آزمایش کنید

Hannah Modeling Agency

این فرصت را به شما می‌دهد که بتوانید پس از سپری کردن یک دوره کوتاه آموزشی وارد جهان مد شوید

اولین آژانس رسمی ثبت شده طبق قوانین حقوق و صنفی در انگلستان اعلام

موجودیت می‌نماید و کسانی که مایلند بصورت جدی فعالیت داشته باشند

میتوانند با دفتر این آژانس تماس گرفته و اطلاعات بیشتر را دریافت نمایند

02076044266

مد لباس در سال ۲۰۰۷



دیزل در تبلیغ این لباس گفته "خودتان را برای گرم شدن کره زمین آماده سازید". که اشاره ایست به موضوع بالا رفتن درجه حرارت هوای کره زمین

یک سری هم می زنیم به محله کاونت گاردن در قلب لندن تا ببینیم در مغازه های آنجا چی می گذره. رنگ ها و طرح هایی که در پشت ویرین های آنجا به چشم می خوره اغلب روشن و بازه و رنگ سبز زیاد به چشم می خوره. رنگ های خاکستری و قهوه ای هم در بعضی مغازه ها دیده می شه

یکی از انواع کت هایی که برای بهار و تابستان امسال مد است شبیه به لباس های بچه هاست: پایین کت کلوش و گشاده و آستین ها هم سه ربع و گشاد است. یقه این کت ها یا گرد و یا برگردون های پهن دارد

در حالیکه روزها دارن رفته رفته بلندتر می شنوند و از دوردست ها بوی بهار به مشام می خوره. می شود یواش یواش به پوشیدن لباس های سبک تر و رنگ های روشن تر فکر کرد. و به این فکر کرد که آیا هنوز هم می شود همان لباس های پارسال را پوشید یا اینکه باید رفت سراغ مدل های جدید

طراح های مد البته کاری به این کارها ندارند و دست کم سالی ۲ بار مدل های لباس و پالتو و شلوار و کفش و غیره را عوض می کنند و هرچند وقت یک دفعه رنگ ها را هم به کلی تغییر می دهند تا دیگر به هیچ وجه نتوانید لباس های قدیمی تان را بپوشید خوب حالا که فصلی تازه از راه می رسه ببینیم که تازه های مد چیه. و این بار برخلاف معمول با مدهای مردونه شروع می کنیم در نمایش مدی که در میلان برگزار شد. الکساندر مک کوئین. طراح لباس. آخرین مدل های خوش برش و خوش دوخت مردونه رو معرفی کرد. برش کت ها و پالتوها ساده نبود و تقریباً همه آنها چهار دگمه یا ۶ دگمه یا ۸ دگمه بودن

رنگ ها اغلب روشن و ترکیبی از خاکستری و سفید بود. هر چند در انتهای شو رنگ های تیره تر هم به آنها اضافه شد. در مدل های الکساندر مک کوئین شلوارها راسته و کمی تنگ بود و برای مدل هایی که با نیم چکمه پوشیده شده بود. شلوارها کمی کوتاه تر بودند

و اما خانم ها. مدل های بهاره و تابستان ۲۰۰۷ برای خانم ها اغلب کوتاهند و کمر بندها بالا بسته می شوند. رنگ ها روشن اند - صورتی. تارچی و فسفری. هم برای روز و هم برای شب. در بعضی از لباس های بهاره از تزئینات فلزی هم استفاده شده که اغلب با مهره و پولک و منجق و همراهه. و یا با تکه دوزی از رنگ ها و پارچه های مختلف طرح های مختلفی را تشکیل داده

بعضی از طراح های لباس هم امسال سراغ لباس های محلی و سنتی رفتن. مثلاً پیراهن های کوچی برای تابستان و بهار دارای نقش های سنتی اروپایی با گلهای ریزه به اشکال مختلف هندسی. همچنین دور یقه و دور کمر نوارهای نسبتاً پهن داره که با طرح و رنگ پارچه هماهنگ است. کمر ها در این نوع پیراهن ها بالا بسته می شه و رنگشون هم ساده و معمولاً یکی از رنگ های پارچه است. یک سوم پائین این پیراهن ها چین سوزنی ریز داره و یقه ها هم گره. هفت و خشت ساده است

بعضی از کمپانی های بزرگ هم از وقایع نه چندان خوشایند برای تبلیغ لباس های جدیدشون استفاده کرده اند. مثلاً دیزل یک مدل پیراهن تابستانی تولید کرده که از جنس پارچه استرچ است. آستین بلند داره. یقه اش ساده ست. از جلو دگمه می خوره و یک کمربند هم که از جنس خود لباس است روی آن بسته می شود.



دکتر گیلاره کوچی



متخصصین ما با تعیین وقت به صاحبان یا همکاران آن سالنها آموزشهای لازم را جهت معرفی و استفاده از این محصولات می دهند تا در اختیارمشتریان خود قرار دهند آنچه باید تاکیدی برآن داشته باشیم این است که امروزه زندگی روزمره ما در معرض خطر روزافزون استرس میباشد و راه مقابله با استرس استفاده صحیح و درست از موادی است که اثرات آن سریع و چشمگیر و بدون عارضه جانبی باشد و خوشبختانه محصولات کوچی در همین مدت کوتاه با موفقیتی که به دست آورده است در عمل نشان داده که چقدر موفق بوده است

درباره استرس و رفع خستگیها از اندام افراد مختلف ما از ترکیب مواد طبیعی با روغنهایی که ازعصاره کوکوئی تهیه کردیم به تولیدمحصولی رسیدیم که به صورت ماساژ مورد استفاده قرار میگیرد و به صورت معجزه آسا عمل میکند

هر روز در همین محله دهها نفر متقاضی چنین ماساژهایی داریم که با وجود خستگی و افسردگی و استرس از کارهای روزانه پیش ما می آیند و همکاران من با متدهای علمی و تکنیکی و دستگاههای ماساژ دهنده به آنان نشاط و آرامش و احساس سبکبالی میدهند

لازم به یادآوری است که ازمیوه کوکوئی در هاوایی ، زیورآلات تزینی هم درست میکنند وخانها به گردن می آویزند که نمونه هایی از آن را در دفتر ما مشاهده میکنید که مشتریان زیادی هم از آن استقبال می کنند حرفهای شنیدنی و جالب خانم دکتر کوچی را در این شماره بعنوان سرآغازی خواندیم و سعی خواهیم کرد از شماره آینده بخشهایی از حرفها و اطلاعات شنیدنی و مفید ایشان را چاپ نماییم

اشخاص یا سالنهای آرایشی در سراسر اروپا می توانند از طریق وب سایت و یا مراجعه مستقیم به دفاتر و یا از طریق تلفن خریدهای خود را بنمایند

بودم مسافرتها ی زیادی بروم و فشار کار و تغییرات جغرافیایی ، استرس زیادی برایم بوجود آورده بود و اثرات آن روی بر روی صورت بخصوص اطراف چشمهایم بشکل آگزما دیده می شد و با وجود مراجعه مکرر به پزشک و استفاده از مواد مختلف متاسفانه مشکلم حل نمیشد

تا اینکه در یکی از مسافرتها یم به هاوایی تصادفی به یک نوع میوه درختی به نام کوکی برخوردیم که اهالی هاوایی ازاین میوه درختی که شبیه فندق خودمان است عصاره گیاهی درست می کردند و مورد استفاده جهت رفع استرس قرار میدادند

من با استفاده از این عصاره متوجه شدم که چقدر تاثیر خوبی بر پوست چهره ام داشت

زمانیکه به لندن بازگشتم این ایده در من زنده شد که به فکر تاسیس و فعالیت در

محصولات زیبایی Kucci
با تاثیرات معجزه آسای خود
پوست چهره و اندام شما را
شاداب و پرطراوت مینماید

شرکتی به نام خودم باشیم با مطالعات و تحقیقات زیاد و مشورت با متخصصین و کارشناسان امور بهداشتی و زیبایی بالاخره موفق شدم از این میوه درختی معجزه آسا (کوکوئی) محصولات به بازار عرضه کنم که تمامی ترکیبات آن صد در صد طبیعی است ومجموعه ای از طعم های مورد علاقه عموم زنان و مردان را دارد

این محصولات که مواد اصلی و اولیه آن از همان کوکوئی متعلق به هاوایی است با مواد طبیعی دیگر ترکیب شده که دستاورد آن همین محصولات است که امروز در مقابل شماست

من با توجه به شناخت بازار محصولات زیبایی و بهداشتی، ابتدا محصولات خودم را در بالاترین استاندارد عرضه به جامعه قرار دادم یعنی با گرفتن غرفه ای در فروشگاه معروف سلف ریجرز محصولات کوچی را به مردم شناساندم

استقبال عمومی مردم بخصوص زنان بی سابقه بود و همین استقبال باعث شد که تصمیم قطعی بگیرم و محصولات کوچی را در سطح گسترده تری عرضه کنم

درباره سالنهای زیبایی و آرایشی که محصولات کوچی را خریدار کنند

محله زیبا و دیدنی (لیدن هال مارکت) در منطقه مرکزی Bank لندن بسیار دیدنی و تماشایی است این محله که قلب تپنده اقتصادی انگلستان و شاید اروپا می باشد حال و هوایی جذاب دارد شاید هم بنوعی یادآور بازارچه های خودمان است ولی به شکلی لوکس و اروپایی، که مردم گوشه به گوشه جمع هستند و با نوشیدنیهای گرم و سرد، سرگرم میباشند

نمادهایی از فرهنگ و ادب انگلستان در قالب مدلهایی که لباسها و آرایش همان دوره ها را دارند دیدنی است

در همین هیاهو پر جاذبه و دیدنی مکانی متعلق به یک هموطن ایرانی و موفق است دکتر گیلاره کوچی از زنان موفق و خود ساخته ای است که با تلاش و کوشش بسیار موفق شده در بازار و حرفه پر رقابت جهانی محصولات زیبایی و بهداشتی جایگاهی ویژه برای خود بدست آورد

محصولات زیبایی و بهداشتی Kucci با تاثیرات معجزه آسای خود مشتریان و هوادارانی بسیاری پیدا کرده است و در همین رابطه تصمیم گرفتیم با ایشان مصاحبه ای انجام دهیم و با وجود مشغله بسیار و گرفتاریهای کاری ایشان دعوت ما را پذیرفتند و دقایقی با ایشان به گفتگو نشستیم

دکتر گیلاره کوچی با داشتن شعبه ای از محصولات خود در این محله عرضه کننده محصولات Kucci و سرویسهای شرکت Kucci که متعلق بخودشان میباشد دکتر کوچی در این باره چنین میگوید

من در رشته ژنتیک دکتر دارم و بدلیل رشته تخصصی ام مدتها در کمپانیهای بزرگ فعالیت داشته ام

بدلیل موقعیت شغلی خود مجبور



kuccikukui

LONDON

62 Leadenhall Market
London EC3V 1LT

Telephone Office: 020-7488-1276

Telephone Shop: 020-7220-7001

استرس دشمن شماره یک زیبایی و لطافت پوست شماست

Anti-wrinkle Eye Gel
&
Anti-Wrinkle Face Cream

تخفیف ویژه خوانندگان مجله

£19.99 reduced from £25.00



kuccikukui kuccikukui kuccikukui kuccikukui kuccikukui kuccikukui kuccikukui kuccikukui kuccikukui kuccikukui kuccikukui kuccikukui kuccikukui kuccikukui kuccikukui kuccikukui

www.kuccikukui.com



رودهای مهم: راین (۸۶۵ کیلومتر). الب (۷۰۰ کیلومتر). دانوب (۶۴۷ کیلومتر). ماین (۵۴۲ کیلومتر). وزر (۴۴۰ کیلومتر)
بلندترین کوه: تسوگ اشپیتزه (۲۹۶۲ متر)
کشورهای همسایه: بلژیک، دانمارک، فرانسه، لوکزامبورگ، هلند، اتریش، لهستان، سوئیس، جمهوری چک
جمعیت (۲۰۰۷): ۸۲/۵ میلیون
پایتخت: برلین
نوع دولت: دولت فدرال دموکراتیک پارلمانی
تقسیم‌بندی کشوری: ۱۶ ایالت
پول رایج: یورو € = ۱۰۰ سنت
درآمد ناخالص ملی (۲۰۰۶): ۲۲۵۱/۱۷ میلیارد یورو
ولتاژ شبکه‌ی برق: ۲۲۰ ولت، ۵۰ هرتس



عضو اتحادیه ی اروپاست

نظام حکومتی در آلمان جمهوری پارلمانی است. آلمان یک اتحادیه است. اعضای اتحادیه ایالت‌های آنند که تعداد آنها ۱۶ تاست. به دلیل برخورداری آنها از خودمختاری در امور مختلف، نظام سیاسی و اداری آلمان، فدرالی خوانده می‌شود. مرکز اتحادیه‌ی آلمان و محل استقرار حکومت شهر برلین است. عنوان رسمی شهر برلین شهر مرکزی اتحادیه است. بن، پایتخت سابق آلمان غربی، شهر اتحادیه خوانده می‌شود. این عنوان از سال ۱۹۹۴، پس از تغییر پایتخت، به آن داده شد. در بن نهادهای حکومتی مختلف و شعبات فراوانی از وزارتخانه‌های مرکزی مستقر هستند. آلمان با داشتن ۸۲ میلیون جمعیت پرنفوس‌ترین کشور اتحادیه‌ی اروپاست. آلمان عضو سازمان‌های بین‌المللی مختلفی است. از جمله سازمان ملل متحد، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و گروه (G8) هشت کشور صنعتی

موقعیت جغرافیایی: ارویای مرکزی

اقلیم: منطقه‌ی معتدل، درجه‌ی متوسط هوا
در سال: ۹ درجه
مساحت: ۳۵۷,۰۳۱ کیلومتر مربع

مجله رنگارنگ به دلیل حضورش در کشورهای مختلف اروپا و پشتوانه دهها هزار خواننده این مجله که برگیرنده خانواده های ایرانی می شوند در هیات سردبیری تصمیم گرفته شده است که در هر شماره به معرفی کشورهای اروپایی پرداختیم و مجموعه اطلاعاتی را به هموطنان خود ارائه نمائیم که امیدوار هستیم به دین وسیله کمکی به آشنایی بیشتر و کسب اطلاعات مفید برای همگان باشد

کشور آلمان را می توان پر تعداد ترین محل زندگی ایرانیان بعد از انگلستان دانست
در آلمان بطور تقریبی در هر ایالتی بیش از ده هزار نفر زندگی می کنند که در یک سرشماری ساده به حضور بیش از دویست هزار ایرانی می توان اشاره کرد

ایرانیان در آلمان تابع مقررات و قوانین آن کشور در کنار فرهنگ و زبان آلمانی زندگی می نمایند که مسلماً تأثیرات زندگی در کشوری چون آلمان در روحیات و شخصیت نسل جوان ایرانی تأثیر گذار بوده و خواهد بود

در این شماره به معرفی این کشور پر آوازه می
پردازیم

آلمان کشوری است واقع در اروپای مرکزی با عنوان رسمی جمهوری فدرال آلمان. این کشور

دروغ چرا... تا قبر آ.. آ.. آ
 قیمت‌های این مغازه از همه جا مناسب تره

**Dusseldorfer Str. 12 ,
60329 Frankfurt**

Tel.: +49 (0) 69 / 24 24 9539

Fax: +49 (0) 69 / 52 27 62



بقالی مش قاسم

در قلب فرانکفورت (مدمتری ایستگاه مرکزی راه آهن)



اقتصاد و امور اجتماعی در آلمان

آلمان از نظر مواد خام تنگدست است... صنایع و خدمات دو بخش اصلی اقتصاد آن هستند. سطح بزرگی از سرزمین زیر کشت است، با وجود این فقط ۲ تا ۳ درصد از کل شاغلان در بخش کشاورزی کار می‌کنند. آلمان از نظر صدور کالا مقام اول جهانی را دارد.

آلمان با ۴/۲۲۷ میلیارد یورو (آمار سال ۲۰۰۵) سومین کشور جهان از نظر قدرت صنعتی و اقتصادی است، افزون بر این آلمان از نظر صدور کالا مقام اول جهانی را دارد. شرکت‌های آلمانی تقریباً یک‌سوم درآمد خود را از محل صادرات به دست می‌آورند. از هر چهار شغل یکی به تجارت خارجی بسته است. رشته‌هایی از صنعت که آلمان در آنها کم‌رقیب است عبارت‌اند از اتوموبیل‌سازی، الکترونیک، ماشین‌سازی و شیمی. سهم آلمان از تجارت جهانی حدود ۱۰/۵ درصد است.

مهم‌ترین شرکان آلمان در تجارت خارجی کشورهای صنعتی غرب هستند. بیشترین و نزدیکترین ارتباط اقتصادی آلمان با کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. بیش از نیمی از عایدی حاصل از تجارت خارجی از این کشورها به دست آمده است. در عرصه واردات، هلند و آمریکا جایگاه‌های اول را اشغال می‌کنند. مهم‌ترین خریدار خدمات آلمان فرانسه، آمریکا و انگلستان هستند.

اقتصاد اجتماعی بازار

اقتصاد آلمان را به اعتبار سیاست اجتماعی آن با عنوان اقتصاد اجتماعی آزاد یا اقتصاد اجتماعی بازار توصیف می‌کنند. بنابر این سیاست اقتصادی، بازار آزادی خود را دارد. دخالت دولت در آن حداقل است. هم‌هنگام اما دولت عهده‌دار مجموعه‌ی بزرگی از خدمات اجتماعی است. آلمان با وجود اقتصاد توانایش از درصد بالای بیکاری که بالغ بر ۱۰ درصد است، در رنج است.

درآمدها و قیمت‌ها

درآمد ماهانه یک خانوار در آلمان غربی در سال‌های آغاز دهه‌ی ۱۹۶۰ به طور خالص ۹۰۷ مارک (۴۶۳ یورو) بود. هزینه‌های یک خانوار در این سال‌ها ماهانه ۷۳۰ مارک (۳۷۳ یورو) بود که دو سوم آن را هزینه‌های خوراک، پوشاک و مسکن تشکیل می‌داد. در نیمه‌ی اول سال ۲۰۰۳ میانگین درآمد خانوار به ماهانه ۲۷۱ یورو و هزینه‌ها به ۲۱۲۱ یورو بالغ می‌شد. قیمت‌ها در جمهوری فدرال آلمان در مقایسه با کشورهای دیگر در مجموع باثبات است. به دنبال وحدت دو آلمان، افزایش تقاضا، افزایش دستمزدها در شرق آلمان و افزایش مالیات‌ها جهت تأمین مالی بازسازی اقتصاد مناطق شرقی باعث شدند که در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ قیمت‌ها افزایش یابند. روند افزایش قیمت‌ها در سال‌های اخیر مجدداً کند شده است. در سال ۲۰۰۲ میزان افزایش قیمت‌ها به نسبت سال قبل از آن ۱/۳ درصد بود که کم‌ترین میزان را از سال ۱۹۹۹ به این سو نشان می‌دهد.

مالیات‌ها

در آلمان انواع مالیات و عوارض وجود دارد. از مهمترینشان مالیات بر درآمد و مالیات واحد اقتصادی هستند. درصد عمومی مالیات غیرمستقیم، که بر کالاها و خدمات تعلق می‌گیرد، از آغاز ژانویه‌ی ۲۰۰۷، ۱۹ درصد است. عنوان رسمی آن است که «مالیات بر ارزش افزوده» معنا می‌دهد.

فقر

با وجود تأمین اجتماعی و کمک‌های گسترده‌ی دولتی مطابق با آمار سال ۲۰۰۳ حدود ۱۵ درصد از کودکان زیر پانزده سال و ۱۹٪ جوانان میان ۱۶ و ۲۴ سال زیر خط فقر زندگی می‌کنند. بنابر آمار سازمان ملل رشد تعداد کسانی که زیر خط فقر هستند، در آلمان سریعتر از غالب کشورهای صنعتی ثروتمند است. تعداد بیسوادان کارکردی (که خواندن

و نوشتن را آموخته‌اند، اما در کاربرد دچار اشکال‌اند) بسته به معیار ارزیابی میان ۵/۶ تا ۱۱ درصد است.

بیمه‌ی بازنشستگی

نظام حقوق بازنشستگی در آلمان بر اساس قرارداد نسلهاست. هر نسلی حقوق بازنشستگی نسل پیش از خود را می‌پردازد. دریافتی هر بازنشسته بستگی به میزان و طول دوره‌ی پرداختش به صندوق بیمه‌ی بازنشستگی دارد. میزان حقوق بازنشستگی تابعی از دستمزدهاست. دولت موظف است کمبود بودجه‌ی صندوق بیمه‌ی بازنشستگی را جبران کند.

کمک اجتماعی و کمک‌هزینه‌ی تحصیلی

کسانی که نتوانند کار کنند از کمک اجتماعی بهره می‌گیرند. میزان آن در حدی است که نیازهای ضروری کمینه را برآورده کند. برای دانش‌آموزان



**تولید برنامه‌های تلویزیونی، ویدیو کلیپ، تبلیغات
تلویزیونی، کنسرت و مجالس عروسی با دوربین
دیجیتال (HDTV) و تدوین حرفه‌ای با سیستم AVID**

عکاسی مدل، پرتره، تبلیغاتی و مجالس جشن

فیلمبردار و نورپرداز: سورنا

مشاوره، تولید و تدوین: بهرامی

0049/0162/155 43 09

0049/0174/235 82 86

www.anahitaa.de



در ادبیات ایران شراب نقشی عارفانه و عاشقانه دارد

لوکزامبورگ؛ هلند و بلژیک فعالیتهای خودمان را زیاده‌تر کرده و در آن کشورها شرابهای خیام و حافظ را بشناسانیم به جهت فعالیتهای متعدد از طرف خانه فرهنگی برلین

HAUS DEKULTUREN IN BERLIN

با ما تماس گرفته شد که در شب ایرانی که در واقع به مدت یک ماه برگزار می‌شود برای شب اول افتتاحیه آن شراب خیام و حافظ نوشیده شود و در رابطه با شراب و فرهنگ آن تبلیغات شود که باعث افتخار ما بود

همچنین حزب سوسیالیستهای آلمان شبی را به نام شب شراب ایران و فرانسه در نظر گرفتند که ما توانستیم در دیدگاه دوستداران فرهنگ و شراب ایران در آلمان خاطره‌ای به جای بگذاریم که چندین روزنامه آلمانی نیز در رابطه با شراب مقالاتی نیز نوشتند

در تمامی نمایشگاههایی که ما تا به حال شرکت کرده ایم اولین چیزی که مردم از ما با تعجب می‌پرسند این است

ایران؟! شراب! و بعد از آنکه کمی در رابطه تاریخ شراب ایران برای آنها توضیح می‌دهیم و از شرابهای ما می‌چشند با چشمانی حیرت زده می‌گویند

(WOW)

و در این زمان است که خستگی تمام کارها دیگر برایشان زیاد نیست

برای سال ۲۰۰۷ برنامه‌ای گذاشته ایم که بتوانیم در کشورهای اسکاندیناوی، انگلستان و اسپانیا نیز فعالیتهای تازه‌ای را آغاز کنیم

بنابر همین دلایل می‌خواستیم که شرابی تولید کنیم که بنام ایران و گذشته پربارش باشد و با شرابهای موجود تولید شده در اروپا متفاوت باشد که به بحث تکنیکی آن زیاد وارد نمی‌شویم اما حاضر هستیم که هر گونه سوالی را در این رابطه پاسخگو باشیم

ما در طی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ توانسته ایم به بیش از ۱۰۰ رستوران و ۱۵۰ سوپر مارکت و غیر PERSIAN TRADITION ایرانی ایرانی بصورت مستقیم شرابهای را عرضه کنیم

همچنین در نمایشگاههای جهانی که مخصوص شراب بوده نام شراب خیام و حافظ را مطرح کرده و آن را به مردم بشناسانیم و بگوییم که ریشه اصلی شراب از کدام کشور بوده و شراب شیراز را به نام استرالیا یا آمریکا یا آفریقای جنوبی نشاسند

البته این راه، راهی دراز است که ما پیش گرفته ایم ولی با همکاری دوستان و هموطنان ایرانی صد در صد به آن خواهیم رسید

KWEKER ما توانسته ایم شرکتهای زنجیره‌ای مختلف مثل

LEKKER LAND و KYDAST اتریش

هلند را در شمار مصرف کنندگان شرابهای خیام و حافظ در بیاوریم

در نمایشگاه سالانه زالسبورگ اتریش و وین اتریش به دفعات زیاد شرکت کنیم و در نمایشگاه های شراب و دلیر در شهر مونیخ آلمان؛ هایدلبرگ؛ اشتوتگارت؛ ویسبادن و دارمشتات آلمان شرکت جوئیم و در کشورهای فرانسه؛ آلمان؛ اتریش؛ سوئیس

شراب در نزد ایرانیان تعریف های متفاوتی دارد

شراب سمبل عشق و مستی واقعی است ایرانیان شراب را بخشی از تاریخ کهن خود می‌دانند و در ادبیات ایران نیز شراب نقشی عارفانه رویایی و عاشقانه دارد و هزاران شعر در وصف شراب در ادبیات کهن ایران وجود دارد

این روزها یک ایرانی در اروپا سالهاست که تلاش دارد شراب ایرانی را به جایگاه بین المللی برساند و به اروپائیان و ایرانیان معرفی کند

انتخاب نامهای حافظ؛ خیام و شیراز نشانگر علاقه و توجه این هموطن ایرانی بیژن آصفی است

مجله رنگارنگ در این شماره پای گوشه ای از حرفهای بیژن آصفی و همکارشان الکساندرا می‌نشیند و حرفهای بیشتر را در فرصتی دیگر منعکس خواهد کرد

قبل از هر چیز بایست از مجله رنگارنگ تشکر کنیم که این امکان را به ما داد که بتوانیم گزارشی از فعالیت این شرکت به آگاهی دوستداران شراب و هموطنان گرامی برسانیم

با اینکه ایران باستان قدیمی ترین کشور در رابطه با تولید شراب می‌باشد ولی متأسفانه مردمان اروپا و سایر نقاط جهان از این پیشینه تاریخی ایران اطلاعی ندارند قدیمی ترین کوزه شرابی را که تا به حال توانسته اند در جهان به دست آورند قدمت آن به بیش از ۶۰۰۰ سال می‌رسد و این کوزه شراب را در ایران باستان به دست آورده اند

شاهین با پروازی تازه



او سالهاست در شهر فرانکفورت مقیم کشور آلمان شده است و بدون جاروجنجال زندگی آرامی را می گذراند. شاهین از صدای خوبی برخوردار بوده و کنسرت هایی با فریدون فرخ زاد، فرشته، هاتف، جمال وفائی و مهستی در فرانسه، هلند، سوئد و بلژیک با موفقیت برگزار نموده است و در آلمان از اعتبار نام نیکی بهره دارد شاهین در ورزش بکس و کاراته در ایران و آلمان صاحب مقام و نشان و مدال قهرمانی شده و هنوز از ورزش دست نکشیده است

شاهین با آشنائی به نت و دستگاه های موسیقی ایرانی و ترانه سرائی دوالبوم و سی دی تهیه نموده که بزودی از لوس آنجلس بیازار عرضه خواهد شد

شاهین صدائی لطیف و آوازی دلنشین و منحصر به خود دارد که شباهت به دیگری ندارد. قرار است دوترانه سرای معروف، ژاکلین ویگن و مسعود امینی، اشعار ترانه های جدیدی را با همکاری شرکت ترانه آماده کنند. شاهین خواننده ای بسیار متواضع و درباری به هموطنان و بخصوص جوانان دم بخت یاری رسان و مشتاق و یاور بوده و بدون چشم داشت مالی در جشن و سرور اغلب کسانی که بضاعت مالی نداشته

اند، شرکت نموده و حتی دستمزد نوازندگان را نیز خودش پرداخت نموده و کادوی عروسی رانیز هدیه داده است
بقرار اطلاع کمپانی (ذدیا) از وی دعوت بعمل آورده است تا در فیلم وحشت نقش جوان اول را ایفا کند. در آینده از این ورزشکار خواننده خبرهای تازه خواهید خواند

دولت آلمان آن دسته از مهاجران به این کشور را که زبان آلمانی را فرا نمی گیرند، جریمه می کند

این مطلب را «اشتفان کالر» سخنگوی وزارت

کشور آلمان در یک کنفرانس مطبوعاتی در برلین پایتخت این کشور اعلام کرد
کالر گفت: دولت آلمان اقدامات تنبیهی برای مهاجرانی را که از رفتن به کلاسهای آموزشی جهت یادگیری زبان آلمانی خودداری می کنند، تشدید خواهد کرد

کالر گفت که این لایحه در چارچوب تشدید قوانین مهاجرت به کشورهای اروپایی عضو اتحادیه اروپا مورد بررسی قرار گرفته است

وی افزود که از جمله راهکارهای این موضوع مجبور کردن اتباع خارجی به شرکت در کلاسهای باصطلاح همگرای است که در این کلاسها در آلمان اغلب زبان رسمی این کشور آموزش داده می شود

سخنگوی وزارت کشور آلمان ادامه داد: مهاجران موظف هستند در این کلاسها شرکت کنند و ما در حال حاضر هم اقدامات تنبیهی برای عدم حضور در این کلاسها داریم اما در لایحه جدید برخورد با این افراد تشدید شده است که از جمله آنها می توان به اخذ جریمه های نقدی اشاره کرد

در حال حاضر در آلمان با حدود ۸۲/۵ میلیون نفر جمعیت، حدود ۷/۵ میلیون نفر اتباع خارجی زندگی می کنند و در سالهای اخیر روند مهاجرت و حتی تقاضای اخذ پناهندگی از این کشور بشدت کاهش یافته است

PERSIAN TRADITION

GESCHMACKVOLLE WEINE & VODKA NACH PERSISCHER TRADITION

قابل توجه کلیه رستورانها و فروشگاههای سراسر اروپا سفارشات شما را در کمترین مدت در محل به شما تحویل می دهیم



KHAYYAM



HAFEZ
SHIRAZ IMPERIAL



VODKA PAKDIS



KHAYYAM
ROYAL SHIRAZ



HAFEZ

Deutschlandvertretung:
Fon: 0049 (0)611 7164352

www.france-weine.com info@france-weine.com

گفت و گو با پروین سلیمانی بازیگر سینما در مرز ۸۰ سالگی

عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد



هم چند بار برایم می خوانند و من خیلی زود آن را حفظ می کنم. البته بعضی ها شایعه کرده اند که من بینایی ام را از دست داده ام در صورتی که الحمدلله هنوز به آن حد نرسیده ام خیلی دوست دارم بدانم با این ۵۸ سال سابقه هنری از راهی که رفته اید راضی هستید یا نه؟

راهی که من رفته ام راه زندگی نیست راه عشق است. هنر عشق وجود من بوده است. واقعا اگر هنر و بازیگری عشق من نبود فکر می کنید حالا در دو اتاق مستأجری زندگی می کردم؟ حالا هم که می بینید با شما درد دل می کنم به خاطر این است که چاره یی ندارم. واقعا من چگونه می توانم ۳ میلیون تومان پول ودیعه تهیه کنم؟ من می توانستم بهترین زندگی را انتخاب کنم اما چنین نکردم

خانم سلیمانی، آیا در طول این سال ها نقشی بازی کرده اید که به زندگی امروز شما شبیه باشد؟

بله. نقش ننه غلوم در فیلم خاک و زن همسایه سید در فیلم گوزنها و خیلی از نقش های دیگر که یادم نیست

اگر کسی شما را در خیابان ببیند و تقاضا کند او را هنرپیشه کنید، با توجه به شرایط زندگی خودتان به عنوان یک بازیگر به او چه می گوید؟

بارها شده چنین تقاضایی از طرف مردم داشته ام. در این موقعیت همواره به آنها گفته ام فکر نکنید بازیگر شدن خیلی آسان است. به معروفیت و مشهوریت این کار نگاه نکنید بلکه باید آنقدر توانایی داشته باشید که کار شما به عنوان یادگاری باقی بماند. من خوشحالم که آثارم به یادگار می ماندند. ۵۰ سال بعد می بینند که یک بازیگر با فقر اما نجیب و پاک زندگی کرده است

از همکاران چه، آنها به شما سر می زنند یا کمکی به شما می کنند؟

نه. فقط با بعضی از هم نسلان خود مثل خاتم نادره، ودادیان، مهری نیا، هوشمند و رنجبر تماس تلفنی دارم و از حال هم باخبر می شوم. از آنها نمونه که گاهی یاد من هستند اما از بعضی

بینایی شده است که البته الآن دیگر نمی توانم آن را مداوا کنم

در حال حاضر چشمان شما قادر به دیدن هستند؟

بله. اما تا اندازه یی می توانم ببینم با این حال به کارم ادامه می دهم و در کارهای سینمایی و تلویزیونی بازی می کنم

برای رفع مشکلات درمانی و معیشتی خود تا به حال چه کرده اید؟

به خیلی جاها نامه و پیام فرستاده ام. به مسوولان زیادی نامه نوشتم اما هیچکدام از نامه هایم در تغییر مشکلات تأثیری نداشتند

خانم سلیمانی آنطور که از وضع خانه و اثاثیه زندگی تان پیداست ظاهرا مستأجر هستید و حالا هم قصد اسباب کشی دارید؟

بله. متأسفانه بعد از ۵۸ سال فعالیت در زمینه تئاتر و سینما و تلویزیون هنوز مستأجر هستم

البته دستمزد بازیگران مکمل خیلی بالا نیست، اما امکان دارد بفرمایید دستمزد شما چقدر است؟

بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان و حداکثر ۵۰۰ هزار تومان برای هر سریال و هر فیلم سینمایی حداکثر ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان آن هم اگر پرداخت کنند

بفرمایید آیا تحت تکفل کسی نیستید یا بطور مثال مستمیری نمی گیرید؟

نه. همسرم سال هاست فوت شده است فرزند چه؟

دخترم بسیار از من دور است اما از میان دو پسرانم یکی بیماری قلبی دارد و دیگری که حسین فرهادپور رهبر ارکستر تلویزیون و عضو شورای موسیقی شهرستان هاست خودش مستأجر است و بخشی از درآمدش هم صرف نگهداری از دختر عقب مانده ۲۶ ساله اش می شود. اصلا از او بنویسید که با این دختر مجبور است سالی یک مرتبه جا عوض کند. او هنرمندی است که سال ها سابقه کار دارد خانم سلیمانی آیا عضو خانه سینما یا انجمن بازیگران هستید؟

بله آیا کمکی از طرف آنها دریافت کرده اید؟

نه. هیچ کمکی به من نکرده اند حالا با این مشکلی که برایتان پیش آمده قادر به بازی کردن هستید؟

من الآن در حال بازی در فیلم زائر به کارگردانی خاتم برومند هستم و ایشان هم از کار من راضی است و می گوید چرا کارگردان های دیگر از تو استفاده نمی کنند

برایتان سخت نیست، می توانید فیلمنامه را حفظ کنید؟

به هر حال مراعات حال مرا می کنند. متن را

حرف های او آنقدر تلخ و متأثرکننده بود که برآن شدیم از نزدیک پای حرف هایش بنشینیم. یک ساعت بعد در منزل او بودیم. به گرمی ما را پذیرفت و در میان اسباب و اثاثیه روی هم ریخته اش جایی برای نشستن مهیا کرد. ظاهر خانه نشان می داد قصد اسباب کشی دارد اما حرف هایش حکایت قصه دیگری بود. چشمان ضعیف، پاهای خسته و موهای سفیدش که ره آورد ۸۰ سال زندگی و ۵۸ سال تلاش هنری است برای ما جذابتر از خانه به هم ریخته و قلاب عکس های قدیمی خاک گرفته بود. پروین سلیمانی فارغ التحصیل اولین هنرستان هنرپیشگی با وجود مخالفت خانواده از ۲۱ سالگی وارد رادیو شد و پس از آن وارد سینما شده و در طول این سال ها همواره یکی از بازیگران ثابت سینمای قبل و بعد از انقلاب بوده است

خودش می گوید چیزی حدود ۱۷۰ فیلم و سریال بازی کرده است اما وقتی از وی می خواهیم آنها را نام ببرید بیش از ۱۱۰ اثر را به یاد نمی آورد

تماشاگران حرفه یی سینما بازی های به یادماندنی او را در فیلم های رگبار، گوزنها، شازده احتجاب، ذبیح، دایی جان ناپلئون، دیگه چه خبر، آن سوی آتش، هنرپیشه و سلطان به یاد می آورند گرچه تماشاگران دیگر او را با کاراکتر ظاهره خانم سریال میهمان به یاد دارند. با همه مشکلات جسمی و درگیری های ذهنی اش مشغول کار است و از آن جمله می توان به آخرین کارهایش سریال تفنگ سرپر و فیلم سینمایی غزل و زائر اشاره برد

در این میان گذشته به یادش آمد از جوانی گفت و بر این نکته تأکید کرد که هنر عشق من است و به گریه افتاد

به عنوان یک هنرمند با سابقه در سن ۸۰ سالگی با چه مشکلاتی مواجه هستید و از چه مسائلی رنج می برید؟

مشکلات زیادی دارم. یکی از این مشکلات ناراحتی ها و بیماری هایی است که در طول کار برایم پیش می آید و از آنجا که تنها منبع درآمد بازیگری است بنابراین با هرگونه عوارض جسمی بیکار می شوم و نمی دانم چگونه باید هزینه های زندگی ام را تأمین کنم. در سال ۷۰ سر صحنه فیلم دو نیمه سبب دچار عارضه قلبی شدم و مدتی در بیمارستان بستری بودم. اما بعد از سلامتی باز هم مشکلات همچنان ادامه داشت. سال گذشته سر صحنه سریال گل من گلی به خاطر زمین خوردن دچار تورم سرشده و بزودی خوب شدم اما چند ماه بعد چشمم روبه ضعف گذاشت و پزشکان گفتند به خاطر همان ضربه مویرگ های چشمم پاره شده اند و خونردگی باعث ضعف

یاسمین طباطبایی در نقش همدست یک دلال اسلحه



در نقشی «منفی» ظاهر می‌شود. او پیش از آن در فیلم‌های راهزنان و چهار دقیقه (کارگردان: کریس کراوز) نیز به عنوان «زندانی مزاحم» ظاهر شده بود. طباطبایی در فیلم راهزنان نه تنها خود را به مثابه هنرپیشه‌ای با استعداد، بلکه به عنوان خواننده و آهنگ سازی برجسته نیز به ثبوت رساند. زیرا موسیقی و ترانه‌های این فیلم را که برای کارگردانش کاتیا فون گارنیر، شهرتی جهانی به ارمغان آورد، او ساخته بود. طباطبایی در این «فیلم جاده ای» همراه کاتیا ریمن، هنرپیشه معروف آلمانی هنرنمایی می‌کند و با بازی درخشان و ترانه‌هایی که در زمانی کوتاه در صدر جدول «بهترین آهنگ های روز» آلمان قرار گرفتند. جایزه‌ی «صفحه طلایی» اروپای سال ۱۹۹۷ را نیز به خود اختصاص داد. هنوز هم این ترانه‌ها از کانال‌های متعدد رادیوهای آلمان پخش می‌شوند در فیلم چهار دقیقه طباطبایی در نقشی جنبی و تنها در چند صحنه ظاهر می‌شود. با این حال نقشش در حاد کردن درگیری‌های قهرمان فیلم و پیش بردن جریان داستان تاثیر بسزایی دارد

یکی از فیلم‌های جنجالی‌ای که طباطبایی در آن بازی کرده، فیلم (کارگردان: هلموت دیتل) است. در این فیلم طباطبایی، نقش زن جاه‌طلبی را بازی می‌کند که تشنه‌ی قدرت است و برای دستیابی به آن تن به هر کاری می‌دهد. حتی لیسیدن کفش رئیسش! طباطبایی این صحنه را چنان ماهرانه بازی می‌کند که تحسین اغلب منتقدین را در نقدهایی که بر این فیلم نوشته‌اند، برمی‌انگیزد: وقتی این زن بانفوذ خقی‌ر شده کمر راست می‌کند، انگار که دیگر فاقد جسم است و وجودش تنها از یک حس قوی که آن را با نگاه منتقل می‌کند، سرشار است: نفرت مطلق

رسالتی آهنگین و خطر انتقاد

نگاه در ترانه‌ها و آهنگ‌هایی که طباطبایی می‌سراید و اجرا می‌کند، نیز نقش برجسته‌ای دارد. از جمله در آلبوم فقط عشق که در ماه مارس به صورت سی دی در آلمان به بازار آمد. از کارهای تازه‌ی او هم چنین تدوین موسیقی فیلم کوتاه «پاره‌های قلبم» به کارگردانی پتر شتاوخ است که در آن نقش اول را نیز بازی می‌کند. با این که طباطبایی می‌گوید «هنرپیشگی، زندگی، حرفه و رسالت من است»، در حال حاضر بیشتر در صحنه موزیک فعالیت است

بازی در سریال «آن روز فرا خواهد رسید»، هرچند از جمله کارهای «جنبی» طباطبایی به حساب می‌آید. ولی ممکنست پی آمدهای «اصلی‌ای» با خود به همراه بیاورد. از جمله این که به خاطر بازی در نقش «آدم کشی» که به تروریست‌ها کمک می‌کند، از سوی هم‌وطنان درون و برومرزی مورد انتقاد شدید

– تلویزیونی بنا نهاده شده است: ویژگی اول این که چند ماجرا به گونه‌ای هم‌زمان رخ می‌کنند. بدون آنکه در پایان هر بخش به سرانجام برسند. دوم اینکه فرو-و-فرارفت‌های هیجان انگیز و پر کشش آن در محدوده‌ی زمانی ۲۷۰ دقیقه تنظیم شده‌اند. نه ۹۰ دقیقه. این تنها ساختار فیلم نیست که از چارچوب نرم‌های عادی فراتر می‌رود. داستان آن نیز پر از حوادث و عناصر غیرعادی است: در فرودگاه شپیل آمستردام مردی که جنون دزدی دارد، تصادفا چمدانی را به سرقت می‌برد که در آن فشنگ جدیدی پنهان است. این فشنگ که بدون فلز ساخته شده، درست مثل یک فشنگ عادی عمل می‌کند. بلافاصله ماموران سازمان امنیتی و پلیس جنایی آلمان (از طرف این یکی: روزا روت) در محل حاضر می‌شوند. معما این است که آیا اسلحه‌ای هم برای این نوع فشنگ وجود دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، تمام اقدامات پیشگیرانه‌ی پلیس برای مبارزه با تروریست‌های اسلامی که دائم در صددند به چنین اسلحه‌هایی دست یابند، نقش بر آب است. در این میان ناگهان منشی روزا روت ربوده می‌شود و یکی از مجرمینی که روت چند سال پیش دستگیر کرده و محکوم شده‌بوده، از زندان می‌گریزد

هم زمان با این حادثه ناگوار که به «بیکار شدن روزا روت» می‌انجامد. واسطه‌های اهل ترکیه با دلال اسلحه‌ی هلندی، (ماربو آدورف) وارد مذاکره می‌شوند تا اسلحه‌ی جدید را برای تروریست‌های اسلامی بخرند. یاسمین طباطبایی در نقش «آدم کشی خونسرد» جاده را برای دلال هلندی صاف می‌کند

نقش منفی و لیسیدن کفش

این اولین باری نیست که یاسمین طباطبایی،

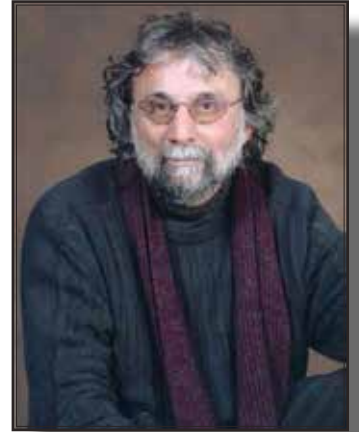
از فیلمسازان گله دارم که در جوانی در فیلمی از فیلم های آنها بازی کرده ام اما الآن حتی يك تماس تلفنی هم با من ندارند آیا این معنی سینماست؟ پس اخلاق هنری چه می‌شود؟ یاسمین طباطبایی، هنرپیشه ایرانی تبار مقیم آلمان برای اولین بار در سریالی تلویزیونی ظاهر می‌شود. در این فیلم که از کانال دوم سیمای آلمان پخش می‌شود، او همدست یک دلال اسلحه‌ی اهل هلند است

راه‌یافتن به تلویزیون برای هنرپیشه‌های سینما در آلمان، کار چندان ساده‌ای نیست. مشکل‌تر از آن دست‌یافتن به نقشی در یکی از سریال‌های پریننده‌ی آن است. هنرپیشه ۳۹ ساله ایرانی تبار مقیم آلمان، یاسمین طباطبایی از این هفت خوان عبور کرده‌است و در کنار هنرپیشه‌ی پر آوازه‌ی آلمانی، ایریس برین در فیلم تلویزیونی «آن روز فرا خواهد رسید» نقش بازی می‌کند. ایریس برین در این فیلم مثل همیشه در نقش سر کارآگاه پلیس جنایی با نام «روزا روت» ظاهر می‌شود. این فیلم تلویزیونی سه بخشی که از روی سریال معروف آمریکایی «۲۴» الگوبرداری شده، به مناسبت ده سالگی سریال جنایی «روزا روت» برنامه ریزی و از سوی کانال دوم سیمای آلمان تهیه شده است. هنرپیشه ایرانی، شهره آغداشلو در چند قسمت از سریال تلویزیونی «۲۴» در نقش مادر تروریستی اسلامی ظاهر می‌شود. یاسمین طباطبایی در فیلم تلویزیونی «آن روز فرا خواهد رسید» که از کانال دوم پخش می‌شود، همدست یک دلال اسلحه‌ی اهل هلند است و بدون آن که خم به ابرو بیاورد، مثل آب خوردن آدم می‌کشد

فشنگ غیرعادی

ساختار فیلم سه بخشی «آن روز فرا خواهد رسید» بر پایه نوع جدیدی از فیلم‌های جنایی

حجاب زن سند نجابت اوست



بصیر نصیبی

جزء روال کن و سهمیه ما شده:

توجه می کنید که گلمکانی خیلی صریح اعلام می کند که جمهوری اسلامی در کن سهمیه داشته است این همان واقعیتی است که ما سالها فریاد می زدیم اما متهم به سیاه بینی می شدیم

در حاشیه بگویم این فقط کن نیست که برای ج. اسلامی سهمیه در نظر می گیرد. بلکه اکثر جشنواره ها آلوده به مقاصد سیاسی بوده اند هستند. خوب معلوم است رژیم هم به جریان ها و افراد نسبت به بهره ای که می برد باج می دهد. کن با سیاست دولت فرانسه خودش را بیشتر همگام می کند و جواب خوش رقصی اش را هم خواهد گرفت. همچنین رژیم ادعا می کند که به مایکل مورهم بابت همدلی اش هدیه (باج) داده است اما فقط یک قطعه فرش زیبا (!) سهم او بوده است. خبر مربوط به این ادعا روی سایت حکومتی انتخاب جلب نظر می کرد و بدنیست برایتان بازگوش کنم. انتخاب از قول مایکل مور در شماره ۹ فروردین ۸۶ خود چنین نقل می کند

با این که خیلی دوست ... دارم ایران را ببینم. اما تا به حال نتوانستم به ایران بیایم. گرچه به خاطر فیلم «بولینگ برای کلمباین» یک قطعه فرش زیبا از سوی «فستیوال فجر» برایم ارسال شده که در مقابل درب داخلی منزلم انداخته ام. هر کسی هم به خانه ام می آید از زیبایی این فرش تعریف و تمجید می کند و البته به او می گویم. این فرش حاصل دسترغ مردمانی است که به گفته ی یک احمق روانی. این روزها جزء کشورهای محور شرارت است

البته بعید است مایکل مور تا این حد نسبت به سیاست های جهان سرمایه داری بی اطلاع باشد و ساده لوحانه مسائل سیاسی را ارزیابی کند و با پذیرش

باجی در حد یک قطعه فرش به مبلغ سیاسی فاشیست های اسلامی بدل شود. (بهر حال باید درستی و یا نادرستی این خبر تحقیق شود*) اما آنچه که واقعیت است شیوه های متفاوت باج دهی رژیم برای یار گیری و کسب وجهه جهانی است بر گردیم به نقل حرفهای گلمکانی! وی در جای دیگر همان مقاله می نویسد

بعضی از آنها که می گویند... «دارم يك فیلم می سازم - یا ساخته ام - برای کن.» گویی کن نام يك سینما یا کانال تلویزیونی یا يك پخش کننده است (یعنی میزان حاتم بخشی کن به حدی گسترش یافته بود که هر کس کلید دوربین را می زد. برای کن (!) فیلم می ساخت

وقتی سینماگران سینمای گلخانه ای در کن ۲۰۰۶ نخستین ضربه ی کاری را نوش جان کردند. هنوز باورشان نمی شد و شروع کردند به اعتراض که به چه حقی به سینمای انسانی ج.ا. این نا انسانها بی اعتنائی کرده اند؟! واسطه هایی مثل محمد حقیقت به یادشان آوردند که اعتراض های شما اگر گسترش بیابد خود این معنا را رشد می دهد که زد و بند در کار بوده است وگرنه هیچ کشوری به نپذیرفتن فیلمهایش در جشنواره ها اعتراض نمی کند. بله این دلال ها وکارچاق کن های سینمایی بودند که سینماگران را وادار کردند که ساکت بنشینند و دم بر نیاورند. فقط دعا کنند که ارتباط بین غرب فاسد و ج. اسلامی پاک و سالم. حسنه شود تا آنها بار دیگر بشوند فیلمساز مترقی (!) سهمشان را بگیرند. و باز هم ادعا کنند که در دنیا حرف اول را می زنند. این چنین بود که فیلمسازان گلخانه ای به امید رفع کدورت روزگار می گذراندند. اما یک نقطه امید دیگر داشتند. یادتان هست که سال قبل آقای کاسلیک مدیرجشنواره برلین را وزیر ارشاد آقای احمدی نژاد به

جشنواره فجر فراخوانده بود و آقای کاسلیک هم خیلی صریح وروش و بی رودربایستی اعلام داشت که موزه سینمایی شما یک خرس خوشگل و تو دل برو کم دارد و بعد هم برگشت به برلین و به قولش وفا کرد. علاوه بر اینکه خرس بیچاره را به اسارت جمهوری اسلامی فرستاد. ۶ فیلم دیگر را هم چنان توی فستیوال ویک هواپیمای در بست هم احمدک فرستاد برای پوشش خبری این موفقیت از پیش تضمین شده. فیلمسازان خیالشان راحت بود که درجشنواره برلین ۲۰۰۷ تا حدودی شکست کن جبران خواهد شد. اما دومین ضربه را همان آقای کاسلیک بی چشم و رو* به اینها وارد آورد. این جشنواره هم به مانند جشنواره کن تمام فیلمهای جمهوری اسلامی را بدون حتی یک استثنا برگشت داد

رژیم دیگر صدایش در نیامد. فقط خاتم نیکی کریمی را کشف حجاب کردند و با شکل و شمایل غرب پسند به فستیوال برلین صادر (!) کردند و در مطبو عاتشان هم در خبرهایی که یکنواخت تنظیم شده بود. خاتم کریمی را سهم سینمای ج. اسلامی در جشنواره برلین دانستند. به تعبیری یک خاتم بازیگر را به فیلم مبدل کردند (!) البته آقای کاسلیک خواسته بود با نشان دادن ایشان کنار داوران در یکی از بخش های فرعی. راه باریکه ای را گشوده نگه دارند تا وقتی مشکلات اتمی حل و فصل شد. بتوانند باردیگر سینمای جمهوری اسلامی را افتخار آمیز بنمایانند بی آنکه تغییر موضعشان زیاد تو چشم بخورد

خیمه شب بازی اتمی کش داده... شد و یک سال دیگر هم گذشت و کن شصتمین سال تولدش را در می ۲۰۰۷ برگزار می کند. آخ چه حیف شد (!) اگر رابطه حسنه بود. جشنواره کن چه افتخاری می کرد که سینمای جمهوری اسلامی شصتمین دوره کن را اعتبار می دهد. اما نه. امسال هم همه فیلمهای انسانی/شاعرانه

سال گذشته در پنجاه ونهمین دوره جشنواره فیلم کن. ج. اسلامی بر اساس روال همیشگی وقرار و مدار نا نوشته. یک بسته حاوی اکثر فیلمهای بزرگی (۴۰ فیلم) را به جشنواره کن فرستاد. تا آقای ژیل ژاکوب یکی دو فیلم را بگذارد در بخش مسابقه و چند فیلم را هم بچپاند در بخش های دیگر مثل دوربین طلایی. دو هفته کارگردانان و... و در نهایت با دریافت نخل و دیپلم و تشویق و با راه انداختن هیاهوی بسیار برای هیچ. فیلمسازان حکومتی شاد و شنگول به دامن ج. اسلامی برگردند و همچنان ادعا کنند که در پناه حکومت ولایت فقیه و بر اساس نظریه عباس کیارستمی به برکت اعمال سانسور. فشار. تهدید و تحقیر سینمای جمهوری اسلامی به قله رفیع افتخار راه یافته است. اینها گویا خودشان هم به این توهم دچار شده بودند که این امتیاز ها واقعا برای فیلم های آنهاست و آقای ژیل ژاکوب که سالی حدود ۲۰۰۰ فیلم را که از سراسر دنیا برای کن می رسد بازبینی می کند. فیلمهای ارسالی ج.ا. را برتر از همه فیلمهای دنیا میدان و شایسته فیلمهای صادراتی است یا عاشق چشم و آبروی فیلمسازان حکومتی. در باره نحوه شرکت فیلمهای جمهوری اسلامی در کن بهتر است بخشی از مقاله ی آقای هوشنگ گلمکانی سردبیر ماهنامه مشهور سینمایی فیلم (چاپ ایران) را نقل کنیم. وی در روزنامه شرق نوشت

همه چیز از وقتی شروع شد که به نظر رسید حضور حداقل يك فیلم و گاهی چند فیلم ایرانی

که بعد از ۲۷ سال هنوز قادر نبوده فرامین ارجائیش را به شیوه همزادش طالبان به آنان تحمیل کنند و بدین جهت کینه عمیقی به دل دارد و هر چندگاه یکبار به بهانه ای آزارشان می دهد. رژیم قبل از شروع برنامه های حمله اخیر به زنان بارها از طریق صدا و سیما پیش آنان را تهدید کرده بود که دست به مقابله با زنان خاطی خواهد زد. بازداشت هزاران نفر (۱۵۰ هزار نفر) در این چند روز نشان می دهد که زنان از تهدید های حکومت نهراسیده اند. باید حتم داشت اینبار هم به گونه ۲۷ سال گذشته مالاها در برابر اراده زنان شکست مفتضحانه ای خواهند خورد. باشد که مقابله شجاعانه زنان به حرکت های مهم معلمان، دانشجویان، کارگران، و دیگر مردم درد کشیده سراسر ایران گره بخورد. تنها راه نجات مردم ما سقوط حکومت خونخوار و قرون وسطی ای جمهوری اسلامی است و بس

شایدسته است کانون* سینماگران در تبعید که میخواید فعالیتش را بار دیگر آغاز کند در نامه ای به مایکل مور این ادعای روزی نامه انتخاب را با وی در میان بگذارد

در فاصله برگزاری جشنواره* فجر که کاسلیک مدیر جشنواره برلین و رز عیسی دلال ایرانی/ انگلیسی چند مدیر دیگر جشنواره ها میهمانش بودند و برگزاری جشنواره فیلم برلین این خبر در مطبوعات حکومتی درج شد

در جشنواره فجر امسال (دوسال...) پیش از رقم هنگفتی که به این جشنواره اختصاص داده شده بود مبلغ ۱۸ میلیارد تومان (حدوداً ۱۰ میلیون پوند) گم شده است. همچنین شنیده شده دو اطلاق در وزارت ارشاد تا روشن شدن ابعاد این قضیه پلمپ شده و دو تن از کارکنان وزارت ارشاد که ساکنان این اتاقها و از مظنونین هستند در بازداشت به سر می برند. این در حالی است که وزارت ارشاد تا روشن شدن قضیه و پیدا شدن افراد خاطی از دادن هر گونه اخباری در این زمینه به خبرنگاران خودداری می کند... (البته بعد از گذشت دوسال هنوز فرد خاطی!



مستولین وزارت ارشادپادوی رهبر) احمدی نژاد) زنان نا نجیب را زیر عنوان خواننده. مدافع حقوق بشر و محقق و سینماگر به فستیوال ها و مجامع غرب فاسدارسال می کنند

مگر نمایندگان محترم مسجد اسلامی (!) نمی خواهند دولت با بهره گیری از توان هنری- جلو زنان فاسد را بگیرد؟ پس چرا سفیران هنری حکومت مجاز هستند ارزش های اسلامی را پایمال کنند؟ در محافل فاسدهنری نظیر فستیوال های فیلم شرکت کنند و در میهمانیهای فستیوالی که انواع امکانات لهو و لعب و اشربه الکلی فراهم است. حضور یابند و بدون هیچ عارضه ای به ام القربا برگردند؟ اگر زنان گرفتار شده عکسی از پوششش همین خاتم در جشنواره هارا همراه داشته باشند واز ماموران بپرسند که چطور می شود در محافل خارج از کشور به نمایندگی ج. اسلامی با این شکل و شمایل ظاهر شد اما در داخل ایران با پوشششی به مراتب بسته تر از این خاتم می گوئید مظاهر فساد و تباهی؟ فکر می کنید چه جوابی دریافت خواهند داشت؟ شلاق وارسال پرونده به مراجع قضایی

این رژیم خود از درون فاسد و آلوده است و یک مشت دزد و قاتل و تروریست و شارلاتان زیر عنوان جمهوری اسلامی جامعه را به فساد و آلودگی و اعتیاد کشانده اند و حالا ادعا دارند این زنان بوده اند که تباهی را در جامعه گسترش داده اند. اما دلیل اصلی خشم رژیم از زنان ایران اینست

یشان به فرامین پوسیده و ارجاعی توجّهتان می دهم همانطور که مستحضر) می باشد مفساد اجتماعی و ناامنی های اخلاقی و مظاهر فساد و تباهی در تعارض بنیادین بانظام مردم سالاری دینی و فرهنگ ارزشی و جامعه پراقتدار اسلامی است که از دیر زمان توسط ام الفساد غرب امریکا و صهیونیسم بین الملل با بهره گیری از توان فنی، مالی و هنری در همه همه جانبه و بی امان علیه نسل جامعه در جریان است. و اضافه می شود. پدیده استعماری بی حجابی و مظاهر فساد و تباهی و مواد اهریمنی افیونی سلامت جامعه را به خطر انداخته که بر همه خاصه مسولان نظام است که در صیانت از ارزشها مساعی لازم را معمول دارند... جدا شده از نامه نمایندگان به احمدی نژاد

مگر خاتم نیکی کریمی با اجازه و همکاری و خواست مقامات سینمایی شبه دولت احمدی نژاد زیر عنوان نماینده سینمای ج. اسلامی در جشنواره برلین شرکت نکردند و قرار نیست به کن هم بروند؟ چطور اگر زنان و دختران جوان ایران کمی موی سرشان دیده شود. مظهر فساد و تباهی توسط ام الفساد غرب و امریکا و صهیونیسم معرفی می شوند. اما این خاتم بدون حجاب با آرایش کامل و گوشواره های چشم نواز، نماینده رسمی جمهوری اسلامی در جشنواره های فیلم است ؟ وقتی از دیدگاه رژیم. حجاب سندنجاب است. پس با معیار های ابلهانه خود آوندها.

در بست و بدون رویت باز گردانده می شود. تا کنون مطبوعات ج. اسلامی واکنشی نشان نداده اند. اما خبر رادیو فردا در مورد برنامه های امسال کن طوری تنظیم شده بود که در وهله اول خواننده تصور می کند امسال هم سینمای ج. اسلامی در مسابقه حضور دارد. اما اصل قضیه از این قرار است که امسال یک فیلم از مرجان ساتراپی با عنوان پرسپولیس که یک انیمیشن / کمیک استریپ است. برای مسابقه پذیرفته شده که هیچ ربطی به محصولات صادراتی جمهوری اسلامی ندارد (این فیلم محصول فرانسه است. مرجان ساتراپی بطور مشترک با ونسان پارانو ساخته است.) جمهوری اسلامی هم تا حالا در باره این فیلم سکوت کرده است اما با توجه به مصاحبه خاتم ساتراپی که ایران تحت تسلط ج.ا را مشابه رژیم شبلی بعد از کودتای پینوشه می داند. به نظر نمی رسد که رژیم از این فیلم دل خوشی داشته باشد. البته قضاوت نهایی در باره فیلم پرسپولیس میماند برای زمانی که فیلم در جشنواره نمایش داده شود

اگر برلیناله به گونه کن. فیلمهای جمهوری اسلامی را پس زد. کن هم به مانند برلیناله سهم جمهوری اسلامی را به پذیرش نیکی کریمی برای داوری یکی از بخش های فرعی محدود کرده است. انگار دنیا بد جوری با کمبود (!) سینما شناس برجسته (!) مواجه شده. چرا که ژیل ژاکوب هم ناچار (!) است نیکی خاتم را به کرسی قضاوت فیلم بنشانند

اما نیکی خاتم با توجه به رفتار وحشیانه ای که این روزها رژیم با زنان بد حجاب (!) در پیش گرفته است. با چه پوشششی در کن حاضر می شود؟ با مقنعه. با چادر. یا با شکل و شمایلی ضد فرهنگ ارزشی (!) یعنی همانگونه که در جشنواره برلین روی صحنه رفت.؟؟؟

مگر بد حجابی در جمهوری اسلامی. بی بند وباری و فساد معنا نمی دهد؟ به نامه نمایندگان مسجد اسلامی. به مینی هیتلر در حمایت از ضرب و شتم و زندان و آزار واذیت زنان به جرم بی اعتنائی



همکارمان سارا عباسی از پاریس

عشق در زندگی خطری است که باید آن را بپذیرید

اگر خواهان عشق هستید باید مایل باشید که خطر را هم بپذیرید و نیز باز بودن : معصوم دیدن دیگران و اینکه خودتان را به طرزی متفاوت از همیشه ببینید

انتظارات و توقعات بی جا: اخلاق منفی است که عده ای آنها را برای مسلط بودن به خطر استفاده می کنند

وقتی که شما زیاده از حد توقع دارید مثل این است که شما یک چشم بند به چشمان خود ببندید و زندگی را محدود کنید و نمی خواهید خارج از محدوده دید خودتان را بررسی کنید در نتیجه دنیا برای شما خسته کننده و باعث افسردگی روح می شود خوب اگر می خواهید واقعا این چشم بندها را از جلو چشمان خود بردارید باید اول قبول کنید که شما این چشم بند را دارید و خودتان را گول نزنید و فکر کنید همه چیز را در مورد خود می دانید و خود را خوب می شناسید چون همین افکار مانع بزرگی بر سر راه عشق خواهد بود

پس بدانید که همین مایل بودن و ابراز تمایل است که به شما امکان می دهد از درون خود بیرون بیایید و وارد عمل شوید

برای رسیدن به عشق باید تسلیم ناشناخته ها شوید و بدانید که میل شما به داشتن روابط متعادل در واقع نشان دهنده علاقه شما به داشتن اختیار و اجتناب از خطر است

باید از کنار تمامی نقطه نظرها بماند که عشق باید این باشد و یا آن: بگذرید و عشق را به همان شکلی که هست بپذیرید

بله! گذشتن و تسلیم شدن سخت است چه کسی داوطلب می شود که بدون چتر نجات از هواپیما بیرون برود؟ گاهی اوقات تسلیم شدن چنین احساسی را طلب می کند و تسلیم شدن یعنی کنار گذاشتن دستور کار شخصی و دست کشیدن از آنچه فکر می کنید باید اتفاق بیافتد تا آنچه را به واقع دارد اتفاق می افتد تجربه کنید

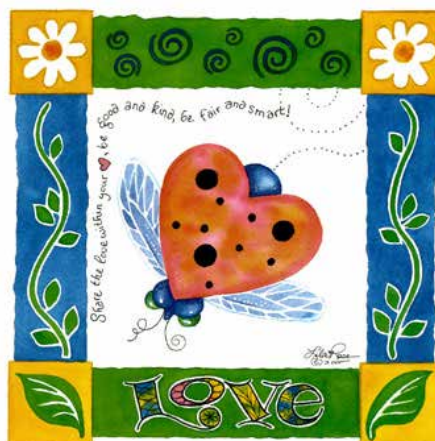
تغییر شغل دادن: رفتن به شهر دیگر و یا از دست دادن یک رابطه چیزهایی هستند که ما در دوران بلوغ آن را تجربه می کنیم

البته با وجود اینکه از آن استقبال می کنیم ولی ترس و خطر که ضمیمه این شرایط هست وجود دارد با این حال عاقبت تسلیم شرایط جدید می شویم چه بخواهیم و چه نخواهیم تغییر را می پذیریم.

اگر غیر از این باشد رنجش و دلخوری در ما رشد می کند و روی تصمیمات تاثیر خواهد داشت و ترس نمایان می شود البته دوست داشتن یک عمل و اقدام است و تنها راه کنترل عشق باز بستگی به خود شما دارد

باید دنیا را از دریچه عشق نگاه کنید و همه روزه سرشار از عشق باشید و با خود شاد و خوشبخت باشید و عشق را تعهد و نیت خود قرار دهید و به این صورت عشق را کنترل : دریافت و ابراز می کنید

البته این را بدانید که در انبار چیزهایی به مراتب بیش از آنچه تصور می کنیم انتظارات را می کشد ولی بهتر است از کم و کیف آنها مطلع شوید



بیانید جنبه های مثبت دیگران را ببینید به جای خسیس بودن : سخاوتمند باشید به جای تردید : باور داشته باشید به جای سوال قرار دادن انگیزه دیگران به آنها اعتماد کنید به جای مواظب بودن مهربان باشید و به جای نه گفتن بله بگوئید عاشق عاشقی باشید و دوست داشتن را دوست بدارید از تنفر متنفر باشید و به مهربانی مهر بورزید با آشتی آشتی کنید و از جدایی جدا باشید

تاثیرات عشق و ترس در زندگی

ترس می گوید که شما خود حقیقی تان را پنهان کنید عشق می گوید بپا خیزید و بدرخشید و حرکت داشته باشید

ترس کمال طلب می کند و عشق به رغم ظاهرش بی کم و کاست است ترس می گوید درست گفتن و درست بودن راه ماندن در موضع امن هست اما عشق می داند که امن و ایمن یک توهم است ترس به محدودیتهای شما اشاره می کند و

عشق به عظمت شما ترس زیاده خواهی می کند عشق می داند که همیشه کافی است ترس می پندارد که رنج و درد نقطه ضعف است اما عشق درد و رنج را شروع جدید می داند ترس دنبال تضمین می گردد اما عشق تضمینی نمی خواهد ترس به شما می گوید از خودت حراست کن و عشق می گوید که آسیب پذیر باش ترس می خواهد از چرایش با خبر شود عشق می خواهد چگونگی را بداند ترس می خواهد که محبوس و محدود کند عشق می خواهد که دست بردارد و آزاد کند ترس می خواهد که صبر کنید عشق می خواهد که تسلیم شوید ترس می خواهد که خواستنی باشید عشق می داند که همانطور هستید ترس دوری می کند عشق می پذیرد ترس می گوید که از خود گذشتگی کن عشق می گوید که این یک هدیه است بنابر این شما کدام یک را انتخاب می کنید؟ ترس یا عشق؟

فروشگاه اسکان

خوایار، زولبیا بامیه: شیرینی های متنوع: نان لواش : میوه فصل: بستنی و فالوده انواع خشکبار و آجیل سبزیجات خشک مرباجات و انواع ترشی

**ESKAN
EPICERIE FINE**

62, BIS RUE DES
ENTREPRENEURS
75015-PARIS

METRO: CHARLES MICHEL

**TEL:
0145770616**

مروری بر کارهای هنری هنرمندان فرانسوی

علی عباسی



در سال ۱۹۸۷ با روزالی آشنا میشود و در یک کلیپ ویدیویی که هم میخواند و هم بازی می کند

در برنامه COMME AV CINEMA

و به زودی روزالی را خانم دلون صدا می کردند در سال ۱۹۹۹ آلن دلون ملیت سوئیس را می گیرد

در سال ۲۰۰۱ یک فیلم پلیسی به نام کمیسر فابیو مونتاگرا در ماریسی بازی می کند

در سال ۲۰۰۲ روزالی و آلن تصمیم می گیرند تا ۱۵ سالگی فرزندانیشان هر کدام سرپرستی آنها را بعهده بگیرند و جدا از هم زندگی کنند در سال ۲۰۰۳ در بیش از ۱۰ برنامه تلویزیونی در کانالهای تلویزیونی فرانسه ظاهر میشوند و مدیریت جشنواره سزار فرانسه را بعهده می گیرند

در ژوئن ۲۰۰۳ یک سری از کلکسیون فیلمهایش به صورت دی وی دی به بازار می آید در اکتبر ۲۰۰۳ کلودیا کاردیانه بازیگر سینما جایزه ستاره طلایی را از فستیوال جهانی مراکش را به او اهدا می کند در دسامبر ۲۰۰۳ آلن دلون و دختر آنوشکا به نقش پاتریسیا در یک فیلم تلویزیونی به نام «شیر» به مربی گری فیلیپ سستون براساس رمانی از جوزف کسل و به کارگردانی جوزه پین هی رو بازی می کند و چندین بار از شبکه ۲ تلویزیون فرانسه پخش شده است

در سال ۲۰۰۴ آلن دلون شانس می آورد و بخت به او باز می گردد و به اتفاق آستروپولون نمایش در کوه های روسیه ساخته اریک آسوس را به روی صحنه می آورد

آلن دلون در نقش مردی است که به یک زن جوان علاقه پیدا می کند و فیلم عشق او میشود این نمایش در تئاتر

از ۱۲ اکتبر ۲۰۰۴ روی صحنه بود در سال ۲۰۰۶ آلن دلون و مريل دارک بار دیگر به صحنه تئاتر بر می گردد و نخستین نمایش را در سال ۲۰۰۷ براساس اقتباسی از ربرت جیمز والر با نام بر

روی رودخانه مدیسون به روی صحنه خواهد آمد



کننده فرانسوی متولد هشتم نوامبر ۱۹۳۵ در شهر SCEAUX می باشد پدرش فابین ملیتش CORSE است مادرش ادیت دارو ساز بود زمانی که آلن کوچولو ۴ ساله بود ازدواج دوم کرد فرزندان آلن دلون آنتونی هنرپیشه که در ۳۰ دسامبر ۱۹۶۴ در هالیوود به دنیا آمد و مادرش ناتالی دلون است آنوشکا و فابین هستند و مادرشان روزالین می باشد

همسرش روزالین وان بریمن می باشد همسر پیشین آلن دلون ناتالی کانواس بود آلن دلون در ۱۷ سالگی در ارتش فرانسه خدمت می کند پس از پایان خدمتش با ژان کلود بریالی آشنا می شود و او را با خود به کن در جنوب فرانسه می برد

وی نخستین فیلمش را در سال ۱۹۵۷ برای ایوا آلگر با نام «زن دخالت می کند» بازی کرد و پس از آن با یک تور هنری به اروپا و آمریکا سفر می کند و به موفقیت هایی دست می یابد

در ۱۹۵۸ با رومی اشنایدر هنرپیشه زیبای اتریشی آشنا می شود و در فیلم «خوشگل باش کافیسست» با یکدیگر بازی می کنند و یک عشق واقعی و دلپذیر میان این دو ایجاد میشود و با نامزدی طولانی را با هم طی می کنند و در یک مراسم رسمی و مجلل با حضور رسانه های جهانی اعلام میشوند در تاریخ ۲۲ مارس ۱۹۵۹

در سال ۱۹۶۰ آلن دلون یک رستوران شیک و کلاسیک در شهر نیس فرانسه می خرد و در سال ۱۹۶۴ با ناتالی کانواس تصادفی و اتفاقی روبرو می شود و از او می خواهد که همسرش شود و ازدواج می کند (۱۹۶۴)

در همین سال وی با جورج بومه شرکت تهیه و تولید فیلم را با عنوان دل بو را تاسیس می کند

در سال ۱۹۶۸ با مريل دارک آشنا می شود و فیلم «جف» را با هم بازی می کنند و برای ۱۵ سال با هم زندگی برابر و یک سان داشتند در سال ۱۹۷۸ شرکت تولیدی و پخش لوازم لوکس و مواد غذایی را در ژنو دایر می کند و اجناسی را مانند ادوکلن: عینک: شامپاین: کنیاک: ساعت و را وارد و پخش می کند

در سال ۱۹۸۱ نخستین فیلم خود را با نام به خاطر پلیس کارگردانی می کند

در سال ۱۹۸۳ دومین فیلم خود را به نام کوبنده کارگردانی می کند

در سال ۱۹۸۵ تصمیم می گیرد که در سوئیس زندگی کند و یک ویلا بزرگ و مجلل اجاره می کند با استخر بزرگ و باغ زیبا با درختان «بلوط بر روی رودخانه ل مان

CATHERINE DENEVUE



کاترین دونوو بازیگر و تهیه کننده فرانسوی دختر موريس دورلناک هنرپیشه در تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۹۴۳ به دنیا آمد. (خواهرش فرانسواز دورلناک ۱۹۴۷-۱۹۴۲ گذشته از توانایی های بازیگری به خاطر نوع خاص حضور صحنه ای به رغم دوران کوتاه سینمایی خود خاطره ای فراموش نشدنی باقی گذاشته است

طی یک تعطیلات تابستانی نزدیک نیس در تصادف و حریق اتومبیل کشته می شود فرانسوا در ۲۳ فیلم از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۷ بازی کرده است

کاترین دونوو در سال ۱۹۶۰ در حالیکه در مدرسه بود در نخستین فیلم خود بازی می کند «درها به هم می خورند» در سال ۱۹۶۲ به وسیله «روژه وادیم» در فیلم «گناه و تقوا» شرکت داده میشود

او از روژه وادیم صاحب یک بچه میشود و در سال ۱۹۶۵ با دیوید بیلی عکاس ازدواج می کند در سال ۱۹۶۶ به اتفاق خواهرش فرانسواز در دختر خانمهای روشفور ظاهر میشود خواهرش در طول یک تعطیلات با او در حالی که با اتومبیل به سوی نیس واقع در جنوب فرانسه می رفتند به قتل می رسد

زندگی مشترک بعدی با مارچلو ماسترویانی است که دخترش کیاراماسترویانی می باشد و با پدر و مادرش در چندین فیلم از کودکی و تاکنون بازی نموده است

کاترین دونوو طی این سالها در بیش از ۵۰ فیلم سینمایی بازی کرده است و به زودی تازه ترین فیلم را که در آن ایفای نقش کرده است با مونيكا بلوچی هم بازی می باشد



آلن دلون

آلن دلون بازیگر: سناریست: کارگردان و تهیه

دانش شهرداری را از کهن ما برای دیگران بگذاشتیم " آثار سیاوش اوستا "

را بخوانید و به دیگران هدیه بدهید

لیست بخشی از مجموعه آثار سیاوش اوستا برای خرید توسط پست و یا با اینترنت و یا از کتابفروشیهای معتبر ایرانی در سراسر جهان برای آگاهی بیشتر به سایت اوستا دات نت بروید آثاری جنجالی که از بیست و پنج سال پیش تا به امروز افکار و اندیشه ها و جو دینی ایران را در هم ریخت

برای نشان دادن سربلندی و افتخار و میراث فرهنگی ایرانی به دوستان و همکاران و همکلاسیهای ایرانی و غیرایرانی در سراسر جهان بهترین هدیه در هر هنگامه آثار سیاوش اوستا ست به زبانهای پارسی فرانسوی و انگلیسی

Institut LEP 66 av CHAMPS ELYSEES 75008 Paris France

TEL: +33 1 42 89 59 95 - +33 1 45 63 02 63 FAX: +33 1 45 61 21 12

www.awesta.net



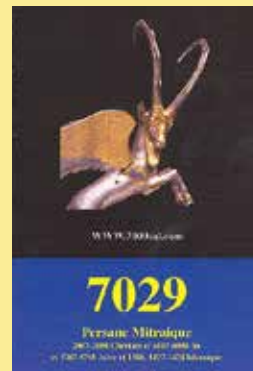
مهربان یاران: آیا میدانید که خطبه عقد به زبان تازی! توهین به شخصیت زن میباشد؟ برای جاودان نمودن جشنهای عروسی و شادمانی خود و فرزندان از دفترچه های زیبای پیمان پیوند زناشویی بسبک آریایی به زبانهای پارسی، انگلیسی، آلمانی و یا فرانسوی استفاده نمایید



سیاوش اوستا در حال برگزاری مراسم پیوند خویشاوندی و زناشویی بسبک آریایی



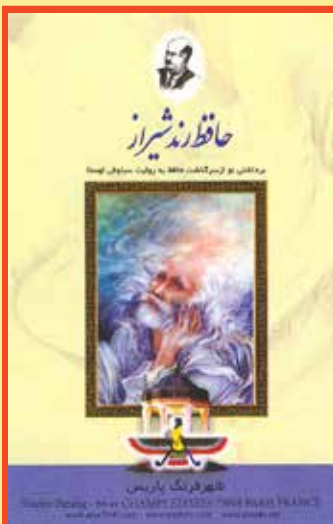
ده روزه فرانسوی و یا پارسی صحبت کنید یک سی دی و کتاب برای آموزش زبان پارسی و یا فرانسوی



سالنامه های هفت هزار ساله
آریایی میتراپی بزرگترین
افتخار ایرانی

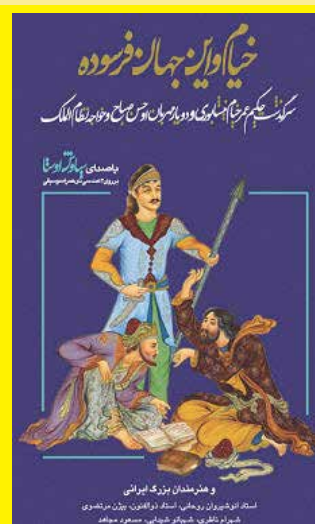


منم آن فرح زیبا زن سوم شاهنشاه
تازه ترین کتاب سیاوش اوستا



حافظ رند شیراز از قرآن خوانی تا پیرو اوستا شدن

جریان عاشقی حافظ و شاخ
نبات راز فال حافظ چرا و
چگونگی اعدام حافظ بر
روی سی دی و کاست به همراه
موسیقی زیبا و دلنشین



خیام و این جهان فرسوده

سرگذشت حکیم عمر خیام نیشابوری
و دو یار مهربان او حسن صباح و خواجه
نظام الملک

جهان خیام را می شناسد و از او سخن
می گوید اما ما از سرگذشت او چه
میتیم

این کتاب با صدای سیاوش اوستا بروی
۳ عدد سی دی همراه موسیقی و صدای
هنرمندان بزرگ ایرانی: استاد انوشیروان
روحانی استاد ذوالفقون بیژن مرتضوی،
شهرام ناظری شهبانو شیدائی



فرب بزرگ دکتر علی شریعتی افسانه پرداز و افسونگر شیرین سخن

سرگذشت و تفکر شریعتی از نو جوانی تا مرگ سرشار از دروغها و نیرنگها ی بزرگ است همکاریهای او با نظام شاهنشاهی از فردای کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ - خروج از کشور با برنامه ریزی ساواک

- شریعتی در سال ۵۲ در ۴۰ سالگی باز نشست می شود دولت به او ۲۴ سال سابقه کاری می دهد یعنی ۱۸ سالگی او در خدمت دولت شاهنشاهی بوده است چه هنگام خصل مشهود و یا در پاریس و چه دورانی که مدعی مخفی بودن بوده است و چه دورانی که مدعی زندانی بودن بوده است

- ادعاهای اخذ مدارک خصلی دروغین از پاریس

- ادعاهای دروغین دوستی با امه سزر ماسینیون گوروچ و غیره

- خریف و دروغپرازیها در باره اسلام و جعلیات برخاسته از ذهنیت او در رابطه با اسلام و مارکسیست معرفی نمودن اسلام

- خفیر نمودن تمدن و فرهنگ میترایی. اوستایی ایران و دروغپرازیهای درباره تاریخ مصر و ایران

- ادعای پیامبری و امامت و رهبری علی شریعتی و توهین به زن

- تله جوانان شدن برای رونق دادن به بازداشتها و کشتار جوانان با عنوان مجاهد و فدایی

- در همان هنگامه هایی که جوانان با مطالعه کتابهای او بازداشت و شکنجه و کشته میشدند. او با ساواک همکاری میکرد و.....



نیایشهای اوستایی

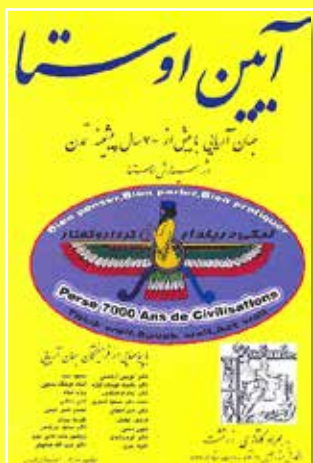
- نیایش بامدادی
- نیایش شامگاهی
- نیایش زایش
- نیایش مهر جونی
- نیایش یار مهربان
- نیایش درگذشتگان
- نیایش پیوند زناشویی نیایش نشانه های پاک
- نیایش داور دادگر
- نیایش بی میایی گری
- نیایش دوستی ساز دشمنی ها
- نیایش دانش اندوزی
- نیایش کارایی
- نیایش خورشید



جهان آریایی با بیش از ۷۰۰۰ سال پیشینه تمدن - با افزوده ها: - به همراه متن کامل گاتا ها ی اوستا - آخرین کشفیات از تمدن ۷۰۰۰ ساله در جیرفت چرا ایرانیان هرگز مسلمان نشدند متن و لوحه پیوند زناشویی بسبک ایرانی

معنی نامهای تازه و عدم توجه والدین ما جهت استفاده از نامهایی که معنای بدی دارد

بزرگان جهان درباره زرتشت چه گفته اند نیایشهای اوستایی زن در اندیشه اوستا جشنهای اوستایی چرا یهودیان از اصل ایرانی هستند کعبه یک آتشکده ایرانی بوده است ودهها مطالب خواندنی دیگر به همراه - پیامهای مهربانانه ۱۹ خردمند و اندیشمند بزرگ جهان آریایی: در باره سیاوش اوستا و کتاب آئین اوستا



دکتر کوروش آریامنش: شاد باش به سیاوش اوستا

دکتر خوشنام آوازه: اوستا و شاعران

دکتر شاهرخ احکامی: تأثیر اندیشه های سیاوش اوستا در میان ایرانیان

دکتر مسعود انصاری: سیاوش اوستا پیشگام جنبش نوزائی اندیشه گری در جهان اسلام

دکتر ناصر انقطاع: آئین اوستای سیاوش اوستا

فریدون توفیقی: آئین اوستا نتیجه سالها تلاش و پژوهش

کیوان د شستی: سیاوش اوستا در راه گسترش فروغ فرهنگ ایران کم مانند است

دکتر خرم راشدی: اگر یک دهم از ملت ما بسان سیاوش اوستا تلاش می کرد؟

داود رمزی: سخنی کوتاه درباره ی خالق کتاب «آئین اوستا»

مسعود سپند: من هزاران سال است که سیاوش اوستا را میشناسم

استاد هوشنگ سیحون: خطوط نفوذی فرهنگ و تمدن ایران در جهان

پرویز صیاد: کتابهای سیاوش اوستا پر فروش ترین کتابها

امان منتظقی: آئین اوستا دایره المعارف است

علیرضا مبینی: ۷۰۰۰ سال عاشقی

تیمسار حسن منبئی: آئین اوستا تنها رهنما

دکتر مسعود میرشاهی: آئین اوستا و معبای آزادی

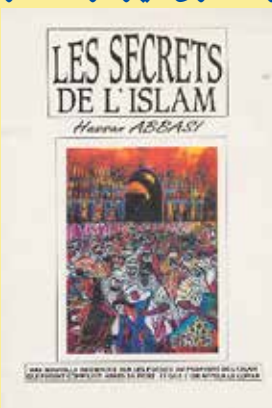
پروفسور سیف الدین نبوی: آئین اوستا را بخوانید

دکتر عزت الله همایونفر: سیاوش اوستا پر کارترین

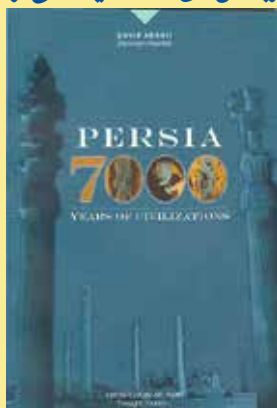
توجه بفرمایید که کتاب آیین اوستا بزبانهای انگلیسی و فرانسوی نیز در دسترس شما می باشد



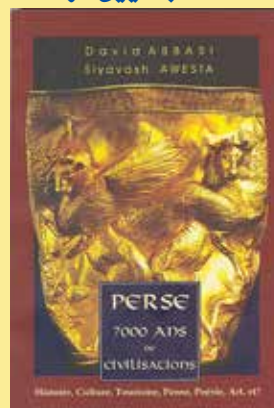
J'ai rêvé de Dieu, il pleurait comme un bébé 5€



Les secrets de l'Islam 10€



Persia 7000 Years Civilizations History, Culture, Art, Poetry, Thought, Tourism 20€



Femmes et Guerres en Islam Politique! avec la préface du sénateur Henri Caillaud 19€

Omar Khayyam et ce monde décadent 19€

Regard critique sur l'Islam!!! 25€

استعمار نوین و تروریسم جهانی وریشه ترور دینی متن سخنرانی سیاوش اوستا در واشنگتن ۱۹۹۲

گفتگوی تاریخی سیاوش اوستا با شیخ علی تهرانی در باره نبرد مسلمانان 5€

قرآن سروده ای بسبک پارسی چگونه سالها پس از مرگ پیامبر کتابی بنام قرآن منتشر شد 8€

دینداری و خرد گرایی نبرد تاریخی خرد با خرافات 8€

ازمیترا تا محمد سیر دین در ایران نخستین کتابی که آئین میترا را با خرد معرفی کرد 10€

خدا را در خواب دیدم زار زار گریه میکرد 7€

آدرس پستی سیاوش اوستا
Institut LEP 66 av CHAMPS ELYSEES
75008 Paris France

TEL: +33 1 42 89 59 95
+33 1 45 63 02 63
Fax: +33 1 45 61 21 12

www.awesta.net

شهر فرنگ

یادگاری از کتاب و موزیک ایرانی

در قلب پاریس ۶۶

خیابان شانزه لیزه

تلویزیون جهانی مهر

از پاریس

از طریق ماهواره و اینترنت

با یک کلیک صدها برنامه جالب و دیدنی ما در هر کجای جهان که هستید ببینید

www.mehrTV.com

Mehr TV

تلویزیون جهانی مهر

خبرهایی از داتمارک

شش ماه زندان محکوم نموده است دادگاه روسیه او را غیابا به ۲۴۰ سال زندان محکوم نموده است

آتنا درویش دختر موفق ایرانی
کمون شهرداری خرج این دختر ایرانی را برای



چند سال و حتی دانشگاه آرهوس را نیز بعهده گرفته است آتنا دختر با استعدادی که چهار سال به چهار سال دوران مدرسه را طی می کند و بیشتر نشریه های داتمارکی از هوش او می نویسند
او علاوه بر هوش خواندن و نوشتن نقاشی های جالبی هم کشیده است که نسبت به سن و سالش برای هنر دوستان عجیب آمده . آتنا درویش در کنار پدر و مادر جوانش زندگی می کند و یکدانه فرزند خانواده اش در شهر آرهوس می باشد

گفتگو با هیلدا پیرناد

هیلدا بازیگر سینما و تئاتر می باشد. در سه فیلم سینمایی ایفای نقش اول زن را داشته در گلهای داوودی در نقش دختر نابینا ظاهر می گردد در مقابل بیژن امکانیان - داوود رشیدی - جمشید مشایخی و در فیلمهای سناتور و یک فیلم اکشن جنگی

هیلدا در شهر ادنسه زندگی می کند ۳۷ ساله و نمایشنامه مترسک بیضایی را کارگردانی و با گروه بازیگران تئاتر این نمایش را در سراسر داتمارک به نمایش عموم گذاشت

هیلدا در اوج بازیگری در ایران به دلیل اوضاع انقلاب به داتمارک می آید با خانواده پدر و مادر مدت ۲۰ سال و اندی می باشد که در داتمارک زندگی می کند

به هیلدا پیشنهاد بازی زیادی می شود او خواهان داستان خوب و بیشتر جنبه هنری داشته باشد را دوست دارد ایفاء نقش نماید

هیلدا کارمند کمون شهرداری می باشد قبلا تحت عنوان مترجمی طی سالها برای ایرانیان خدمت نموده و در خاتمه او از جوانان می خواهد به دنبال اعتیاد مواد مخدر و خلاف نروند به تحصیل بپردازند زیرا آینده سازان فردای ایران همین جوانان می باشند

هفته ای یک بار همه به گرد هم جمع و لحظات باشکوهی را طی می نمایند خانم رحیم زاده مسئول چند فرهنگی خانم های مقیم داتمارک می باشد و از این بابت به خود می بالد که توانسته فرهنگ ایران را به دیگر خانمها رواج دهد دکتر شمشیری انسانی مهربان و فعال در این اتحادیه می باشد

هشت دختر و پسر عرب عراقی و تمرینات رقص آنها



این تعداد پسر و دختران عراقی که بیشتر چهره های آنها به اروپایی شبیه است تا یک عراقی به نام های نادیا ۱۲ ساله و مینا ۸ ساله : فراز ۱۲ ساله همچنین رندا و خود را برای ساختن یک فیلم ویدئویی هیپ هاپ موزیک خود را آماده می کنند همچنین همین گروه به سرپرستی دو معلم آلبانیایی و بوسنیایی در حضور ملکه به اجرای رقص خواهند پرداخت

سعید منصور مذهبی افراطی اهل مراکش به زندان محکوم گردید

نامبرده عامل ترور سرباز روس بوده و در جنگ عراق



با امریکایی ها شرکت داشته در شهر ادنسه داتمارک قصد ترور داشته که نافرجام مانده و عضو فعال مرکز اسلامی در لندن بوده
دادگاه شهر ادنسه او را محاکمه و به سه سال و



همکارمان فرشید محسنی از داتمارک

جوان ورزشکار ایرانی در لباس افسر پلیس داتمارک



سعید شایسته ۲۲ ساله مقیم و ساکن داتمارک کپنهاک حرفه ورزشی اش فوتبال و پرورش اندام می باشد او می گوید پدرم ۳۰ سال در خدمت مردم افسر پلیس بود و خدمت کرد ایکاش من نیز در ایران در خدمت مردم بودم علاقه در من هر بار بیشتر می شد تا اینکه با درجه ستوان دومی من آغاز به کار کردم اوقات فراغت پیش آید همیشه آماده باش کتانی به پا توپ می زدم تا شاید روزی در تیم ملی داتمارک حضور یافم

اتحادیه زنان و اتحادیه چند فرهنگی در آرهوس



این اتحادیه زیر نظر روانشناس شمشیری و خانم مهرانگیز رحیم زاده جهان داری می باشد که

سازمان جشنهای پیک شادی تقدیم می کند



عروس خانم ها و آقا دامادها

فراموش نکنید تنها یادگار ارزشمند عقد و ازدواج شما عکس و فیلم برداری است . مواظب باشید بخاطر ارزانی های غیر حرفه ای ریسک نکنید فقط کفایت با يك تلفن تمام کارها را به دست افراد کاردان و حرفه ای سازمان جشنهای پیک شادی بسپارید.

ما باهر بودجه ای که شما داشته باشید، بهترین ها را برایتان فراهم می کنیم.

از لباس و آرایش عروس گرفته تا سفره عقد و عاقداز سالن و غذا گرفته تا موزیک **تلفن: ۰۲۶۶۴۴۴۴۴۴** همه فیلمبرداری و عکاسی

سهراب سپهری این انسان ساده دل بزرگ اندیش



چهار ماهه

فرخ فروزین

اول اردیبهشت ۱۳۶۰ سال از سفر بی بازگشت سهراب سپهری شاعر کویر و نقاش نامی ایران می گذرد که اگر می بود مهر ماه امسال ۷۸ ساله می شد (۱۳۰۷-۱۳۵۹) و چه بسا جویبار زلال زمزمه گر شعر او به پهنه گسترده دریا می رسید

سهراب در خانواده ای ادب دوست و هنر پرور در کاشان به دنیا آمد مادر بزرگش شاعره و پدر بزرگش مورخ و نویسنده تاریخ التواریخ بودند

پدرم نقاشی می کرد ، تار هم می ساخت، تار هم می زد، خط خوبی هم داشت باغ ما در طرف سایه دانایی بود باغ ما شاید قوسی از دایره سبز سعادت بود

در باره این انسان وارسته بسیار گفته و نوشته اند در باره شعرهای او نقاشی های او و زندگی نامه او بدینجهت این شماره که مصادف با سالگرد سهراب سپهری است به نقل یک خاطره از آقای پرویز ناظریان و به گفته ایشان ضد خاطرات می پردازم که با خصوصیات ویژه و متفاوتی از سهراب سپهری آشنا خواهیم شد

سهراب سپهری را من از طریق پسر عموی او که در یک دوره آموزشی های سینمایی استادان دانشگاه سیراکیوز در تهران با من همکلاس بود شناختم این آشنایی در کافه ای به نام ریویرا در خیابان قوام السلطنه روی داد که سالها پاتوق گروه های مختلف روشنفکران بود در همین کافه بود که گاهی فرصت گپی در کنار میز فروغ فرخزاد روی می داد . در یک دوره از دوره های این کافه چند بار شمس آل احمد دوست دوران دانشگاهی را می دیدم و در این فکر بودم که چگونه می تواند بین او با آن قید و بندهای مذهبی خانوادگی با همسرش که یکی از خواهران مهشید امیر شاهی بود پیوند زندگی بسته شده باشد؟

خواهر دیگر آنان شهر آشوب در آن زمان علاوه بر فریبندگی دارای یک سعه صدر شگفت انگیز بود به طوری که من هیچگاه فراموش نمی کنم در برخوردی با یک دوست بسیار حساس و هنرمند : زهرا خواجه نوری که پس از تاختیری طولانی به ریویرا آمده بود و به طور غیر منتظره شهر آشوب را نیز در جمع ما دیده بود : ماجرا را آنچنان به خونسردی به پایان برد که هیچ جای گله و شکایت خواجه نوری باقی نماند

در این کافه همچنین آیدین آغداشلو که در

منوچهر سپهری پسر عموی سپهری اغلب در سفرهایی بسر می برد که ما به آن سفر چین و ماجین می گفتیم و وقتی باز می گشت با آن صفای درون خود از این سفرها نقل می کرد او در یکی از این دیدارهایش با سهراب سپهری آمده بود و آنچه همه ما را در نخستین دیدار مجذوب سهراب کرد سادگی و خاموشی مردی بود که اگر یکی از بهترین شاگردان مکتب نیما یوشیج در شعر نوی ایران است ضمنا چه در زمان حیات خود و چه پس از آن بر بسیاری از شاعران برجسته معاصر ایران تاثیرهای مهمی گذاشت

سهراب سپهری را من در آغاز بیشتر به عنوان نقاش درختها، ماهی ها و پرند ها می شناختم هنرمندی آن هنر والای سهل و ممتنع را در حد اعلای خود در تابلوهای خویش نشان می داد او آنچنان عاشق چیزهای ساده زندگی بود که هیچگاه جز این ساده ها در آثار خود نشان نمی داد او آنچنان عاشق گشودن فضا و راه یافتن به ابدیت بود که این اشیاء به ظاهر ساده را در بزرگترین حجمی که ممکن بود نشان می داد او از درختان فقط قسمتی از ساق آنها را نشان می داد چون تابلوی او جای دیگری برای نمایش درخت نمی دید و در یک تابلوی بزرگ دیگر چاره ای نداشت جز آنکه فقط یک یا دو پرند کوچک را نشان دهد

بعدها که سهراب سپهری را از طریق اشعارش شناختم دیدم که او تا چه اندازه در نقاشی یک شاعر و در شعر یک نقاش است و اینکه او تا چه اندازه مثل کودکان همه آن چیزهایی را مشاهده و لمس و درک می کند که این به اصطلاح آدم های بزرگ حتی فرصت نیم نگاهی را به آنها ندارند

من قبلا منوچهر سپهری را هنرمندی که پیوسته در یک کودکی سرشار از زیباییهای طبیعی به سر می برد شناخته بودم بعدا سهراب سپهری پسر عموی او را نوع تکامل یافته این انسان کودک وار یافتم

یکی از گفتگوهای طولانی من و زهرا خواجه

آن زمان در اوج جوانی یدی طولانی برای بحث و جدل داشت همراه دوست نزدیک خود شمیم بهار می آمد و غالباً هم دو نفری بودند سرانجام به خانه های خود رهسپار می شدند بعدها از پرویز نیکخواه شنیدم که او هم همراه دوستان خود از مشتریان دائمی کافه ریویرا بوده است یکی از تراژدی های چند سال قبل و بعد از انقلاب مذهبی ایران سرنوشت گروهی از روشنفکران بسیار چپ گرای ایران است که تمایلات سیاسی آنها به بروز رویدادهایی علیه دولت وقت منجر می شد بعد آنان خود قسمتی از دستگاهی شوند که قرار بود ظاهراً علیه آن توطئه کنند و در رژیم جدید مذهبی نیز این افراد نخستین قربانیان به شمار آمدند

کافه ریویرا شاید مهمترین بخش شبانه زندگی ما را دست کم در یک دوره از زندگی تشکیل می داد در این کافه آشنا می شدیم در بحث ها و گفتگوها شرکت می کردیم می نوشیدیم، می خندیدیم و لذت های زندگی را تمرین می کردیم و زمانی هم صحبت از جدائیها بود صحبت از قهرها و گله گزاریها صاحبان کافه ریویرا که دو مرد ارمنی خوش مشرب و از نسل جدید کافه داران ارامنه بودند مسلماً ازوخرجی های ما بهره مند می شدند کما اینکه چندی بعد ریویرای بزرگتری را در خیابان پهلوی بنا کردند ولی از آنچه بین جماعت نویسند : شاعر و نقاش و فیلمساز و منتقد در کافه آنها در گذر قوام السلطنه می گذشت احتمالاً کمتر سر در می آوردند و آنچه برایشان بیشتر عجیب بود تداخل میزها در یکدیگر و آشنایی های سهل و ساده و به خصوص گروهی

یکی از کسانی که اغلب در میز ما بود کیومرث منشی زاده بود که با من دوستی قدیمی داشت و این جمله ای را که او بارها از ژان پل سارتر نقل می کرد یعنی جهنم خمل دیگران است شاید در اصل بیش از همه برای صاحبان کافه ریویرا بسیار صادق بود

فقط ظاهر بهنودها را می نگرستند و ره به درون زالو صفتشان نبوده بودید که یکی از آن دسته روشنفکران قرتی مسعود بهنود بود

میهمانی ما تا پاسی از شب ادامه داشت و من وقتی به خانه می رفتم گرچه صدای سهراب را در تلفن او از کاشان نشنیده بودم ولی به یاد دلهره های او بودم

وقتی بعد خبردار شدیم که سهراب درگذشته است او قبلا خود گفته بود

شهر من گم شده است ، من با تاب، من با تب ، خانه ای در طرف دیگر شب ساخته ام

با تشکر از آقای ناظریان و خاطرات زیبا و فراموش نشدنی ، بخش پایانی حرف تازه را از زبان سهراب زمانیکه پدر را از دست داد به پایان می برم

نامه ها پی در پی رسید به نشانی خانه ای که اینک از ما تهی ست پدرم مرد و ما جابجا شدیم داغ مرگ پدر مرا از من باز نگرفت ، آسان خود را در آرامش خویش باز یافتیم ، زندگی ما تکه ای است از هم آهنگی بزرگ؛ باید به دگرگونی های این تکه تن بسپاریم . پدرم در بستر خود می میرد و زنبوری در حوض خانه ؛ وقتی به همدردی بزرگ دست یافتیم، بستگی های نزدیک جای خود را به پیوندهای همه جا گیر می دهد آن روزها که همه خویشاوندان در خانه ما بودند ، چشم ها تر بود من در ناظم آباد تنها در دره ها می گشتم؛ خود را با همه چیز هماهنگ می دیدم گاه میشد که می خواستم همه گیاهان را بوییم و در درخت ها فرو روم ؛ سنگ ها را در خود بغلطانم . درون من خندان و زیبا بود ، اندوه تماشای که بیشترها از آن حرف می زدم کنار فته بود و جای آن چیزی نشسته بود که از آن می توان به تراوش بی واسطه نگاه تعبیر کرد



جو نیز به قول مولوی بحث و جدل را و می گذاشتند و در برابر این ساده دل بزرگ اندیش سر فرود می آوردند او همیشه آن سکوت و آرامش مطبوع وجود خود را به جمع دوستان سرایت می داد

یکی از دوستان نزدیکی که سهراب داشت معصومه صیحون نقاش بود هیچگاه آثار نقاشی معصومه صیحون به پای آثار سهراب سپهری نرسید و اصولا هیچگاه آثار نقاشی متشابهی بین آنها وجود نداشت

معصومه بیش از آنکه هنر خود را در تابلو به کار گیرد و صرفا در لذت زندگی به کار می گرفت کما اینکه بعدها با باز کردن یک گالری که خود از آن به عنوان دکان نام می برد راه جدیدی برای معرفی گروهی از نقاشان در تهران گشود

بین معصومه و سهراب از هر نظر اختلافهای زیادی وجود داشت ولی بسیار از اوقات همین اختلافهای زیاد دو شخصیت یک دوستی طولانی بین آنها بوجود می آورد . من فکر می کنم دست کم یک وجه مشترک بین آنها بود جستجوی همیشگی سهراب برای یافتن زنی که علیرغم وجود مادر مهربان و عزیزش نقش مادر او را ایفا کند و در مورد معصومه صیحون علی رغم فرزند و یا فرزندان که داشت این نیاز که فرزند دیگری را نیز شیفته وار پذیرایی کند معصومه صیحون بارها و بارها به تلفن های طولانی سهراب که اغلب از کاشان می آمد با حوصله کامل گوش می داد و یک شب در یکی از میهمانی هایش گفت که چگونه او دیگران مانع از آن شده بودند که سهراب سپهری گرفتار یک اشتباه ماموران مخفی دولتی بشود

یکی از آخرین شبهایی که در تهران همراه چند تن از دوستان در خانه معصومه میهمان بودیم تلفن که زنگ زد معلوم شد از کاشان است و معصومه پس از ساعتها گفتگو با سهراب برای ما از تشویشهای سهراب گفت و اینکه او در یک نومییدی عمیق بسر می برد . هنوز ماههای اول انقلاب مذهبی بود و زمانی بود که بعدها به نام بهار انقلاب نامیده شد!!!! بدون اینکه بتوان تصور کرد زمستان سرد و سخت آن سالها و سالها ادامه خواهد داشت در آن شب مسعود بهنود هم که قبل از انقلاب به عنوان چهره مد روز تلویزیونی و پس از آن به عنوان سردبیر یک نشریه ظاهر (به واژه ظاهرا دقت و تامل بیشتری بنمائید) مقابله گر شهرتی یافته بود از میهمانان معصومه صیحون بود (و چه سعادت که سهراب سپهری این انسان و ارسته در آن جمع که مسعود بهنود حضور داشت تا بر نومییدی سهراب از دیدن این بازیگر انقلاب بیفزاید) وقتی من به این لحظه های پس از رویداد دگرگون کننده تاریخ ایران می اندیشم می بینم تا چه اندازه دست کم بعضی از ما طوفان ویرانگری را که در پیش بود دست کم گرفتیم. (یقینا

نوری در دورانی که در تهران با یکدیگر دوست بودیم ، کندوکاو جهانی بود که فقط به کودکان تعلق دارد. سرشار از تکاپوی زندگی است ؛ سرشار از خردی جستجوگر است و این همه در جهانی بسیار پاک و ساده می گذرد.

در همین زمانها بود که با سهراب سپهری مظهر برجسته یک کودک کامل آشنا شدم من هیچ صفتی را برای او جز همین کودک کامل جستجو نمی کنم و اینکه که گاه به گاه به کتاب شعر او را به عنوان معدود کتابهای شعری که خود دارم مرور می کنم و وقتی در ذهنم به تابلوهای او می نگرم می بینم که سهراب سپهری در شاهکار شعری خود شعر بلند (صدای پای آب) تا چه اندازه همه تفکرات عمیق زندگی را چنین ساده و بی ادعا و با همان تعبیری که از آن به عنوان سهل و ممتنع نام بردم ابراز می کند

سپهری در شعر صدای پای آب تعبیر جالبی از آن تشویق های همیشگی خود برای یافتن فضایی بزرگتر جهت ماهی ها؛ پرندگان و درختها نشان می دهد

از این نقاشی ها به عنوان قفسی که آواز شقایقها در آن زندانی است که ممکن است با دیدن همین شقایقها ؛ دل مردمان باز شود و باز می گوید چه خیالی ؛ پرده ام بی جان است ، خوب می دلم حوض نقاشی من بی ماهی است سپهری در این شعر بلند که کالبد شکافی گسترده هستی هم با همه تفکرات عمیق ولی برداشتهای ساده و بسیار زیباست ؛ قبله اش را یک گل سرخ ؛ جا نمازش را چشمه؛ مهر نمازش را سجاده دشت می داند و وضوی خود را با تپش پنجره ها می گیرد

سپهری می گوید اهل کاشانم ولی نسیم شاید برسد به گیاهی در هند به سفالینه ای از خاک (سیلک) ؛ نسیم شاید به زنی فاحشه در شهر بخارا برسد

می گوید: روح من در جهت تازه اشیاء جاری است ؛ روح من کم سال است ، روح من گاهی از شوق سرفه اش می گیرد، من ندیدم دو صنوبر را با هم دشمن _ من ندیدم بیدی سایه اش را بفروشد به زمین

رایگان می بخشد نارون، شاخه اش را به کلاغ صدای پای آب مانیفست سهراب سپهری است و در آن اگر نه همه حرفهای خود بلکه بیشترین حرفهای خود را بازگو کرده است . من در او صاحب دلی میدیدم که بارها در آثار شاعران گذشته ایران؛ چهره فکور و نکته سنج و در همین حال ساده وش او مجسم شده بود ولی سهراب چهره جدید و نسل امروزی این صاحب دل پاکباز بود

وقتی او به کافه رویو را می آمد محیط گفتگوها عوض می شد. روشنفکران قرتی، اصطلاحی است که یکی از نویسندگان به آنها داده بود دست کم با حضور سهراب از غمازی های خود برای دلبری از دختران و زنان کافه دست می کشیدند و روشنفکران ستیزه

شغل قدیم اشخاص بزرگ و مشهور جهان

**بیش از صد
فروشگاه
ایرانی در
آلمان مجله
رنگارنگ را در
دسترس شما
قرار می دهند**

مخترع انیمیشن
نقاش پوستر
منشی اداره ثبت
راننده کامیون
بادام کار
هنرپیشه سینما
بناو راننده کامیون
چوب بر
نقاش ساختمان
وکیل دادگستری
کشاورز
وکیل دادگستری
روزنامه نویس
کارگر کشتی
معلم
وکیل دادگستری
هیزم شکن
منشی
کتابفروش
هنرپیشه
شاگرد بزاز
خبرنگار
هنرپیشه سیار
چوپان
ساعت ساز
تلگرافچی
کارگر کارخانه

دیکتاتور آلمان
فیزیکدان
خواننده
رئیس جمهور آمریکا
رئیس جمهور آمریکا
هنرپیشه سینما
هنرپیشه سینما
نویسنده
رهبر فقید هند
اولین رئیس جمهور
آمریکا
نخست وزیر هند
دیکتاتور ایتالیا
نویسنده آمریکایی
نویسنده فرانسوی
رئیس جمهور آمریکا
رئیس جمهور آمریکا
نویسنده انگلیسی
نویسنده فرانسوی
نویسنده فرانسوی
نویسنده انگلیسی
نویسنده آمریکایی
نویسنده انگلیسی
قهرمان فرانسوی
کارخانه دار آمریکایی
مخترع بزرگ آمریکایی
کاشف دینامیت

آدولف هیتلر
آلبرت انیشتن
الویس پریسلی
جیمي کارتر
رونالد ریگان
شون کانری
کلارک گیبل
ویلیام فאלکنر
گاندی
جرج واشنگتن
پاندیت نهرو
موسولینی
جک لندن
آلبر کامو
ریچارد نیکسون
آبراهام لینکلن
چارلز دیکنز
آنتول فرانس
مولیر
هربرت جرج ولز
ارنست همینگوی
ویلیام شکسپیر
ژاندارک
هانری فورد
توماس ادیسون
آلفرد نوبل
والتر دیزنی

مدرسه آموزش فوتبال ایران



جهت تمرینات تابستانی خود عضو می پذیرد

از سنین ۶ تا ۱۸ سال می توانند در این تمرینات شرکت نمایند

در آغاز دوره جدید مدرسه آموزش فوتبال ایران از خانواده های ایرانی دعوت می گردد که جهت ثبت نام فرزندان شان اقدام نمایند
مدرسه آموزش فوتبال ایران جهت تشکیل تیمهای نوجوانان و جوانان جهت مسابقات رسمی در انگلستان و تورنمنت های
دیگر؛ تمرینات تابستانی خود را به دو روز در هفته افزایش خواهد داد

مدرسه فوتبال ایران در انگلستان از سال ۱۹۸۸ آغاز به کار کرده است و جالب اینکه افرادی فرزندان شان را به مدرسه فوتبال
ایران می آورند که سالهای گذشته خودشان از شرکت کنندگان در مدرسه آموزش فوتبال بوده اند

خانواده های ایرانی باید توجه نمایند ورزش کمک بسیار زیادی در سلامت جسم؛ تقویت فکر و اعتماد به نفس فرزندان شان دارد و
مهم تر اینکه فرزندان شان اصول صحیح و سایر نکات مهم علمی؛ ورزشی را نزد کسانی بیاموزند که صاحب دانش؛ تجربه و
سوابق درخشان در ورزش هستند و مدرسه آموزش فوتبال ایران این مقدمات و امکانات را برای فرزندان شما فراهم نموده است

جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر با دفتر انجمن ورزش ایرانیان در انگلستان تماس حاصل نمائید

07930322064 02076044266

ماشینت نوشتی «امام با سالاد»! بنده خدا میگه: مگه چیه؟ از شما بهتره که مینویسید: «خدا با ماست»

داداش یارو عروسی می‌کنه. شب عروسی می‌شین پشست در اتاق عروس. می‌گن: چرا اینجا نشستی؟ می‌گه: بابام گفته بعد از داداشت نوبت توئه

بنده خدا قرصش رو می‌کنه توی باسنش. بهش می‌گن: این چه کاریه که می‌کنی؟ می‌گه: آخه این قرص مال قبل از غذا بود. من یادم رفته بود بخورمش

فیل به مورچه می‌گه: تو گوش من چیکار داری؟ مورچه: اومدم گوش فیل بخورم! فیل به: پول هم داری؟ مورچه: نه. فیل به: برو پایین چس فیل بخور

بنده خدا می‌میره. عکس نداشتن سر قبرش بزارن. تا گردن خاکش می‌کنند

پیرزنه تخت میره جلوی شوهرش و می‌گه: حاجی، برات لباس عشق پوشیدم! پیرمرده می‌گه: دستتون درد نکنه حاج‌خانم. ولی کاشکی اتوش می‌کردی

دختر با خوشحالی: خوب معلومه! بنده خدا: اون طرف خیابون. تو اون درموناگاه

بنده خدا زن می‌گیره. شب زفاف می‌خوابه. فردا شب هم می‌خوابه! شب بعد زنش شاکی میشه و می‌گه: بالاخره بعد از سه شب نمی‌خوای با هم سکس داشته باشیم؟ بنده خدا می‌گه: من زن گرفتم. این کثافت‌کاریها رو بزارم کنار

ایستگاه خنده

به خوش غیرت می‌گن: فرق زن با ماشین چیه؟ می‌گه: ماشین که خراب میشه، همش خرج، ولی زن که خراب بشه، کمک خرجه

یارو میره خواستگاری. از دختره خوشش نیاد. به بابای عروس می‌گه: ما میرم به دور میزینیم، بر می‌گردیم

به بنده خدا می‌گن: واسه چی پشت

به بنده خدا می‌گن: میدونی میس کال چیه؟ می‌گه: یه جور واحد وزنه. مثلاً می‌گن: یه میس کال زعفران

یه بچه به مامانش می‌گه: مامان، امروز که نبود، خاله سحر اومد با بابایی رفتن تو اتاق خواب! مامانه می‌گه: بزار بقیه شو شب که بابات اومد تعریف کن. شب که میشه، مامانه می‌گه: خوب عزیزم، صبح چی تعریف می‌کردی؟ بچه می‌گه: مامان، امروز که نبود، خاله سحر اومد با بابایی رفتن تو اتاق خواب. با هم از اون کارایی کردن که شما با عمو جمشید می‌کردین

بنده خدا داشته با خرس شطرنج بازی می‌کرده. یکی می‌بینه و می‌گه: عجب خر باهوشی! بنده خدا می‌گه: نه، زیاد هم باهوش نیست، تازه یک یک شدیم

یارو به باد صدادار از خودش در می‌ده. بچه‌هاش همه می‌خندن. اشک توی چشمای یارو جمع میشه و می‌گه: خدایا، این شادی رو از بچه‌ها بگیر

بنده خدا به دوست دخترش می‌گه: می‌خوای اونجایی رو که ختنه کردم بهت نشون بدم؟

دفتر مشاور حقوقی لطیف زمانی

کارهای حقوقی خود را با اطمینان خاطر می‌توانید به ما بسپارید:

امروزه تمامی کارهای جاری و بازرگانی بستگی به رعایت قوانین و مقررات و استفاده به موقعه و بهینه از آنها دارد

- ۱ - ثبت شرکتها و موسسات جاری طبق قوانین و مقررات کشور انگلستان
- ۲ - پذیرش نمایندگی برای شرکتها و موسسات جاری از هر نقطه جهان
- ۳ - اخذ ویزای تحصیلی (داری مجوز رسمی از معتبرترین دانشگاهها و کالجهای کشور انگلستان)
- ۴ - تنظیم قرار دادهای جاری
- ۵ - رفع مشکلات اعتباری
- ۶ - تهیه و ارسال ارقام مورد نیاز شرکتها و موسسات جاری طبق مقررات کشور انگلستان
- ۷ - دریافت ویزای سرمایه گذاری و جاری

لطیف زمانی با دارا بودن مدارک و سابقه درخشان می‌تواند بهترین مشاور و همراه در کارها بزرگ جاری و حقوقی شما می‌باشد

6C Ballards Lane
Finchley Central
London N3 2HA

Tel: 020 8371 6999
Fax: 020 7900 3321

www.latifzamani.com
E-mail:
info@latifzamani.com





دادند مصرف شکلات موجب بهبود عملکرد مغز می شود و زوال آن را در هنگام پیری کاهش می دهد.

به گزارش روز دوشنبه پایگاه اینترنتی رویترز، نتایج این تحقیقات در زمینه تأثیرات «فلاوانول» یکی از اجزای کاکائو بر مغز، در اجلاس سالانه ارتقای علوم آمریکا در سان فرانسیسکو ارائه شد.

محققان با بررسی تأثیرات یک ترکیب کاکائویی مایع دریافتند فلاوانول جریان خون به مغز را افزایش داده و می تواند برخی اختلالات در رگها را نیز درمان کند.

«ایان مک دونالد» مجری این تحقیقات از دانشکده پزشکی ناتیگهام انگلیس اعلام کرد اگر چه مصرف کاکائو عملکرد شناختی را بهبود نمی بخشد اما موجب افزایش جریان خون به مغز طی یک دوره سه ساعته می شود.



هویج دشمن سرطان و حمله قلبی

هویج منبع مهم بتاکاروتن و الیاف است که هر دو اینها کمک به جلوگیری از سرطان و حمله قلبی می کنند.

محققان دریافتند که خوردن سبزیجات ریشه ای به خصوص هویج، کلسترول را که عامل مهم در بیماری قلبی است تا حدی زیادی کاهش می دهد.

نتیجه بررسی ها نشان می دهد افرادی که شش بار یا بیشتر از سبزیجات ریشه ای در هفته، به طور خام یا پخته استفاده می کنند کمتر دچار حملات قلبی می شوند.

در یک مطالعه در مورد سه هزار و ۶۶۹ نفر مرد و زن در بلژیک مشخص شد که مصرف سبزیجات با فیبر زیاد مثل هویج خطر ابتلاء به سرطان ریه و سایر سرطانها را ۲۴ درصد کاهش می دهد.

همچنین زنانی که هر روز از هویج خام استفاده می کنند ۵ تا ۸ بار کمتر به سرطان

پزشک وجود این بیماری را تشخیص می دهد. وی گفت: متأسفانه در سالهای اخیر درصد زیادی از افراد که به علت اختلالات کبدی و سوء هاضمه به پزشکان مراجعه می کنند و تحت بررسی بیماریهای کبدی و انجام آزمایش های لازم قرار گرفته و متوجه می شوند که قشری از چربی، کبد آنان را فرا گرفته است.

وی افزود: بیماریهای کبدی در جمع چربی در کبد ممکن است در آینده نزدیک فرد را به بیماریهای مختلف به ویژه بیماری سیروز که بیماری بسیار بد کبدی است مبتلا کند و به علت این بیماری نیز ممکن است زردی، خارش و با جمع شدن مایع در شکم باعث آسیب به شکم می شود.

خسرونیاد ادامه داد: ورم کردن تمام بدن نیز از عوارض این بیماری است و متأسفانه در این صورت تنها راه درمان این بیماری تعویض یا پیوند کبد خواهد بود بنابراین تمامی افراد باید از همان دوره کودکی رژیم غذایی مناسب داشته باشند و از مصرف چربی های حیوانی و حتی گیاهی به میزان زیاد و نیز خوردن مواد قندی و نشاسته ای به شدت خودداری کنند.



ویتامین C نقش موثری در کنترل رشد سلولهای سرطانی دارد

دانشمندان نیوزلندی اخیراً دریافته اند که نقش ویتامین C در بدن بسیار مهم تر از تصورات و یافته های گذشته است.

دکتر مارگریست وسیر از دانشکده طب کریست چارج در این باره گفت: ویتامین C یک فاکتور اساسی و بنیادین در کنترل بسیاری از فعالیت های سلولی، مرگ سلولی و حتی رشد سلولهای سرطانی در تومورها است.

گروه تحقیقاتی وسیر در تلاش هستند تا دریابند چگونه فاکتوری به سادگی ویتامین C می تواند برای محدود کردن تأثیر سرطان مورد استفاده قرار گیرد.

وی گفت: تنظیم زندگی و مرگ سلولی زیربنای شمار زیادی از مکانیسم های بیماری زایی و به ویژه بیماری سرطان است

مصرف شکلات خون رسانی به مغز را افزایش می دهد

پژوهشگران انگلیسی در تحقیقات خود نشان



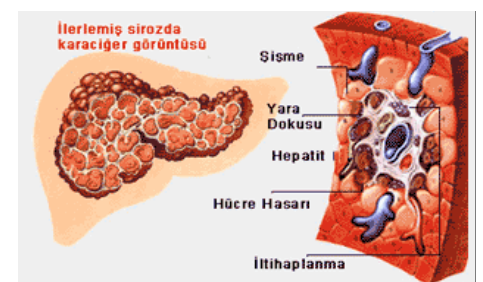
استرس شدید خطر مرگ به همراه دارد

دانشمندان برای اولین بار نمودار خطر استرس شدید را که می تواند موجب مرگ انسان شود رسم کردند. تحقیقات یک گروه از پزشکان انگلیسی حاکی از آن است که مناطقی از مغز که مربوط به یادگیری حافظه و احساسات است، می تواند موجب اختلال در ماهیچه های قلب افراد بشود و خطر مرگ را بویژه در بیماران قلبی تشدید کند.

محققان می گویند زمانی که ما تحت استرس هستیم این مناطق مغزی در یک چرخه معیوب فعالیت می کنند که حاصل آن تپش قلب و خطرات ناشی از آن است.

بنا بر این گزارش این تحقیق نشان می دهد درحالی که همیشه تصور می شد مشکلات روحی ممکن است به قلب فشار بیاورد این تحقیق نشان می دهد مراکز اولیه مغز حامل پیام ها به بافت قلب هستند.

کشف ارتباطات جدید بین قلب و مغز انسان چگونگی ایجاد ضربان های نامنظم قلب و خطرات ناشی از ضربانهای قلبی را که ممکن است به مرگ افراد منجر شود نشان می دهد.



افزایش بیماریهای کبدی به علت مصرف زیاد غذاهای آماده

تحقیقات نشان می دهد بیماریهای کبدی در سالهای اخیر به علت تغذیه نامناسب و مصرف زیاد غذاهای آماده، افزایش یافته است. دکتر ایرج خسرونیاد در گفتگو با خبرنگارمان افزود: غذاهای آماده اغلب حاوی چربی های خطرناک و مواد نشاسته ای است که علاوه بر چاقی، در کبد و عروق رسوب کرده و ایجاد ناراحتی های کبدی می کنند.

او اظهار داشت: تحقیقات اخیر نشان می دهد که کبد چرب یکی از مشکلات عیدیه ای است که معمولاً پس از انجام سونوگرافی

برای همکاری با شما در همه زمینه های آموزش و یادگیری...
از زبان انگلیسی گرفته تا کسب مدارك بالاتر در
استانداردهای قابل قبول بریتانیا

آموزش بیشتر یعنی شغل بهتر



همین امروز با تلفن رایگان «لرن دایرکت» **learndirect** تماس بگیرید و با یکی از مشاوران آموزش ما به زبان فارسی صحبت کنید. آنها همه اطلاعات و خدمات مشاورتی که شما برای آینده بهتر لازم دارید را در اختیار شما قرار خواهند داد.

0800 093 1116

دوشنبه - جمعه، ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر

learndirect[®]
ADVICE LINE



Supported by the Progress GB Development Partnership
which is part funded by the European Social Fund under
the EQUAL Community Initiative Programme.

© January 2007 Ufi Ltd. All rights reserved.
learndirect is a registered trademark of Ufi Ltd.
Farsi IH/508B/V01

عجیب ترین مردان دنیا

او همچنین يك مخترع ژاپني است كه ادعا مي‌كند ركورد بيشتريين تعداد اختراعات را در دنيا شكسته است و بيش از سه هزار اختراع از خود بر جاي گذاشته كه از جمله معروف‌ترين آنها <ديسك فلاپي> و <كفش‌هاي فري >پيون <پيون> مي‌باشند

او در طول مدت سي و چهار سال از تمام وعده‌هاي غذايي كه خورده است عكس‌برداري كرده و تمامي آنها را جزء جزء جزيه و تحليل نموده و خواص و مضرات تكتك آنها را برشمرده است. هدف اصلي ناكاماتسو از اين كار عجيب كه صبر و حوصله بسياري را مي‌طلبد علاوه بر ركوردشكني اين است كه بتواند با در نظرگرفتن خاصيت‌هاي مختلف غذاها، بيش از چهل سال عمر كند



او سه دهه نخوايد

تاي نگوک شخصت ساليه كه در محله خود به نام هاي معروف است. مي‌گويد: از سال ۱۹۷۳ پس از يك تب شديد ديگر نتوانسته

بخوايد و در طول بيش از ۱۱۷۰۰ شب بي‌خوابي گوسفندهاي بيشتري را شمرده ولي تاثيري در اين اختلال ايجاد نشده است. او مي‌گويد: <مي‌دانم اين بي‌خوابي بر روي سلامتي‌ام تاثير گذاشته است يا خير ولي هنوز هم مثل ديگران سالم هستم و مي‌توانم مزرعه‌ام را اداره كنم.>

يكي از همسايگان نگوک براي اثبات سلامتي او مي‌گويد: <او مي‌تواند پنج كيلوگرم كود را چهار كيلومتر با خود حمل كند و به خانه برگرداند.> همسر نگوک اظهار مي‌دارد: <شوهرم قبلا خوب مي‌خوابيد ولي پس از آن تب حتي داوري خواب‌آور هم نتوانسته او را >بخواباند

وي در ادامه افزود: وقتي نگوک براي انجام آزمايشات پزشكي به بيمارستان شهر رفت. پزشكان گفتند او در سلامت كامل به سر مي‌برد و فقط كبش كمبي ضعيف كار مي‌كند. نگوک در حال حاضر در مزرعه‌اي در دامنه كوهستان زندگي مي‌كند و سرگرم مزرعه‌داري و مراقبت از مرغ‌ها و خوك‌هاي خود است.

او شش فرزند دارد كه هر يك در خانه خود زندگي مي‌كنند. او اغلب شبها اضافه‌كاري مي‌كند يا براي جلوگيري از ورود دزدها نگرهاني مي‌دهد. او مي‌گويد: دو ماه از اين شب‌هاي بي‌خوابي را سرگرم كندن دو استخر بزرگ براي پرورش ماهي بوده است

كشته‌شدن بودند زيرا خويشاوندانشان به‌خاطر دارايي‌هايشان نمي‌خواستند آنها زنده بمانند. بيهاري بالاخره توانست به حق خود برسد ولي هم‌اكنون اين انجمن بيش از بيست‌هزار عضو دارد كه همگي هندي هستند آنها توانسته‌اند هويت چهار نفر از اين بيست‌هزار نفر را اثبات كنند. بيهاري در سال ۲۰۰۴ كانديداي انتخابات پارلمان <لعل گنگ> شد



همه‌چيز مي‌خورد

ميشل لوتيتو متولد پانزده ژوئن سال ۱۹۵۰ يك مرد فرانسوي است. لوتيتو كه در شهر <گرين ويل> به دنيا آمده است به خاطر خوردن اشيائي غيرقابل هضم مشهور شده و در كشور خود با لقب <موسيو مانگتو> به معنای <آقاي همه‌چيزخوار> معروف مي‌باشد. او براي مردم برنامه اجرا مي‌كند و در برابر چشم‌مان حيرت زده آنها همه نوع فلز، شيشه، پلاستيك و چيزهايي از اين قبيل را مي‌خورد. او تاكنون چندين دوچرخه و تلويزيون را در كنار اشيائي كوچك‌تر خورده است. لوتيتو ابتدا اجزاي اين وسايل را از هم جدا مي‌كند و سپس آنها را تكه‌تكه و به راحتی قورت مي‌دهد

لوتيتو خوردن وسايل غيرمعمول را از كودكي آغاز کرده بود و از سال ۱۹۶۶ يعني از شانزده سالگي تا كنون براي مردم برنامه اجرا مي‌كند. لوتيتو تاكنون به‌خاطر اين رژيم غذايي عجيب خود احساس بيماري نكرده و حتي پس از خوردن مواد مسموميت‌زا هم مريض نشده است. او در هنگام اجراي برنامه به طور متوسط روزي يك كيلوگرم وسايل غيرقابل هضم مي‌خورد و قبل از صرف اين غذاي غيرمتعارف مقداري روغن معدني تناول مي‌نمايد. در طول خوردن آنها نيز مقداري زباني آب مي‌نوشد. به نظر مي‌رسد كه ضخامت ديواره معده و روده‌هاي لوتيتو دو برابر يا حتي چند برابر مردم عادي است و اسيدهاي معده‌اش آنقدر قوي هستند كه مي‌توانند غذاهاي فلزي او را هضم كنند



صد و چهل سال عمر

يوشيرو ناكاماتسو كه روز بيست و ششم ژوئن سال ۱۹۲۸ به دنيا آمده يك پزشك مي‌باشد.

سربازي كه ۲۸ سال مخفي شد

شويجي يوكويي سربازي بود كه در سال ۱۹۴۱ به ارتش امپراطوري ژاپن احضار و كمبي پس از آن به <گوم> منتقل شد. در سال ۱۹۴۴ وقتي نيروهاي آمريكايي جزيره گوم را تسخير كردند، يوكويي از ترس

كشته شدن به جنگل رفت و در آن جا پنهان شد. روز ۲۴ ژانويه سال ۱۹۷۲ يوكويي توسط دو تن از ساكنان آن محل در يكي از نواحي دوردست <گوم> پيدا شد. در مدت ۲۸ سال در يك غار زيرزميني كه خودش آن را كنده بود مخفي مانده بود و با وجود اينكه مدت‌ها پس از پايان جنگ جهاني دوم اعلاميه آن را در نزديكي غار خود پيدا کرده بود ولي باز هم مي‌ترسيد از مخفيگاهش بيرون بيايد. او پس از بازگشت به ژاپن در حاليكه تيانچه زنگ‌زده خود را به كمرش بسته بود گفت: واقعا عجيب است كه من پس از اين همه سال زنده از جنگل بيرون آمده‌ام

مردی كه رسماً مرده بود



لعل بيهاري متولد سال ۱۹۶۱ يك كشاورز از منطقه <اوتارپرادش> هندوستان است. او ظاهراً يك انسان

معمولي است ولي يك تفاوت عمده با ديگران دارد و آن اينكه <بيهاري> از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۴ يعني مدت هجده سال از نظر دولت مرده بود. او انجمن <مرتيك سنگ> يا <انجمن مردگان> را در <اوتار پرادش> تاسيس كرد و مدت هجده سال با نظام بروكراسي دولت هند جنگيد تا بالاخره در سال ۱۹۹۴ ميلادي توانست ثابت كند هنوز زنده است. در سال ۱۹۷۴ وقتي <لعل بيهاري> تصميم گرفت از بانك وام بگيرد. تازه فهميد كه از نظر دولت مرده است

عموي بيهاري به يكي از كارمندان دولتي رشوه داده بود تا نام او را در ميان مردگان بنويسد و بدین ترتيب مي‌خواست ملك و املاك بيهاري را تصاحب كند. مدتي بعد بيهاري دريافت كه او تنها كسي نيست كه اين وضعيت را دارد و حداقل صد نفر ديگر مثل او مرده قلمداد مي‌شدند. همان وقت بود كه تصميم گرفت انجمن <مرتيك سنگ> را تاسيس كند او و بسياري از اعضاي اين انجمن در خطر

تفاوت افسردگی در زنان و مردان



پرخاشگری و خشم را (که رفتار پسندیده تر به نظر می آید) پیشه کنند. افزون بر این، معمولاً برای مردها، از عهده نشانه های افسردگی برآمدن، طاقت فرساست. ایشان ترجیح می دهند که با علامی از این دست، مردانه برخورد کنند. این نگرش، هنوز بر بسیاری از نهادهای مرد سالار نظیر ارتش و ورزش حکم فرمات. در محیط های ورزشی و ورزشی به مردها می آموزند که سختی و پایداری به مفهوم برتافتن و کنار آمدن با درد جسمی بوده و تسلیم پریشانی عاطفی شدن، جزء محرمات است. مردها به جای یاری جویی که به زعم آنان، نمایانگر ضعف و زبونی است، بیشتر به خودکشی روی می آورند تا، به این خیال خام بر افسردگی چیره شوند. آیا افسردگی مردان، درمان پذیرست؟ افزون بر ۸۰٪ مردان و زنان افسرده خاطر را می توان به طور موفقیت آمیزی با داروهای ضدافسردگی و روان درمانی یا توأماً معالجه کرد. تأثیر مصیبت و داغیدگی در افسردگی برداشت مردان از مرگ، با زنان متفاوت است. امکان دارد این موضوع به باور آنان مربوط باشد که می پندارند باید در صورت بروز مصیبت دل قوی داشته باشند و دیگر این که هیجان نمایی، نشانه ی ضعف و ناتوانی است. مردها تمایل دارند که مسئولیت کامل داغیدگی را به عهده گیرند و غم و اندوه شان را فرو نشانند. پژوهش ها حاکی از آنند که این سرکوبی و پنهان سازی زمان غمناکی را افزون ساخته و به عوارضی مانند تشدید غضبناکی، پرخاشجویی و سوءاستعمال مواد مخدر می انجامد. نشانه های جسمی احتمالا شامل افزایش میزان کلسترول، زخم ها، پرفشاری خون و پریشان احوالی است. از آن جا که بسیاری از مردان در بیان آشکار احساسات شان ناتوانند، بنابراین با پرداختن به فعالیت های بیشتر مثل اضافه کاری کردن یا به سفرهای کاری رفتن، می توانند اوقات زندگی خود را سپری کنند. ایشان ممکن است به رفتارهای مخاطره جویانه همچون ورزش های خطرناک دست زنند. پاره ای رفتارها اعتیادآور چون باده نوشی یا سوء مصرف مواد مخدر، در نتیجه ی اندوه نهان، شدت می یابند.

پیشینیان، افسرده جانی را مرض زنانه می پنداشته و به هورمونها مرتبط می دانستند. ممکن است این باور دیرین برخی مردم را از تشخیص نشانه ها و انتخاب روش درمانی مناسب باز دارد. در واقع، افسرده دلی، هر دو جنس زن و مرد را مبتلا می سازد. پیوند را می گسلد و مانع کار و فعالیت های روزانه آن ها می شود. علائم شوریده حالی در آنان همسان است. و به طرز متفاوتی بیان می شود شایع ترین نشانه های افسرده دلی عبارتند از: اعتماد به نفس اندک، اندیشه ی خودکشی، بی میلی به تلاش های معمولاً دلپذیر، خستگی، تغییر اشتها، آشفتگی خواب، بی احساسی و مشکلات جنسی مشتمل بر کاهش تمایل به آن. بنا به دلایل متعدد، معمولاً علامت های افسردگی مردها را نمی توان باز شناخت. مردان ناراحتی های خویش را انکار می کنند. زیرا تصور همگان بر این است که اینان جنس قوی هستند. بیان احساس، عمدتاً جزء خصلت زنان شمرده می شود. در نتیجه مردان به جای این که نشانه های وابسته به هیجانات را بر زبان جاری سازند، به احتمال زیاد از علائم جسمی افسردگی شان، همچون احساس خستگی سخن می رانند. افسرده حالی در تمایل جنسی و عمل کرد آن اثر می نهد. مردها غالباً نمی خواهند کاستی های قوای جنسی خود را بپذیرند و به اشتباه حس می کنند که اشکالات موجود از این بابت، به جنسیت آنان بستگی دارد. به خصوص در حقیقت زمانی که با یک اختلال پزشکی رو به رو می شوند. نشانه های آشکار افسردگی زنانه را بهتر از افسردگی مردانه می توان دریافت. مردها کمتر علامت های ویژه ی دل افسردگی همانند گریه، اندوه باری و بی میلی به کارهای دلنشین قبلی را بیان داشته، یا به طور زبانی افکار مربوط به خودکشی را به گوش مخاطب می رسانند. در عوض مردها به احتمال زیاد احساسات شان را پنهان می کنند. لکن ممکن است تحریک پذیرتر و پرخاشگرتر باشند. بنابه همین دلایل، بسیاری از مردان و نیز پزشکان و سایر کارشناسان و مراقبان بهداشت از تشخیص بیماری افسردگی درمی مانند. برخی از متخصصان بهداشت روانی نظر بر این دارند که اگر نشانه های افسرده تنی گسترش می یافت و شامل خشم، سرزنش و ناسزاگویی می شد، امکان تشخیص افسردگی شمار زیادی از مردان میسر شده و درمان صحیح آن میسر می شد. افسرده حالی مردها، پیامدهای فراوانی دارد. براساس گزارش مرکز پیشگیری و مهار بیماری ها، سی دی سی - واقع در آمریکا - احتمال خودکشی مردان آمریکایی چهار برابر بیش از زنان این سرزمین است. آمار تکان دهنده حکایت از آن دارد که ۸۰٪ کسانی که به این عمل مبادرت می ورزند، مردان هستند. هرچند شمار زنانی که در این وادی گامی می نهند کم نیست. ولی بیشتر مردها هستند که به این وسیله به زندگی شان پایان می دهند. شاید علت این باشد که مردان برای پرداختن به چنین عملی، به شیوه های خطرناک دست می زنند یعنی مثلاً به جای مصرف زیاد تر از حد دارو، به کاربرد سلاح متوسل می شوند... و اما چرا افسردگی مردان متفاوت است؟ آگاهی از طرز پرورش و رفتار مردها در جامعه، در تشخیص و مداوای افسردگی شان اهمیت بسزایی دارد. پریشان حالی اینان اغلب از انتظارات فرهنگی شان سرچشمه می گیرد. همه می پندارند که مردان کامیاب اند. آن ها باید جلوی هیجانات خود را بگیرند و تحت نظر باشند. این گونه فرهنگ قادر است برخی از علائم واقعی افسردگی را پنهان ساخته و در عوض

سفری در طوفان

نویسنده: م.س

آنچه قبلا خواندید

فرشاد و ترانه اتفاقی با هم آشنا میشوند و میان آنان عشق و محبتی به وجود می آید ترانه دختری از تازه به دوران رسیده های حکومتی است که عنوان سرداری هم دارد و قصد دارد دخترش را به پسر یکی از همپالگی های خودش دهد تا به موقعیتش کمک کند فرشاد از خانواده ای متوسط و معمولی است که با مرگ پدرش با مادر خود زندگی می کند و میراث اندکی از پدر را سرمایه زندگی کرده است فریبا و فرهاد خواهر و برادر فرشاد هستند که فرهاد در انگلستان زندگی می کند و فریبا شوهر کرده و مشغول زندگی خودش است

فرشاد یک بار با خانواده اش به خواستگاری ترانه می روند ولی با عکس العمل بی ادبانه پدر ترانه مواجه می شوند ولی دیدارها و رابطه ترانه و فرشاد ادامه پیدا می کند که متوجه می شوند ترانه حامله است که تصمیم می گیرند ترانه را بدون اطلاع خانواده اش به انگلستان فراری دهند تا بعد فرشاد هم به او ملحق شود ترانه در خانه فرهاد متوجه میشود عوامل پدرش فرشاد را دستگیر کرده اند

فرهاد که نگران جان برادرش و خانواده اش در ایران است تنها راه چاره را در برابر پدر ترانه مقاومت و مبارزه و حتی تهدید می بیند که از راه تهدید پدر ترانه که چنانچه رسانه های ضد رژیم با خبر شوند دختر یک سردار شناخته شده فرار کرده است و به خارج آمده و در معرض تهدید خطر قرار گرفته است سوژه جنجالی بسیار خوبی خواهد بود و به همین منظور چنین تهدیدی را به گوش خانواده ترانه رساند

طی تماسهایی که فرهاد و ترانه از لندن با فرشاد و خانواده اش توانستند برقرار کنند و طی یک مکالمه شدید بین ترانه و پدرش بالاخره فرشاد آزاد شد و به خانه خواهرش رفت و تلفنی جریان آزادیش را به اطلاع ترانه و فرهاد رساند

آخرین مکالمه ترانه و خانواده اش همراه با جنجال و تهدید بود و بالاخره ترانه به آنان اعلام کرد که تا آخرین رمق مقابل زورگوییهای پدرش خواهد ایستاد

ولی در آخرین تماس فریبا خواهر فرهاد با دلهره و نگرانی به ترانه و فرهاد خبر داد که پاسداران اعزامی پدر ترانه ؛ فرشاد را دوباره دستگیر کردند و با خود بردند.....

فرشاد به شکل رقت باری در گونی تقلا می

فرشاد نگون بخت نمی داد تا دوباره عدم واکنش از سوی فرشاد نشان داد او از حال رفته است . فرهاد سعی داشت مسئله دستگیری فرشاد را از ترانه پنهان سازد و تنهایی نزد وکیل رفت و قبل از خروج از خانه یواشکی سیم تلفن را هم بیرون آورد که از ایران کسی با ترانه تماس نداشته باشد و ظاهرا وانمود می کرد که تلفن خراب شده و زنگ نمی خورد.

وکیل پس از شنیدن حرفهای فرهاد و دستگیری فرشاد گفت :

شرایط سختی است ما با گروهی طرف هستیم که از مقررات زندگی بشری تبعیت نمی کنند قانون جنگل در آن کشور حکم فرماست ولی باید ما هر چه می توانیم از طریق راههای قانونی و کانالهای حقوق بشر این ماجرا را دنبال کنیم ولی برای مهار خشم پدر ترانه باز هم باید متوسل به تهدید از کانال رسانه های ضد حکومتی در خارج از کشور شد و بهترین راه این است که تو بتوانی از کانال یکی از تلویزیونها که در ایران هم دیده میشود عکس و مشخصات فرشاد را نشان دهی و وانمود کنی که چنین شخصی با این مشخصات مدتی است در ایران ناپدید شده است و خانواده شما و همسرش به شدت نگران او هستند و چنانچه کسی خبری از او دارد می تواند با شماره تلفنی که همین شماره دفتر من است تماس بگیرد و مزددگانی دریافت نماید

این اقدام اول است که پدر ترانه بفهمد که شما هم بیکار ننشسته و در مقابل او عکس العمل نشان خواهید داد

فرهاد با توجه به فعالیتهای سیاسی که طی مدت اقامتش در خارج از کشور داشت با دوستانش تماس گرفت و آنان هم با ارتباطی که با یکی از کانالهای تلویزیونی در لندن داشتند مسئله پخش عکس و مشخصات فرشاد را حل کردند سپس فرهاد بدون اطلاع ترانه با خانه آنها تماس گرفت و وقتی صدای مادر ترانه را شنید به آرامی ولی با صدایی مطمئن به او گفت:

خام عزیز. من برادر فرشاد هستم لطفا به شوهرتان اطلاع دهید فردا به وقت ایران ساعت ۹ شب کانال را تماشا کند مسلما برای ایشان جالب خواهد بود و تلفن را قطع کرد.

فرهاد به خانه آمد ترانه را دید که نسبتا آرام است بوی غذای خوش ایرانی خانه را پر کرده بود فرهاد ترانه را در آغوش گرفت و بوسه ای بر موهایش زد و آرام سرش را به طرف شکم او برد و با خنده گفت :

سلام ؛ عمو تو هم مثل عمو گرسنه ای ؟ قربونت بره عمو؛ و هر دو خنده کنان به اتفاق نشیمن رفتند و فرهاد با زمینه چینی شروع کرد

خوب ترانه خام چه خبر؟

خبر؟ از کجا؟ از دیشب و آن همه ماجرا که فعلا خبری نیست تلفن هم که قطعه!

آره راست می گی یادم نبود تلفن قطع شده!

کرد دستها و پاهایش را با تسمه ای بسته بودند و پارچه هم به دور دهانش بود لحظاتی احساس می کرد که مرگ را جلوی چشمانش می بیند نفس کشیدن بسیار برایش سخت بود مدتی طول کشید تا ماشین توقف کرد و دو تا پاسدار با خشونت و فحش های رکیک او را چون گوسفندی از درون ماشین به روی زمین انداختند سر؛ بخشی از صورت؛ کتف و قسمت پائین بدن فرشاد بشدت با زمین سفت برخورد کرد به طوری که لحظاتی نفس او بند آمد.

پاسدارها در گونی را باز کردند و فرشاد را چون تکه ای گوشت از آن به بیرون پرتاب کردند و یکی از پاسدار ها چنگ در موهای او کرد و فرشاد را با تمام وزن با موهای بلند کرد و با دادن چند دشنام او را به جلو هل داد.

دقایقی بعد فرشاد را به اتاقی بردند و فرشاد در برابر خود یکبار دیگر پدر ترانه و سه پاسدار دیگر را دید که با خشمگین به او چشم دوخته بودند تا اینکه یکی از آن سه مرد به پدر ترانه گفت :

سردار شما ناراحت نباشید فقط چند ساعت به ما فرصت بدید از این بچه ژنگول چنان بره رامی می سازیم که دیگه از این غلط ها نکنه. پدر ترانه لحظاتی در گوشه اتاق غور و نیمه تاریک با آن سه نفر حرفهایی آرام زدند و سپس پدر ترانه رفت.

سه پاسدار که گویی منتظر بودند چون گرگ بطرف فرشاد حمله کردند و با مشت و لگد به جان او افتادند و در مدت چند دقیقه سر و صورت و پیکر فرشاد غرق در خون و درد شد ؛ او با دستها و پاها و دهان بسته گویی تنها با چشمهایش ضجه و فریاد می کرد

ضریات آن سه حیوان درنده باعث شده بود سراپای فرشاد غرق خون باشد تا اینکه فرشاد بیهوش شد و از شدت درد از حال رفت ولی آنان ول کن نبودند و با ریختن سطل آب سردی به روی او باعث شدند فرشاد با تشنج و لرز تکانی بخورد و آنان او را با چنگکی مثل گوشت گوسفند در قصابی ها آویزان کردند

صحنه ای متاثر کننده و نفرت برانگیز شده بود جوانی با پیکری مجروح و در هم شکسته و سراپا خون آلود در هوا معلق می زد و سه گرگ وحشی گویی رقص مرگ دور پیکر او می کردند. دوباره سطل آبی به روی او پاشیدند و سپس با شلاق به جان او افتادند با هر ضربه شلاق قسمتی از لباس و پوست بدن فرشاد نیز کنده می شد و از محل ضربه شلاق خون جاری بود دهان بسته حتی اجازه فریاد کشیدن هم به

و باید اسمش را کوروش بگذاریم : ترانه می گفت دختر است و اسمش ایران است که البته اسم مادر فرهاد هم ایران است که به او مامان ایران می گویند

در همین لحظه صدای تلفن گفتگوی آنان را قطع کرد و فرهاد گوشی را برداشت

سلام داداش

سلام فریبا خبری شده؟

آره چند دقیقه پیش کثافتها فرشاد را آوردن ولی داداش چه گریه اجازه نداد فریبا حرف بزند و فرهاد هم سعی داشت که بهم نریزد و ظاهر خود را حفظ کند که ترانه متوجه نشود تا اینکه مهبیار گوشی رو گرفت و گفت :

فرهاد ، فرشاد رو آوردن و کلی هم ما رو تهدید کردند و رفتند ولی فرشاد داغونه : بی پدر و مادرها لت و پاره اش کردند ولی باز هم همین قدر که آوردنش خوبه الان می برمش بیمارستان و به دکتر رضوانی هم تلفن می کنم بیاد بیمارستان و ترتیب معالجه اش رو بده تا همین جابدونید که فرشاد پیش ماست.

مهبیار میشه باهاش حرف زد؟

خیلی خوب! پس به منم زودتر خبر بده!

باشه

فرهاد گوشی رو گذاشت و متوجه شد ترانه مضطرب و پریشان به او نگاه می کند و با لبخندی گفت:

یک خبر خوب برات دارم قراره یک باند قاچاق مسافر فرشاد رو در چند روز آینده از ایران خارج کنه فرشاد هم رفته بیکی از شهرهای مرزی که تا حدودی با مسیر تا مرز آشنا بشه احتمالا مکنه تا آخر هفته برگردن تهران و بعد ترتیب سفرش رو بده!

ترانه با خوشحالی و ذوق پرید و فرهاد رو بوسید و گفت:

پس چرا فرشاد خان خودش این خبرهای خوش رو نمیده؟ عیب نداره بذار پاش به اینجا برسه میدوم چکارش کنم.

هر دو زدند زیر خنده و با خوشحالی دنباله بحث اسم بچه رو پی گرفتند

فرهاد با اینکه ناخودآگاه مسئله خروج فرشاد رو واسه سرگرم کردن ترانه گفته بود ولی انگاری جرقه ای در ذهنش زد و فکر کرد چرا که نه؟ حالا که فرشاد آزاد شده بهترین فرصت برای چنین نقشیه ای است .

در بیمارستان دکتر رضوانی و دستیارانش دور تخت فرشاد که تقریبا بیهوش بود جمع بودند و پس از معاینه کامل دکتر رو به خانواده فرشاد کرد و گفت:

جراحات فرشاد خیلی عمیق و دردناکه ولی خوشبختانه شکستگی دیده نمیشود حداقل باید زخمهایش را بخیه کرد و زیر نظر باشه که دچار عفونت نشه چند روزی نیاز داره تا کمی جون بگیره و بتونه حرف بزنه و راه بره تا اینجا هر چه معاینه کردم از بیرون آسیب سخت دیده و چون مدت کوتاهی بازداشت بوده جراحاتش

فریبا گوشی رو به شوهرش داد

سلام فرهاد

سلام شوهر خواهر با معرفت دمت گرم!

البته مطمئن نبودم الان هم نیستی که کار درستی کرده باشم ولی دیدم حداقل میتونه مسئله دستگیری فرشاد مسئله ساز بشه و مجری برنامه هم الحق خیلی خوب آب و تابش داد

آره مهبیار جون فقط اگر از سوی پدر ترانه تماس گرفتند شما کاملا ابراز بی اطلاعی کنید

دقایقی فریبا و مهبیار : ترانه و فرهاد و مادر فرهاد با هم حرف زدند و هر کدام به دیگری دلداری و دلگرمی می داد

در خانه ترانه، سکوتی سنگین حاکم بود. دیدن صحنه های تلویزیونی و مهم تر از همه تلفنی که شد و اطلاعاتی که از دستگیری فرشاد



داده بود باعث نگرانی و سرگیجه پدر ترانه شده بود

شک و گمان او از شخص تلفن کننده به یکی از همکاران رقیب در سپاه رفته بود و پدر ترانه فکر می کرد او با دادن اطلاعاتی به یک نفر دیگر باعث آن تماس شده است

سرردگمی توام با عصبانیت و خشم باعث شده بود پدر ترانه شکست خورده تلفن دستی اش را درآورد و شماره ای را بگیرد

الو- یاسر : گوش کن این پسر بی پدر و مادر را همین الان ببرید بپندازید در خونه اش و به فک و فامیلش بگید اگه حرفی بزنند پدرجداشون را میارم جلو چشمشون! فهمیدید؟ زودتر ببریدش!

تمام فکر پدر ترانه مشغول انتقامجویی از یکی از رقبایش در سپاه بود چون فکر می کرد که مکنه واسه ضربه زدن به موقعیتش مسئله ترانه را اگه کامل بدون به بوق و کرنا کنه بهمین دلیل تصمیم گرفت فعلا فرشاد رو ول کنه و موضوع ترانه را مسکوت بگذارد تا کمی آنها از آسیاب بیفته!

فرهاد و ترانه در باره اسم نوزاد متولد نشده با هم بحث می کردند و صحبت بر سر جنسیت نوزاد بود که فرهاد اعتقاد داشت پسر است

تا فردا بعد از ظهر درست میشه! ضمنا می خواستیم نظرت رو بدویم که اگه ما به قدم از بابات جلوتر برداریم چیه؟

چیکار کنیم؟

فکر کردم عکس فرهاد را به تلویزیونها بدیم و بگیریم فرشاد گشمنده یعنی به بابات علامت داده ایم که بدون ما بیکار ننشسته ایم!

فرهاد هر کاری که صلاح می دونی بکن چون من می دویم فرشاد در چه جهنمی گیر کرده مکنه فعلا ولش کن ولی بابام ول کن نیست

باشه ترانه جون من امروز ترتیب اینکار رو می دم.

فرهاد خیالش تا حدودی راحت شد که قسمتی از ماجرا را به ترانه گفته است ولی موضوع دستگیری فرشاد را پنهان ساخته بود زیرا مکن است شنیدن چنین خبری باعث صدمه خوردن به جنینی شود که در شکم ترانه در حال رشد و تکوین است

فردا هر چه به ساعت موعود پخش برنامه تلویزیونی نزدیکتر میشد التهاب و هیجان ترانه و فرهاد هم بیشتر می شد بالاخره مجری یکی از برنامه های تلویزیونی کانال مورد نظر با مقدمه ای در باره گمشدن فرشاد با نشان دادن عکس و مشخصات او از همه درخواست کرد چنانکه از وی خبری دارند با تلفن اعلام شده تماس بگیرند

ترانه و فرهاد با چشمانی مضطرب به هم نگاه می کردند و مجری برنامه در ادامه برنامه اش که با مردم از طریق تلفن حرف می زد و بیننده ای زنگ زده بود و چنین گفت:

آقا: من از ایران زنگ می زم البته در باره موضوع برنامه شما نمی خواهم حرف بزنم بلکه در باره عکسی که نشان داده اید می خواستم بگم صاحب این عکس دو روز پیش به وسیله پاسدارهای منطقه لوپزان دستگیر شده و الان هم در بازداشت به سر می بره و همین قدر بگم که حالش اصلا خوب نیست

تلفن قطع شد لحظاتی مجری برنامه هم غافلگیر شده بود

رنگ چهره ترانه پریده بود فرهاد هم شوکه شده بود هرگز انتظار چنین تلفنی را نداشتند فرهاد البته صدای تلفن کننده را شناخت ولی متعجب بود که چگونه به این سرعت او تماس گرفت و چنین ماهرانه بخشی از ماجرا را بر ملا کرد بلافاصله فرهاد به طرف تلفن رفت و شماره منزل خواهرش فریبا را گرفت

و پس از لحظاتی صدای از آن سو شنیده شد

فرهاد - سلام فریبا جون مهبیار خونه است

سلام داداش آره شما هم شنیدید

آره ولی مهبیار چطور این قدر سریع موضوع را گرفت؟

می دویم فقط امیدوارم کار درستی کرده باشه چون من مخالف بودم!

نه خواهر فکر می کنم کارش با اینکه هماهنگ نشده بود ولی خیلی کمک کنه گوشی رو بده باهاش حرف بزنم

داستان يك اشتباه

مهنراز را از زمان دبیرستان مي‌شناختم. دخترقد بلند و چشم و ابرو مشكي بود كه اغلب بچه‌ها را در حياض مدرسه جمع مي‌كرد تا براي‌شان فيلم‌هايي را كه ديده بود تعريف كند. دو سال بعد از ديپلم به من اعتراف كرد: تمامش را از خودم ساخته بودم... همه‌اش خيال‌ها و روايه‌اي خودم بود. چيزي كه از فيلم‌ها به ياد مي‌آوردم ماجراهاي عاشقانه پرسوز و گداز عروسي‌هاي پرخرج بود و اما چيزي كه اصلاً به فكرم نرسيد اين بود كه او آنها را از خودش درآورده باشد. گاهي فكر مي‌كردم چرا؟ اما چيزي به فكرم نرسيد از خودش هم كه سؤال مي‌كردم نشانه بالا مي‌انداخت: چي مي‌شه سرتون رو گرم كنم؟

اما مسئله، جدي‌تر از سرگرم كردن ديگران بود. هيچ وقت فكر نمي‌كردم كه ديدگاه آدم‌ها بتواند به اين سرعت عوض شود اما اگر مي‌فهميدم او تحت هيجاناتش عمل مي‌كند شايد ديگر تعجب نمي‌كردم. اين را وقتي (مهنراز) در رشته تغذيه قبول شد و براي‌ش خواستگار آمد، فهميدم. وقتي يك روز هيجان‌زده به خانه‌ام آمد و ماجرا را تعريف كرد انگار داشت مثل دوره دبیرستان براي‌ام فيلم تعريف مي‌كرد. واقعا هم چيزي كه پيش آمده بود، كم از يك فيلم سينمائي نداشت.

مهنراز در يك مهماني شركت كرده بود و هم زمان چهار خانم جا افتاده او را براي پسرهاي‌شان خواستگاري كرده بودند. مادر مهنراز هر روز هفته را به يكي از آنها اختصاص داده بود. خواستگارا با دسته گل و شيريني مي‌آمدند. نيم ساعتی از هوا و ترافيك حرف مي‌زدند بعد مي‌رسيدند به اصل مطلب. مهنراز با آنها به اتاقي خلوت مي‌رفت و يك ساعتی صحبت مي‌كرد. ريزكارها و برنامه‌هاي‌شان را در مي‌آورد. اين كه كدام دانشگاه رفتند و چه قدر حقوق مي‌گيرند. مدل ماشين‌شان چيست و خانه شخصي‌شان در كدام محله واقع شده است؟ در اين مكالمات يك طرفه چون مهنراز دليلي نمي‌ديد درباره خودش اطلاعاتي به آنها بدهد سه نفرشان در جا رد شدند چون يكي ماشينش پيكان بود و ديگري مي‌خواست در طبقه بالاي خانه مادرش سكونت كند و ديگري فوق‌ديپلم داشت. مهنراز به اين قسمت داستان كه رسيد چايش را كه سرد شده بود به دهان برد و فوري آن را زمين گذاشت.

اما. خواستگار چهارم. هم خوش‌تيب بود. هم خصيل‌كرده خارج. هم خانه در شمال شهر داشت هم ماشين زانتيا. هم پول‌دار و... چند لحظه سكوت كرد تا واكنش مرا ببيند.

باورم نمي‌شد شايد اگر تازه از سالن سينما بيرون آمده بودم مي‌توانستم داستان فيلم را باور كنم اما اين زندگي واقعي مهنراز بود نه فيلم... گفتم:

يعني تو واقعا مي‌خواهي ازدواج كني؟

انگار حرف نامربوطي زده باشم. چند لحظه اخم كرد و نگاهم كرد: از نظر تو اشكالي داره؟

اشكال كه نه... اما... تو تازه دانشگاه قبول شدي فكر نمي‌كني با اين عجله...؟

چشم‌هاي‌ش را باريك كرد: اگه خودت همچين خواستگاري داشتی به لحظه صبر مي‌كردي؟

رنجيده رو از من برگردوند: تو خيلي بچه‌اي فريده. كي مي‌خواي بزرگ شي... بالاخره همه بايد ازدواج كنن. دور و برت رو نگاه نمي‌كني كه چه طور همه هم‌كلاسي‌ها تند و تند دارن مي‌رن اونم چه شوهرايي

از لحن تندش جا خوردم و احساس كردم شايد اصلاً درست نبود وقتي منتظر تبريك گفتنم است ته دلش را خالي كنم. اما نتوانستم جلوي حرفي كه به زبانه آمده بود را بگيرم: دليل نمي‌شه كه چون همه دارن اين كارو مي‌كنن ما هم ازشون تقليد كنيم

پس چي كار كنيم؟ همه اينو مي‌گن اصلاً زندگي يعني همين... آدم تا كي مي‌تونه تنها بمونه؟

با اين كه رنجش را در خطوط صورتش مي‌ديدم و او مهمانم بود و بايد از دلش در مي‌آوردم. اما نمي‌توانستم چيزي را كه به ذهنم رسيده بود نگوييم. كسي نگفته تنها بمون اگر واقعا كسي اون قدر خوب بود كه نمي‌تونستي ازش چشم پيوشي منم مي‌گم معطل نكن... اما تو از محاسن اين خواستگارت هيچ چي نگفتي براق شد: نگفتم؟ نگفتم؟... نگفتم ماشين و خونه داره... پولداره... آدم ديگه چي مي‌خواه؟ اينما شد حسن؟ -

طوري نگاهم مي‌كرد. انگار عقلم را از دست داده باشم. آب دهانش را قورت داد: نكنه تو هم فكر مي‌كني زندگي فيلم سينمائي به... چشماتو باز كن فريده تو اصلاً جامعه رو نمي‌شناسي با اين حرفش بود كه فهميدم اين دفعه به جاي فيلم واقعا واقعيت را تعريف كرده. همه مردهاي فيلم‌هايي كه تعريف مي‌كرد آدم‌هاي خوبي بودند. شجاع و مهربان و انسان گرچه دست‌تنگ و ندار اما چه طور شده بود پاي خودش كه رسيد وسط. همه آنها شدند خيال و رواي؟ هيچ وقت به آدمي مثل او برخورد نكرده بودم آدمي كه فاصله بين خيال و واقعيتش اين قدر زياد باشد. ورود مادر. صحبت‌مان را قطع كرد. براي اين كه گمان نكند از روي حسادت حرفي زده‌ام به مادرم گفتم كه او مي‌خواهد ازدواج كند

مادرم خنديد و به او تبريك گفت و شايد بدون قصد حرفي را زد كه بعدها به درستي‌اش پي بردم: (خوب جنبيدي مهنرازجان... خواهرت كم مونده بود ازت جلو بزنه)

زمنمه ازدواج خواهر كوچك‌تر (مهنراز) مدتي مي‌شد در محله پيچيده بود. اما من گمان نمي‌كردم اين دو مسئله ربطي به هم داشته باشد مهنراز به زور لبخند زد: نمي‌شد جلو بزنه. فوقش بايد عقب مي‌انداخت

من حتي متوجه معني كه پشت حرف او خوابيده بود. نشدم شايد چون خودم خواهر كوچك نداشتم. اما تا مدت‌ها فكر مي‌كردم او واقعا تصميم به ازدواج گرفته بود يا فقط داشت از بقيه تقليد مي‌كرد؟

مهنراز خيلي زودتر از آن كه فكر مي‌كردم ازدواج كرد گرچه هيچ كدام از هم‌كلاسي‌هاي‌ش را دعوت نكرد. اما من فكر كردم دعوت نشدن من شايد از رنجش او باشد و اين طور از زندگي هم كنار رفتيم. من همان سال رشته روان‌شناسي قبول شدم و پشت سرش امتحان كارشناسي ارشد دادم. سرم به كتاب و درس گرم بود. اما گه‌گداري كه براي

خواستگار مي‌آمد ناخودآگاه ياد مهنراز مي‌افتادم. كسي خبري از او نداشست خانواده‌اش هم مدتي بعد. از محله ما رفتند. فكر مي‌كردم كسي كه در خيال‌اتش دنبال مردی آرمانی می‌گشت و در واقعیت مطابق چیزی كه باب روز بود و اغلب خانواده‌ها به همین خاطر به آن اهمیت می‌دادند رفتار می‌كرد چه‌طور زندگي‌اي مي‌تواند داشته باشد؟ واقعا ماشين و خانه آن قدر مهم بود كه بقيه چيزها در برابرش كم‌رنگ شود؟

روزي كه علي و مادر و خواهرش به خواستگاري‌ام آمدند جواب سؤالات را گرفتيم. علي چهره خيلي معمولي داشت و زمان راه رفتن كمی مي‌لنگيد و اين قضيه آن قدر توي ذوقم خورد كه وقتي چاي آوردم مطمئن بودم پاسخ منفي خواهم داد. اما وقتي مادرش گفت او چند سال قبل كه در جنوب سد مي‌ساختمند براي لحات دوستش دچار اين عارضه شده است چيزي در دلم تكان خورد به خصوص اين كه علي تلاش مي‌كرد مادرش را ساكت كند

مادرش گفت: (مي‌دونم علي خوشش نمي‌ياد اما من آدم ركي هستم. نمي‌خوام اجر علي رو خراب كنم فقط خواستم بدونين مشكلش مادرزادي نيست آنها يك ساعت بعد از خانه ما رفتند. مادرم حرفي نزد. اما لابد مطمئن بود من كه به خواستگاراهاي بهتر از او جواب رد داده بودم براي جواب منفي احتياج به فكر كردن ندارم

ولي من آن شب تا صبح بيدار ماندم و به او فكر كردم. بعد از سال‌ها انگار ذهن و روحم از درس و دانشگاه بيرون كشيده مي‌شد. هيچ وقت مثل آن شب آن قدر جدي به ازدواج فكر نكرده بودم. فكر مي‌كردم. كسي با اين روحيه مي‌تواند همسر مناسبی برای باشد و اگر من به خاطر يك نقص عضو ساده بخوام بي‌اعتنا از كنارش بگذرم فرصت يك ازدواج خوب را از دست خواهم داد. مادرم فقط يك بار كه با هم تلويزيون نگاه مي‌كرديم گفت: طفلک پسر خوبي بود اما حيف! و اين جمله يعني حتي لازم نديده بود. نظر مرا بخواهد. دو سه روز بعد كه مادر علي براي جواب گرفتن زنگ زد. در آشپزخانه ميوه مي‌شستم. متوجه شدم كه مادرم خودش را آماده مي‌كند تا با زمينه‌سازي مثل دفعات قبل درس من را بهانه بياورد و جواب‌شان كند. ضريان قليم يك دفعه آن قدر بالا رفت كه نفهميدم چه طور ميوه‌ها را رها كردم و خودم را به اتاق رساندم

مادرم از ديدن من با آن حالت چنان جا خورد كه گوشي از دستش رها شد. آن را برداشتم و دستش دادم آهسته گفتم كه بگويد (مي‌خواهيم بيشتر با هم آشنا شويم. تمام فكر و خيالاتي كه روزهاي قبل داشتم باعث شد آن جمله بدون اين كه بدائم واقعا چه كار مي‌خواهم بكنم از دهانم بيرون ببرد. مادرم چند لحظه با چشم‌هاي گرد نگاهم كرد و بعد با لبخندي تصنعی جواب را به آنها گفت و براي روز بعد اجازه داد با علي بيرون برويم

از هر دري حرف زديم. فكر مي‌كردم چه قدر اطلاعاتش در هر زمينه بالاست. چه قدر قشنگ صحبت مي‌كند طوري كه حتي به نظرم زيبا رسيد. وقتي ما را به خانه رساند تمام راه فكر مي‌كردم او همان كسي است كه هميشه دنبالش بودم

نامزدش مراسم اونا رو زود بندازم راستی راستی همه به جور دیگه نیگام می‌کنن... با خودشون چی فکر می‌کردن. شبها خواب نمی‌برد و برای همین تو مدرسه از خودم فیلم می‌ساختم و براتون تعریف می‌کردم. اون فیلما باعث می‌شد. واقعیت رو فراموش کنم و از زیر فشارها فرار کنم اما خودم بهتر از هر کسی می‌دونستم که واقعیت ندارن. وقتی برام خواستگار اومد برای راحت شدن از حرف بقیه و هم این که بالاخره همه آدما تو فیلم ازدواج می‌کردن تصمیم گرفتم ازدواج کنم و چون همه می‌گفتن عنوان و پول مهمه با محسن ازدواج کردم چون همه چیزایی رو داشت که برای بله گفتن بتونم خودمو قانع کنم... فقط حالا که سال‌ها از اون موقع می‌گذره می‌فهمم چه اشتباهی کردم حتی اگه خواهرم ازدواج می‌کرد و مجبور می‌شدم گوشه کنایه بقیه رو تحمل کنم بهتر بود. چون می‌تونستم به ازدواج درست و موفق و احساس خوشبختی کنم. این مهمه نه این که مردم چی می‌گن. من زندگیمو به حرف مردم باختم... چای سرد شده را به لبها نزدیک کرد و فوری زمین گذاشت انگار خاطره آخرین دیدار دوباره تکرار می‌شد با این فرق که او حالا يك بيوه بود و من تازه در آغاز راه با تردید و هیجان گفت: اگر ازدواج نکرده باشی مردم به جور حرف می‌زنن. وقتی بيوه شده باشی به جور دیگه... نمی‌دونی چی کشیدم. مدام باید به همه جواب پس بدم که بین من و محسن چی گذشته و سرزنش بشنوم که باید تحمل می‌کردم آه عمیقی کشید و ساکت شد نمی‌دانستم چه بگویم. حرفی برای دلداري به ذهنم نمی‌رسید. یاد حرفهای مشاور افتادم که چه قدر درباره او صدق می‌کرد و انگار باید بعد از حرفهای او مهناز را می‌دیدم. جُسم عینی يك هشدار است. مهناز پساز چند دقیقه سکوت اشک‌هایش را پاك كرد و لبخندی زد: نگفتی تو چی؟ فکر کردم باید ملاحظه‌اش را بکنم اما نمی‌دانم چرا بی‌اراده گفتم که موردی برایم پیش آمده و دارم فکر می‌کنم. اما مهناز برخلاف تصورم. واکنشی نشان نداد که خیال کنم نسبت به این قضیه حساس است. در عوض دستم را گرفت و گفت: شاید. پس برای همین امروز باید همدیگر رو می‌دیدیم تا من تجربه‌ام رو برات تعریف کنم و بهت توصیه کنم که اگه کسی رو پیدا کردی که می‌تونست همسر تو باشه. بی‌اعتنا از کنارش رد نشو. چون اگه رد شدي و به خاطر چیزهایی که ارزش نداره از دستش دادی هم به خودت بد کردی. هم به اون. هم به بچه‌ای که يك روز خواهی داشت... می‌دونی دختر من در چه وضعیه؟ مادرم که برای بردن سینی چای آمد از چهره ناراحت مهناز چیزهایی حدس زده بود نیم ساعت بعد مهناز خداحافظی کرد و رفت به مادرم گفتم: تو که نمی‌خواهی منو مثل مهناز ببینی؟ او سکوت کرد و تنهاي گذاشت. فکر کردم که واقعا ضرورت ازدواج را حس کرده‌ام و تصمیم گرفتم زندگی مشترک داشته باشم یا نه؟ نه. چون این اتفاق بالاخره باید می‌افتاد. جواب دادن به

خودش را. او يك داستان‌گوی واقعی بود حالا که سرنوشت ما را تصادفی سر راه هم قرار داده بود انگار باید داستان فیلم نیمه‌کاره زندگیش را بدون این که سئوالی ازش ببرسم برایم می‌گفت: بیشتر از يك سال می‌شد که بيوه شده بود. شوهرش تنها دخترش را از او گرفته بود و قصد داشت با زن دیگری ازدواج کند که قبلا هم با او سر و سری داشت. تا پادش می‌آمد. يك روز خوش در زندگیش نداشت. مدام دعوایهایی که از مشکلات کوچک و بی‌اهمیت مثل حرف خواهر شوهر و جاری شروع می‌شد و به جر و بحث سر دیر خانه آمدن شوهرش و بی‌اعتنایی او می‌کشید. عصبی بود و پشت سر هم می‌گفت: آدما باید تو زندگی رشد کنن من رشد که نکردم هیچی از اون چیزی هم که بودم عقب‌تر افتادم من مبهوت نگاهش می‌کردم. چه اتفاقی را از سر گذرانده بود. کجا اشتباه کرده بود توی انتخابش یا توی مهار زندگیش؟ جلوی در خانه‌مان که ماشین را نگه داشت. برق حسرت را در چشمانش دیدم. محله قدیمی... زمانی که دختری شاد بود و رویاهایش را به شکل فیلم برای دوستانش تعریف می‌کرد. از او خواستم که داخل بیاید و با هم چای بخوریم. آن قدر خسته و درمانده بود که بی‌هیچ مقاومتی پذیرفت و در آغوش مادرم چند دقیقه گریه کرد. شاید به یاد مادرش که او را از دست داده. افتاده بود در اتاق که تنها شدم گفتم: یادت می‌یاد روز آخری رو که همدیگه رو دیدیم؟ فکر کردم از دستم دلخور شدي. اما من واقعا منظوری نداشتم. اون موقع هر دومون خیلی جوون بودیم با تاسف سر تکان داد: (اما حق با تو بود... شاید خودت هم نمی‌دونستی که داری چی می‌گی اما راست می‌گفتی. ساکت بودم. او حق داشت حتی حالا هم نمی‌دانستم چی درست است و چی غلط. اما او يك نمونه زنده جلویم بود. مهناز که سختی‌های زندگی او را پیرتر از سنش نشان می‌داد. گفت: اگه خواستی به روز ازدواج کنی شاید دیگه الان بتوانم رُک و راست بهت بگم که بدون شناخت به قدم هم جلو نرو... به حرف بقیه گوش نکن که می‌گن تو امر خیر حاجت هیچ استخاره نیست... به خودت وقت بده. بین از زندگی چی می‌خواهی؟ اصلا نیاز ازدواج موقتیه یا واقعی؟ این که تصادفی او را دیده بودم بی‌حکمت نبود و این مسئله از حرفهایش پیدا بود به نقطه‌ای نامعلوم خیره شده بود: ازدواج نکن چون همه دارن این کارو می‌کنن... چیزی که همه می‌گن حتما درست نیست شاید باشه اما به وقتش. نه هول هولکی... منم فکر می‌کردم خب این اتفاق باید بیفته به دختر خاله‌هام نگاه می‌کردم که تند و تند شوهر می‌کردن... انگار اون موقع تب عروسی تمام فامیل رو گرفته بود. خواهرم هم دست به کار شده بود و مادرم... چند لحظه مکث کرد: مادرم می‌گفت زود باش مهناز... نمی‌شه که خواهرت بره تو بمونی. مردم چی می‌گن. می‌گن لابد خواستگار نداشتی. اون قدر بهم گفت که باورم شد اگه مجبور بشیم به خاطر اصرار خواهرم و

اما مادرم که در تمام مدت بق کرده بود به محض این که به خانه رسیدیم خط و نشان کشید: فکر نکن از سر راه آوردمت که بدمت به به شل دست و پا چلفتی. آن شب برای اولین بار در زندگی‌ام میان من و مادرم مشاجره درگرفت به تصمیمم تردید داشتم وقتی تردیدم شدت گرفت تصمیم گرفتم به يك مشاور مراجعه کنم. یکی از دوستانم معرفم بود و می‌گفت کار خیلی‌ها را راه انداخته است. روزی که وقت داشتم به محض این که از در ساختمان داخل شد. سینه به سینه خانی شدم که با دستمال اشک‌هایش را پاك می‌کرد. گفتم ببخشید اما احساس کردم چه قدر چهره‌اش آشناست و يك دفعه او را شناختم. مهناز بود. گرچه صورتش جا افتاده بود اما خودش بود. او هم چند لحظه. خیره نگاهم کرد. چشم‌هایش از گریه متورم بود با صدایی بغض‌آلود گفت: خودتی فریده؟ همدیگر را بغل کردیم اما تمام شوق پیدا کردن او چون گریه می‌کرد در جا. جایش را به اندوه داد. پشت سر هم می‌پرسیدم چی شده؟ این جا چه کار می‌کنی؟ با لبخندی تلخ گفت: داستان خیلی طولانیه وقتی فهمید برای چه کاری آن جا هستم. گفت منتظر می‌شود تا بعد با هم به خانه برگردیم با تردید پرسیدم: دیرت که نمی‌شه؟ سر تکان داد: حالا دیگه نه وقتی به اتاق خانم مشاور رفتم هنوز دلم پیش (مهناز) بود. چه اتفاقی افتاده بود؟ چرا گریه می‌کرد؟ با سئوال مشاور به خودم آمدم و ماجرای علی را برایش تعریف کردم او به دقت به حرف‌هایم گوش داد و نکاتی را یادداشت کرد اما برخلاف تصورم به جای این که جوابی به من بدهد گفت: فکر می‌کنی اون‌هایی که زندگی هماهنگ و خوب دارن به این چیزا اهمیت می‌دن؟ گفتم: منم برای همین پیش شما اومدم. اصلا می‌خوام بدونم بر فرض به نقص کوچیک این قدر مهمه که...؟ فکر می‌کنم تو جواب سئوالت رو می‌دونی و اومدنت به این جا فقط واسه تایید است. اما من فقط می‌تونم بهت توصیه کنم به دام ازدواجی نیفت که امکان درک طرف مقابل نیست و تورو از اون چیزی که باید بهش بررسی دور کنه. فقط اگه حس می‌کنی به به شریک زندگی نیاز داری ازدواج کن. نه این که به اولین کسی که سر راهت سبز شد جواب مثبت بدی فقط چون می‌خواهی خودتو راضی کنی که بالاخره باید ازدواج کرد. باید لزوم ازدواج رو بفهمی... چرا داری به نفر دیگه رو با خودت شریک می‌کنی؟ از اتاق مشاوره که بیرون آمدم غروب شده بود اما به جای این که به زندگی خودم فکر کنم به زندگی مهناز فکر می‌کردم. او در اتاق. انتظار مرا می‌کشید. دیگر گریه نمی‌کرد اما آثار ناراحتی در صورتش بود. مرا سوار ماشین پڑویش کرد تا به خانه برساند. دلم می‌خواست مثل دوره مدرسه برایم فیلم تعریف کند اما این بار فیلم زندگی

نوشته های ملک

پیش عنوان : حکایت پرسشنامه مورد شکایت معلمان در باره محمد آتش به جان مدعیان روشنگری در برومیزها انداخته و عواطف «ریق ريقه» شان را جریحه دار ساخته! «اپوزان» های ضد شعور و خرد

مارکسیست - کلبعلیست های عیرانی در باشگاه ماتریالیست های

فاتالیست «مخدمه» ای در مقام مقدمه
نوشته حاضر که هدفی جز زجر کشیدن و زجر کش کردن شما مخاطبان گرامی را ندارد شامل چند فصل کوتاه و بلندست همگی در ارتباط به یکدیگر که زیر عناوین گونه گونه در معرض تف و لعنتان قرار می گیرد. سیاسگزارم خواندن نوشته ای جاندار و صادقانه با عنوان «توبه نامه نسل انقلاب به نسل امروز» به قلم داغ آقای محمود سربابی: آمده در شماره ۱۰۱۷ رنگارنگ مرا بر انگیخت تا این آلت شکنجه کلامی را آماده سازم و به جان اندیشه ها و عقاید احتمالیان اندازم! موفق باشم آن نوشته : این بنده را به یاد «گنه بنده کردست و او شرمسار» سعدی انداخت این بنده؟ آری! از قدیم و ندیم گفته اند کسی که در راه دیگران چاله و چاه حفر می کند خودش در آن می افتد اینکه که «آن بنده» بسی دیر هنگام درون چاله «من» افتاده طبیعی است که خودم در چاه «این بندگی» افتاده باشم! دنیا را دارمکافات دانسته اند «قطعیت ندارد ولی متحمل است» خواندن نوشته ایشان مرا «اکسیده» کرد پس بلافاصله زنگ زدم به دفترشان و گفتم تا آنجا که می دادم در آن دوران یخبندان شعور فرزندان مرز پرگهر : سرکار از جمله سازندگان یا در واقع ویرانسازان افکار عمومی نبوده اید. حداکثر ممکنست زیر تاثیر تلقینات و تبلیغات کلبعلی های مارکسیست و سپاهروزی نامه نگاران خناس همچون آن بیمایه ای که وجود منحوسش مایه شرم و ننگ اهل قلم است یعنی دکتر علی دکتر رضا دکتر کناس دکتر مشهدی و فری جون های تنکه آبونه ای و انواع اسمال خولیان رایحه عفن حاکمیت جاهلیت وارداتی و خمیلی و تمام میت طلبی را بوی جوی مولیان فرض نموده و در تظاهرات راه پیمایی ها نیز شرکت جسته باشید

مسئولیت ناموجود و سراب گونه قربانیان شستشوی مغزی کجا. خیانت های آشکار مزدوران بیگانه و خودی نمایان فرصت طلب و ناراستان اینک خودباور شده که در بوق انکر الاصوات من نبودم دستم بود تقصیر استینم بود . استینم هم ایلولوی ام بودکه پدر سوخته بدجویی نیرومند بود! همچنان می دمند کجا؟ شما شهامت اعتراف به گناه ناکرده را دارید و آنان لیاقت اقرار به ارتکاب خط و خیانتهايشان را که ندارند : هیچ : آسایش وجدان ناسورشان را در مقصر نمایاندن همگان می جویند! جامعه را

به ورطه ننگ و خفت هل داده اند و با بی خیالی مفرط در گوشه های امن خزیده ادای محترمان و مدعیان عفت کلام و ادب را در می آورند شما کجا : آنها کجا؟

آقای سربابی. من خنگ و عصبی را آگاهی داد که آن نوشته دارای بار سمبلیک است و خودشان هرگز در تظاهرات و راه پیمایی ها به سوی چاه خفت و رذالت و جنایت شرکت نداشته اند. حتی اگر به فرض نامکن شراکت هم جسته باشند هیچ تقصیری متوجه ایشان نیست . آنچه محرز است یک فرد شناخته شده در میادین ورزشی گمنام نمی تواند باشد تا در غربت یا قربت لافزنی کند و این چنین قاطعانه و با اعتماد به نفس نبردش را علیه جانباين يقه سپید و حق به جانب نما پیگیری نماید

شوروی سوسیالیستی دیگر گورش را گم کرده. حزب توده نیز به ظاهر مرده اما توده ای های واقعی : یعنی کسانی که پس از سقوط قبله آمال و حاجاتشان و از سر ناچاری و رعایت ریای ایئولوژیک متظاهرنده به خول پذیری: همچنان حضور دارند و نفوذشان در ابزار ارتباط جمعی نوشتاری و صوتی و تصویری برقرار است اینان تاکنون ممانعت ها کرده اند از افشای نکات بسیار مهمی که در صورت آشکار شدن آنانرا به .مخرج تعفن زای بدنامی دائمی خواهد راند پیش از اشاره ای به آنها و اثبات نقش بنیادین حزب توده در بروز عارضه حکومت مذهبی- آخوندی: دیدگاهم را در باره قلم و مسئولیت گرانش به ایجاز بیان می دارم

واژه را شلیک باید کرد قلم را همچون تفنگ بگیر و قلب خود را نشانه رو.....نترس! ماشه را بچکان نوشته هایی را ارزشمند و ارزشساز می دادم و جدی می گیرم - ولو آلوده به اغلاط املائی و دستوری باشند- که هنگام خواندنشان احساس کنم نویسنده همه نیروی حیاتی خود را در آن ریخته و با صراحت ناب لحظه مرگ .بدون پروا از امکان رنجاندن کسان و ناکسان. با صمیمیت و قاطعیت شوم مسیر گلوله.تا آخر خط زندگی می رود

نویسنده ای که با هر اثرش خودکشی نکرده باشد تا ققنوس وار باز جان گیرد و آماده خودکشی و خودسوزی شود نویسنده نیست قلمبازست : موجودکی سازشکار: هراس زده و حیران مانده در برهوت بی اعتمادی به نفس و زبونست که فقط بر حجم زیاله ها و نخاله ها و قازورات می افزاید(بسیاری از مدرک داران قلمباز که خود به سطحی و ابکی بودن ترشحات ذهنی شان آگاهند برای ارزشمند نمایاندن آنها به شکلی بیمار گونه و متظاهرنده و مبتذل هر بار با تذکر عنوان تحصیلی و حرفه ای پیش از آوردن نام کوچک و نام خانوادگی خود را باد می کنند همچون بادکنکی : بدون آنکه محتوای اثر کوچکترین ربطی به تخصص و حرفه شان بدارد

تا توجیهی باشد یادآوریش عارضه ای ویژه ی زادگان نکبتسرای پسماندگی . عیران آخوندی. روده ای : افغانستان : ناپاکستان و امثال اینها

لحظه خودکشی کلامی لحظه ایست به پاکی نیلگون بازتاب مهتاب در آئینه بلورین چشمه سار زلال لحظه ای نیلوفری این لحظه های بیزمان را من در بیشترین نوشته های آقای محمود سربابی . فرخ فروزین و بصیر نصیبی دوباره زیسته ام و اگر هر چه زودتر پاسخ این تعریف را به شکل نقدینه به حساب بانکیم نریزند دیگر تملقشان را نمی گویم

نکته دیگر اینکه من شخصا برای عقاید. چه عمومی باشند یا خصوصی هیچ ارزشی قائل نیستم و آنچه را حق بدیهیات و امور مدلل می دادم یعنی احترام ر به پای باورهای پا در هوا و اوهام و خرافات نمی ریزم و تقدیم نمی دارم. معلوم نیست کدام ابو جهلی این سخن پوچ و نامسئولانه را سر زبان جهل پرستان انداخته که عقاید عمومی محترمند؟ به ویژه ما مردمانی که طعم بهاء دادن به عقاید عمومی را به شکل آوارگی نامحترم شمرند: از هم گسستن خانواده هایمان : از دست رفتن زادگاه خاطراتمان و در ماتم نشستن مرگ های دور دست عزیزانمان به تلخی چشیده و می چشیم

اگر خود جزو عوام نباشیم چگونه میتوانیم آن گفته ابلهانه را پندی مراعات کردنی انگاریم؟ حتی عوام نیز در ناخودآگاه ذهنشان برای عقاید ارزش قائل نیستند وگرنه در باره عقیده : لطیفه و زمخته نمی ساختند. لابد شنیده اید که روزی روزگاری یکی از کناسان خانه پدری (!) از ملیجک مسعودک - مقعد باشی آخوند کروی می پرسد مقعد جام! جان و جهانم! بگو ببینم به عقیده تو سنگ بیشتر می شاشد یا گریه؟ مقعدک پاسخ می دهد به عقیده تو هردو! واه نمی شنوند کناسان؟ چه لوس! به مبحث عقیده و نقش ویرانگرش در جوامع وامانده بعدا باز خواهیم گشت

اینرا نیز بیفزایم که به سنت زیونساز احتراز از آوردن نام دیگران هنگام نقد و بررسی یا باطل شمردن گفته ها و نوشته هایشان ایدا خود را پای بند نمی دادم. سنت ها خول ناپذیرند و اخلاق با سنت همخوانی ندارد زیرا بالقوه و بالفعل با نفس خول عجین است و باید هم باشد تنها سنت خودمانی و محترم داشتنی را سنت جشن نوروزی می دادم که تابلویی زنده و پر نقش و نگارست کما بیش مصون مانده از آسیب غاصبان پیروز و مهاجم جنگ قادسیه

تاریخ وقوع شکستمان در قادسیه همین امروزست همه ی امروزهای موجود در چهارده سده تباهی. آنکس را سزاوار نثار احترام می دادم که به اندازه ی توانش بکوشد در راه جلوگیری از تکرار امروز و امروزهای چهارده قرنی در فردای بازماندگانمان و فرزندانمان. باقی همه حرف مفت است

حزب توده و عمده ترین تبه کاریهای افشاء نشده اش

نخست اشاره ای به دو ادعای مهوع و به تکرار :بیان شده از سوی شماری چند قلمباز و قلمزن

اگر به فکر بازگشت به کشورتان هستید ما می توانیم کمک کنیم

اگر بعنوان پناهندگی سیاسی هستید و یا بصورت غیرقانونی به کشور انگلستان آمده اید
و یا از اعتبار ویزای شما گذشته است

ما می توانیم هزینه تهیه بلیط شما را پرداخت نماییم
هزینه رفت و آمد به فرودگاه در انگلستان و کشورتان را پرداخت نماییم
در زمینه تهیه برگه خروج مشاور شما باشیم
با مراجعه به فرودگاه کمک حالتان باشیم
در همین ارتباط ما می توانیم نیازهای شما در کشور خودتان را فراهم نماییم

کلیه خدمات ما
رایگان است

تلفن رایگان 0800 783 2332



THINKING ABOUT RETURNING
TO YOUR HOME COUNTRY?
TALK TO US.
WE MAY BE ABLE TO HELP YOU.

- We pay for your flight ticket
- We pay for domestic transport in the UK and in your home country
- We help you to obtain the necessary travel documents
- We assist you at the airport before departure and upon arrival

ASYLUM SEEKERS

If you apply for voluntary return to your home country from the UK by
31 May 2007

you may be eligible to receive a total of

£ 3,500

worth of Reintegration Assistance (per person returning)

IMPORTANT: This enhanced package will be reduced to £2,500 for anyone who applies in June 2007. But if you wait until after June 2007 to apply you will receive the standard £1,000-worth of Reintegration Assistance per person.

For full details call IOM free on 0800 783 2332

IOM is an independent, international organization. It is not part of the UK Government.
We will help you to return home only if you wish to do so.



IOM International Organization for Migration

21 Westminster Palace Gardens
Artillery Row, London SW1P 1RR
Tel: 020 7233 0001
Fax: 020 7233 3001
www.iomlondon.org



values reflected by community funds



IOM International Organization for Migration

آشنایی بیشتر با سازمان جهانی IOM

بدون هزینه مقدمات سفر شما را فراهم می کنند و کلیه هزینه های ایاب و ذهاب مانند تاکسوی، اتوبوس و هواپیما را می پردازند

خدماتی که ارائه می دهد تنها شامل خدمات اجازه عبور و بلیط هواپیما نیست بلکه سرویسهایی است که کمک می کند. شما مقدمات بهتری برای بازگشت به کشورتان داشته باشید

این خدمات کمک می کند شما بتوانید به مراکز علمی و آموزشی راه یابید و با گذراندن دوره های مختلف جهت فراگیری حرفه ای وارد بازار کار شوید و هزینه های ثبت نام در این مجموعه های آموزشی را این سازمان تقبل می نماید

معمولاً ۹۰٪ افرادی که از این سرویسها استفاده می کنند میتوانند یک کسب و کار کوچک برای خود دایر کنند

سرویسهای اعلام شده فوق تا ۳۱ ماه می شامل ۳۵۰۰ پوند به هر نفر میباشد که به هر نفر ۵۰۰ پوند نقد در فرودگاه تحویل می دهند و ۳۰۰۰ پوند به هر نفر خواهند داد. جهت راه اندازی یک کسب مانند کافه اینترنت، گاراژ ماشین، سلمانی یا تاکسی سرویس یا راه اندازی یک مزرعه کوچک

سازمان جهانی از سال ۱۹۹۹ آغاز به کار کرده است و در طول این مدت بیش از ۲۰ هزار نفر از ملیتهای مختلف از این خدمات استفاده کرده اند و حدود ۳۰ ایرانی هم همراه IOM استفاده کرده اند که این آمار نشان می دهد که خدمات سازمان جهانی تا چه اندازه با موفقیت و مورد اعتماد پناهندگان قرار گرفته است. و چنانچه شما هم مایل هستید از این خدمات بهره مند شوید می توانید با یکی از همکاران ما تماس بگیرید و بصورت محرمانه صحبت کنید

در دنیا از جمله در تهران به پناهندگانی که مایل به بازگشت به کشورشان هستند کمک میکند

شرایط کسانی که قصد بازگشت به کشورشان را دارند متفاوت است گروهی ممکن است هنوز پاسخ مشخصی از اداره مهاجرت دریافت نکرده اند یا تقاضانامه هایشان پاسخ منفی دریافت کرده است و یا در حال تقاضای مجدد هستند و فرجام خواهی کرده اند

چنانچه شما تصمیم گرفتید به کشورتان بازگردید در این شرایط IOM می تواند به کمک شما بیاید و شما IOM میتوانید با تماس تلفنی با یکی از دفاتر در شهرهای گلاسکو لندن، بریستول و لیورپول مقدمات سفر خود را فراهم کنید. در بیشتر این دفاتر افرادی هستند که به IOM زبان فارسی نیز حرف می زنند

با دریافت تقاضای بازگشت پناهندگان به کشورشان شروع به مقدمات اداری می نماید که از گرفتن اجازه عبور موقت (تراول داکيومنت) و بلیط هواپیما آغاز می گردد که انجام این مراحل معمولاً بین یک تا سه ماه طول می کشد و بستگی به شرایط مختلف افراد دارد

تمامی پروازهای بازگشت از فرودگاه هیتروی لندن می شود و از هر کجای بریتانیا که فردی قصد بازگشت خود را اعلام کرده باشد بدون هیچ مخارجی او را به لندن می آورد تا به کشور خود پرواز کند از این مرحله در فرودگاه هیترو یکی از همکاران ما، شما را ملاقات می کند و بلیط هواپیما و اجازه پرواز موقت را به شما تحویل می دهد و در مقصد IOM که وارد کشور خود میشوید همکاران به استقبال شما می آیند و چنانچه بخواهید به هر شهر دیگری نیز در کشورتان بروید

انگلستان یکی از کشورهایی در دنیا است که مهاجرین علاقه مند هستند به این کشور بیایند

گروهی به قصد کار کردن می آیند گروهی هم می آیند تا به خانواده هایشان بپیوندند

گروهی جهت ادامه تحصیلات می آیند گروهی هم بخاطر شرایط بد کشورشان که مشکلات زیادی دارند به انگلستان می آیند

سازمان جهانی IOM با آگاهی داشتن از زندگی مهاجرین می داند مردمی که به کشورهای دیگر می روند دلایل مختلفی دارند و گروهی از آنان نیز پس از مدتی که در کشورهای دیگر می مانند قصد بازگشت به کشود خود را دارند ولی دلیل عدم آگاهی از قوانین و بی اطلاعی از حضور سازمانی چون IOM نگران بازگشت به کشورشان هستند و این در حالیست که سازمان جهانی IOM به پناهندگان از هر کشوری که باشند از برزیل گرفته تا افغانستان از ویتنام گرفته تا ایران چنانچه دلخواهانه قصد بازگشت به کشورشان را داشته باشند طبق یک برنامه تنظیم شده به آنان کمک می نماید تا به کشورشان بازگردند

قبل از اینکه از خدمات سازمان جهانی IOM توضیحات بیشتری بدهیم ممکن است پناهندگان بخواهند اطلاعات بیشتری در باره IOM بخواهند بدانند سازمان جهانی IOM که دفتر مرکزی آن در ژنو (سوئیس) میباشد بیش از صد دفتر در کشورهای مختلف دارد

IOM تشکیلاتی مستقل از دولتهاست که در جهت کمک به پناهندگان فعال است IOM با داشتن بیش از ۱۴۰ دفتر مختلف

London office:

21 Westminster Palace Gardens, Artillery Row, London SW1P 1RR Tel: 020 7233 30001 or 0800 783 2332

Liverpool office:

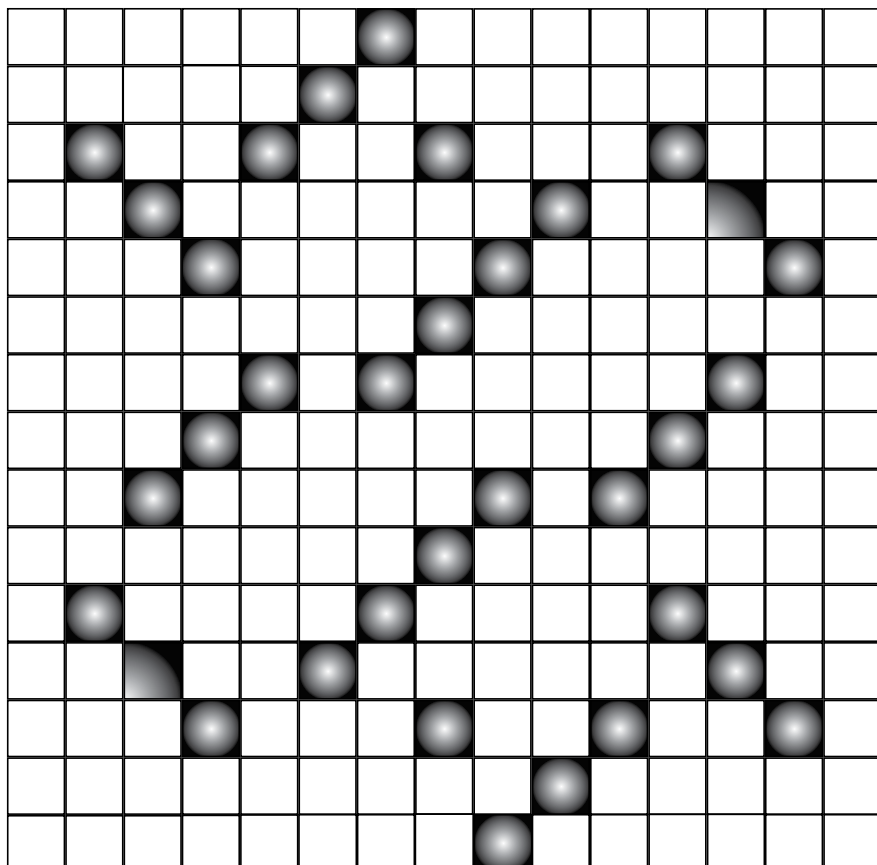
5th Floor, DBH Reception, The Corn Exchange, Fenwick Street, Liverpool L2 7QL. Tel: 0151 225 0242

Glasgow office: 38 Queen Street, Glasgow G1 3DX. Tel: 0141 548 8116

Bristol office: Park House Business Centre, 10 Park Street, Bristol BS1 5HX Tel: 0117 907 4779/4777

جدول کلمات

12 13 12 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1



فال این ماه شما

۱- عنوان اثری از پیر لوتی نویسنده فرانسوی ۲- درختی با میوه طبی - مفلس بازاری و نوشته ای الکساندر آستروفسکی ادیب روسی - نت ششم ۳- بدگویی ادبی - میخوش - نامی برای منجیق رمانی از رودیارد کیپلینگ داستانپرداز انگلیسی ۴- خرس آسمانی - آهنگساز ایتالیایی فیلم مرگ روی نیل - ویتامین انعقاد خون - فیلمی از محسن مخملباف ۵- ایالتی در اتازونی که مرکزش سنت پل نام دارد - بخیه هنرمندانه - خط کش مهندسی ۶- بی قید و بند- فیلمی ساخته سام تیلور ۷- پیامبری در کام نهنگ - برداشت محصول پسر کیومرث در شاهنامه ۸- بالا آمدن آب دریا - پیشقراول اعداد - شهری در آلمان ۹- حرف زیادی - غذای ساده ۹- دارای یک وزن میباشند - سیخ نانوائی - مهاجم سیه چرده تیم منچستر یونایتد ۱۰- تابلوئی از گوستاو کوربه - حرف زیادی ۱۱- منقار - از حروف الفبای فارسی - خلبانان انتحاری ۱۲- در حال تشاط - آبدیده - برگزیده از هر چیز - آز انسو ناپیداست ! ۱۳- دانشگاهی معتبر د رامریکا - پای افزار چوبی - رود فرانسه - دوش و کف ۱۴- زیاده خواهی - در ورزش رسیدن به مرحله بالاتر را گویند - تمدنی باستانی در جنوب بین النهرین ۱۵- آثار غنائی موریس راول آهنگساز فرانسوی سده بیستم

جدول کلمات

::افقی:

۱- زاهد و متقی / کشور افریقائی با مرکزیت دارالسلام ۲- فرستادن / آشکار ۳- ردیاب / هلاک / گرفتاران ۴- درخت انگور / نام دیگر رازیانه / در آن خیانت روا نیست ۵- بالایی زانو / نویسنده امیل و اعترافات / توده مردم / شعله آتش ۶- واژه افسوس / پاسخ مثبت / عقیده ۷- تسهیلات / والده ۸- رود آرام / آتش برافروخته / ماندگار نیست ۹- از توابع کاشان / نوشته ها / ره آورد اصفهان ۱۰- مبارکی و شگون / بدر نخور / سنجش زلزله ۱۱- واحد سطح / دارای ثمر بسیار / نمایندگی ۱۲- سوار / کشور صنعتی اروپا / جوی خون ۱۳- کمک کننده / هلال / واحد آدم ۱۴- حشره ای از نوع ملخ / نوازنده فقید تنبک ۱۵- آرامگاه بوعلی سینا / مکان پذیرائی میهمان.

	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

::عمودی:

۱- اثر همینگوی / قمر ۲- سقف فرو ریخته / محروم ۳- جوانمرد / جد / درخت زبان گنجشک / درستی ۴- تشنه فریب بیابان / اندوهگین / رودی در ایتالیا / واژه همراهی ۵- رموز / تاخیر کردن ۶- سرگیجه / ظاهر ساختن ۷- پنهان کردن حقیقت / آتش انار / ویران و خراب ۸- یک حرف و سه حرف / نومید / پاردم ۹- مخفی / زرشک / نوعی حلوا ۱۰- توانائی / تلخ عرب / گاز اطراف خورشید / موضوع ۱۱- کلمه ندا / دردناک / تصاویر ۱۲- پشیمانی / فتنه انگیزان / رود اروپائی ۱۳- قانون چنگیزی / لباس بلند / نقش هنرپیشه / از پسوندها ۱۴- گوناگون / حيله ۱۵- دستگاه خزانة برق / شهر و استان کویری / با ندبه و زاری می آید.

فال این ماه شما

تلاش شبانه روزی و خستگی ناپذیر بعضی از متولدین این ماه برای رسیدن به مقام و منزلت ایده آل ، بهر حال قابل تقدیر است ولی نباید به مسیر جاه طلبی افراطی برسد چرا که تلاش برای رسیدن به قله همیشه مفید و آینده ساز است و در غیر اینصورت ویرانگر شخصیت سازنده انسانها .

تلاش شبانه روزی و خستگی ناپذیر بعضی از متولدین این ماه برای رسیدن به مقام و منزلت ایده آل ، بهر حال قابل تقدیر است ولی نباید به مسیر جاه طلبی افراطی برسد . چرا که تلاش برای رسیدن به قله همیشه مفید و آینده ساز است و در غیر اینصورت ویرانگر شخصیت سازنده انسانها . ازدواج عجولانه ای که اینروزها برای معدودی پیش آمده باید به مسیر عاقلانه تری رهنمون گردد .

بعضی از متولدین این ماه بدلالی روابط شان با اطرافیان تا حدودی کدر و تیره شده است . البته باید ریشه این تیره شدن ها را در بعضی آدمهای دو رو و دو بهم زن دانست خوشبختانه همت پاک و خیرخواه اکثر متولدین این ماه سبب میشود مشکلات خیلی ریشه دار نشود .

در محیط کار و یا تحصیل به شایعات توجه نکنید و به کار خود مشغول شوید در مورد تصمیمی که باید بگیرید ، راه خود را بروید و منافع خود را در نظر بگیرید تا بهترین نتیجه را بدست آورید . راز سوالهای کنجکاوانه ای که در مورد ازدواج از شما می پرسند ، بیکه نخورید ، بلکه زمینه را برای یک انتخاب مناسب فراهم کنید .

به ساده زیستی ادامه دهید ، یکی از مشخصه های شما همین است ، به ظاهر خوب افراد پسندیده نکنید ، بلکه در مورد آنها خوب تحقیق کنید . راز خود را برای هر کسی بیان نکنید . از گفتگوهای احساسی دوری جوید . سفری خواهید داشت که قسمتی از آن در آب طی خواهد شد .

شرایط فعلی خود را در محیط کار حفظ کنید . تغییر و تحول در این مقطع زمانی برای شما مفید نیست . با افراد خانواده بحث و جدل نکنید چرا که ممکن است باعث دلخوری یکی از آنها شوید . کمی قرار و آرام داشته باشید و در کارها عجله نکنید تا به آرامش لازم دست یابید



بازارچه مجانی اروپایی ایرانیان

الکترونیک

- رایانه
- لوازم جانبی و قطعات رایانه
- انواع CD بازی و نرم افزار کامپیوتر
- انواع پرژکتورهای خانگی و سینمایی
- انواع دوربین عکاسی و فیلم برداری
- تلفن همراه
- انواع تلویزیون



اتومبیل

- اتومبیل
- قطعات بدکی اتومبیل و سایر لوازم
- لوازم صوتی اتومبیل
- موتور سیکلت
- لوازم بدکی موتورسیکلت
- تریلی ، اتوبوس و باری



خدمات املاک (خرید ، فروش ، اجاره ، رهن)

- خانه و ویلا
- زمین و باغ
- آپارتمان
- مغازه
- دفتر کار



بازار کار

- کاریابی
- نمایندگی
- آماده به کار
- انجام پیمانکاری
- استخدام
- بازاریابی
- سرمایه گذار



لوازم خانگی

- انواع لوازم آتیک و تابلوهای نقاشی
- انواع پوشاک بچه
- انواع ملهات و لوازم تزئینی
- انواع لوازم برقی خانگی
- انواع لوازم برقی صنعتی
- انواع لوازم باغبانی
- ساعت ، طلا ، جواهر



خدمات مسافرتی و گردشگری و سرگرمی

- انواع تورهای خارجی و ایرانی
- انواع کتاب های ایرانی و خارجی
- حیوانات خانگی
- انواع لوازم موسیقی
- انواع لوازم ورزشی
- لوازم شکار و ماهیگیری



در هر کجای اروپا که زندگی می کنید میتوانید از طریق بازارچه ایرانیان مجله رنگارنگ بصورت مجانی وسایل و لوازم مورد نظر خود را در معرض فروش قرار دهید یا اگر به دنبال خرید وسایل و لوازم مورد نیاز خود هستید آن را اعلام نمایند تا در شماره آینده رنگارنگ آن را چاپ نماییم

فرم اشتراک رنگارنگ

مایلم مجله رنگارنگ را برای شماره مشترک شوم

مبلغ به صورت نقد یا چک معادل پوند انگلیس همراه این فرم ارسال میشود

آدرس اینجانب به شرح زیر میباشد لطفا با حروف بزرگ بنویسید

.....
.....
.....

میزان حق اشتراک

انگلستان: ۱۲ شماره ۴۰ پوند

اروپا: ۱۲ شماره ۷۰ یورو

امریکا و کانادا: ۱۲ شماره ۱۰۰ دلار

لطفا چکهای خود را به نام M.Sarabi صادر نمایید

هدیه به دوستان

اشتراک مجله رنگارنگ را به دوستان خود

هدیه کنید تا همیشه به یاد شما باشند

با تکمیل فرم اشتراک هر کجای دنیا که هستید مجله رنگارنگ را در منزل یا محل کار خود دریافت کنید



Three Centuries of Fine Art in Jewellery

جواهرفروشی مظفریان به هموطنان عزیز بخصوص زوجهای جوان زیباترین طرحهای انگشتری و حلقه های نامزدی را با قیمتهایی باور نکردنی و تخفیف ویژه تقدیم میکند



Mozafarian Jewellers Ltd

Showroom & Head Office 88 Brompton Rd. , Knightsbridge, London SW3 1ER
Tel.: 020 - 7589 0777 Fax: 020 - 7589 0666

Email: info@mozafarian.com website: www.mozafarian.com



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS

Every piece is a Masterpiece.

The Finest, The Ultimate,
The Most Reliable Jewellers Mozafarian,
Only One In Dubai!



MEMBER OF THE
BRITISH JEWELLERS'
ASSOCIATION



MEMBER OF THE
NATIONAL ASSOCIATION
OF GOLDSMITHS

88 Brompton Rd., Knightsbridge, London SW3 1ER

Tel.: 020 - 7589 0777 Fax: 020 - 7589 0666

Regardless of the value our
quality and service remain undeterred.